گفت‌وگو با حمید استیلی سرمربی تیم شاهین:

طرفدارهای پرسپولیس هم در زمان تمرین و مسابقه شور و حال خاص بوشهری‌ها را ندارند

صفحه۸



نسیم جنوب

www.nasimjonoub.com

سال سیزدهم – شماره۵۸۹ – یک شنبه ۲۰ تیر ماه ۱۳۸۹ – ۸ صفحه – ۲۵۰ تومان

شرکت صنایع شیمی فام

پلاستوفوم

بلوک های سقفی (کندسوز) یخدان و لوازم بسته بندی . انواع ورق جهت عایقکاری و سردخانه ها



آدرس دفتر فروش وکارخانه :بوشهر شهرک صنعتی شماره ۲ بلوار صنعت نبش خیابان یازدهم

تلفن :۰۷۷۱-۴۵۵۴۵۲۵ فکس :۰۷۷۱-۴۵۵۴۵۲۶

منتخب پروژه های خصوصی و دولتی تکنولوژی روز کره جنوبی

عسگر جلالیان نماینده مردم کنگان، جم و دیر درنشست خبری:

وزارت نفت به تعهداتش در استان بوشهر عمل نکرده است

صفحه۶



عکس از سعید دهقانی

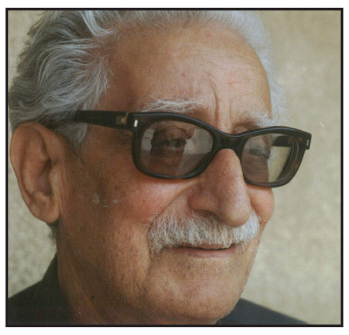
بعثت پیغمبراسلام در زمان سرگشتگی و حیرانی



آیت الله سید مصطفی حسینی

صفحه۳

گربه ایرانی



زنده یاد عبدالحسین شریفیان

صفحه ۴

تاثیر توریسم و گردشگری، در توسعه منطقه ای و ملی



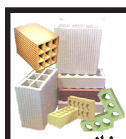
عبدالحسین کنین

صفحه۳

فروش خانه

یک باب خانه ویلایی به مساحت ۳۳۰ متر با ۱۸۰ متر زیربنا، دوبر کوچه در خیابان خیبر و عاشوری زیرقیمت بفروش می رسد.

تلفن تماس: ۰۹۱۷۷۷۱۵۸۰۱



آجر

بخش عمده سفال ۱۰*۲۰*۲۰ و ۱۵*۲۰*۲۰ اصفهان، یزد آجرنما ۵/۵ و ۵ آجر سه گل – پوکه معدنی به قیمت کارخانه .

۰۹۱۳۶۰۱۰۹۰۲ ۰۹۱۷۳۱۱۴۱۵۰ مسعودی

ای شهروند به خود احترام بگذار چون دیگران از تو تقلید خواهند کرد

موسسه فرهنگی ورزشی شهرداری بندر بوشهر



حسین (نیما) عرب زاده

شاگرد اول

کلاس اول

دبستان شجاعی فر

با تشکر از سرکار خانم ها فقیه، چشم آلوس و باغبان

Andishe Chess Club

با مجوز رسمی از سازمان تربیت بدنی استان بوشهر

باشگاه شطرنج اندیشه

با مدیریت: حسن اردشیرپور

آموزش ویژه نونهالان و نوجوانان

آدرس: بهمنی، رو به روی استخر کوثر، کوچه بانک صادرات

تلفن ۴۵۴۵۴۸۱ – ۰۹۱۷۳۷۱۵۷۷۰

www. Andishechess.ir

به مناسبت مبعث حضرت رسول اکرم (ص)

واگذاری تعداد محدودی آپارتمان مبله شده بصورت مالکیت زمانی مادام العمر و ارثی در جوار حرم مطهر رضوی

(بازاریاب فعال نیازمندیم.)

۰۵۱۱۲۲۳۱۵۳۴ – ۰۹۱۵۵۱۷۴۱۸۸

۰۹۱۵۳۱۳۲۲۸۶ – ۰۵۱۱۲۲۳۱۵۳۵

تابستانی پربار و به یاد ماندنی در دارالقرآن آل یاسین شهرستان بوشهر

آموزش تخصصی در زمینه های قرآنی، هنری، ورزشی، فرهنگی و علمی

صبح ها و عصرها

بوشهر – چهار راه دادگستری رو به روی جهاد کشاورزی

شماره تماس: ۲۵۲۹۲۹۹

استخدام

یک شرکت بازرگانی به یک نفر منشی خانم مسلط به زبان انگلیسی و آشنا به امور حسابداری نیاز دارد.

لذا دارندگان شرایط فوق می توانند با شماره ۰۹۱۷۱۱۱۰۱۰۲ تماس حاصل نمایند.



گروه صنعتی دشتیاری



مجهزترین واحد تولید کننده انواع درب و پنجره تک جداره و دو جداره U PVC و آلومینیوم در استان بوشهر

آدرس دفتر: بوشهر – خیابان چمران رو به روی دانشگاه پیام نور

آدرس کارخانه: بوشهر – شهرک صنعتی ۲ فاز ۲ خیابان تلاش

تلفن: ۲۵۲۰۱۳۰ – ۰۷۷۱ – ۰۹۱۷۷۷۱۹۷۱۸ – ۰۹۱۷۷۷۲۴۲۹۷

آگهی مزایده نوبت اول

بانک صادرات بوشهر در نظر دارد تعداد ۵ دستگاه خودرو مازاد بر نیاز خود را به شرح زیر از طریق مزایده به فروش برساند. لذا کلیه متقاضیان می توانند از تاریخ ۸۹/۴/۲۰ لغایت ۸۹/۴/۳۱ جهت اطلاع از شرایط مزایده و بازدید خودروها به آدرس بوشهر، خیابان امام خمینی (ره)، ساختمان مرکزی (برج خلیج فارس)، طبقه سوم، دایره تدارکات و ساختمان مراجعه و یا با تلفن ۲۵۴۳۳۱۲ تماس حاصل نمایند.

ردیف	نوع وسیله نقلیه	مدل	وضعیت خودرو	قیمت پایه به ریال
۱	وانت مزدا ۲۰۰۰	۱۳۸۳	قابل شماره گذاری	۶۰/۰۰۰/۰۰۰
۲	وانت مزدا ۲۰۰۰	۱۳۸۲	قابل شماره گذاری	۵۷/۰۰۰/۰۰۰
۳	وانت دو کابین نیسان (پیکاپ)	۱۳۸۳	قابل شماره گذاری	۱۸۰/۰۰۰/۰۰۰
۴	سواری پژو پارس	۱۳۸۲	قابل شماره گذاری	۶۵/۰۰۰/۰۰۰
۵	سواری پژو ۴۰۵	۱۳۸۰	قابل شماره گذاری	۴۰/۰۰۰/۰۰۰

حوزه اداری – دایره تدارکات و ساختمان

نسیم جنوب
خبر
شماره ۵۸۹ یک شنبه ۲۰ تیر ماه ۱۳۸۹
NASIM JANOUB

مصاحبه با دکتر لک رئیس دانشگاه جامع علمی کاربردی واحد استان بوشهر :

در دانشگاه علمی کاربردی بدنبال فارغ التحصیل کارآفرین و کارگشا هستیم

– لطفاً در خصوص دانشگاه جامع علمی کاربردی توضیحاتی بفرمایید؟

– دانشگاه جامع علمی کاربردی تنها متولی نظام آموزش عالی علمی کاربردی است که زیر نظر وزارت علوم، تحقیقات و فناوری اداره می شود. هدف دانشگاه جامع علمی کاربردی فراهم آوردن موجبات مشارکت سازمان ها و دستگاههای اجرایی دولتی و غیردولتی جهت آموزش نیروی انسانی متخصص و مورد نیاز بخش های مختلف اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی کشور است. دانشگاه جامع مسئولیت برنامه ریزی، ساماندهی، پشتیبانی های کارشناسی، عملیاتی، اطلاعات و سیاست گذاری های کلان و نیز نظارت و ارزشیابی مراکز و موسسات علمی کاربردی را بر عهده دارد. به طور کلی آموزش عالی کشور به سه رکن تقسیم می شود، رکن اول شامل دانشگاه هایی است که در مرزهای دانش فعالیت می کنند، رکن دوم را دانشگاه هایی تشکیل می دهند که مسئولیت آنها پاسخگویی به تقاضاهای اجتماعی می باشد و رکن سوم آموزش عالی، دانشگاه جامع علمی کاربردی است که متولی آموزش های علمی کاربردی است. آموزش های علمی کاربردی با دو هدف بهسازی منابع انسانی موجود در بخش های دولتی و غیردولتی و تربیت افراد غیرشاغل به منظور تصدی مشاغل در بخش های مختلف اقتصادی و یا خوداشتغالی طراحی گردیده است. این دانشگاه پس از پیروزی انقلاب اسلامی و پس از پایان جنگ تحمیلی و شروع دوران بازسازی کشور با هدف بهره گیری از مهارت و تخصص در نوسازی و توسعه کشور تأسیس گردید. به طور میانگین بیش از ۳۰ درصد آموزش عالی در دانشگاه های دنیا علمی کاربردی است، تجارب جهانی نشان می دهد که برای ایجاد توسعه، بهترین راه توانمندسازی مردم برای به عهده گیری مسئولیت توسعه در هر محل و به اتکای منابع محلی با حمایت دولت است. ماهیت این دانشگاه به گونه ای است که مدیریت استفاده بهینه از پتانسیل های بخش های مختلف دولتی و بخش غیردولتی را انجام می دهد، دانش آموختگان آن معمولاً جذب بازار کار شده و بیشتر نقش استخدام کننده دارند، از تمام پتانسیل های مردمی برای توسعه این آموزش ها بدون اتکا به بودجه دولتی استفاده می شود، از خبرگان و متخصصان بخش اجرا به عنوان مدرس علمی کاربردی استفاده می کند، پیاده سازی آموزش های علمی کاربردی و تقسیم کار ملی به نحو احسن صورت می پذیرد و این آموزش ها دارای مدل های آموزشی منعطف و متناسب با شرایط روز مانند پودمان های مکمل اعم از مهندسی حرفه ای، کارشناسی حرفه ای و پودمان تکمیلی می باشد.



– آیا تفاوتی بین آموزش در این دانشگاه و سایر دانشگاهها وجود دارد؟

– بلی. محور اصلی آموزش های علمی کاربردی تربیت نیروی انسانی کارآمد برای احراز شغل و حرفه معین است که همراه با آموزش اصول و مبانی علمی مرتبط با شغل صورت می پذیرد. می توان گفت در آموزش های کلاسیک بر دانایی، نظریه پردازی، هوش، استعداد و معلومات تأکید می شود ولی این جا بر توانایی، پیاده سازی نظریه در عمل، تجربه، توانایی و دقت. در حقیقت ما در آموزش های کلاسیک بدنبال دانش آموخته فرهیخته هستیم ولی در اینجا بدنبال فارغ التحصیل کارآفرین و کارگشا هستیم.

– برای حفظ کیفیت آموزشی دانشجویان در این دانشگاه چه راهکارهایی اندیشیده اید؟

– حفظ و ارتقاء کیفیت آموزشی دغدغه اصلی این دانشگاه به شمار می رود و ما همواره پیگیر این مهم هستیم. بکارگیری مدرسین دارای مدرک کارشناسی ارشد و بالاتر برای تدریس، تشکیل پرونده مدرسی برای مدرسین و نگهداری سوابق آنان، انجام ارزشیابی مستمر در طول ترم مواردی است که این دانشگاه با حساسیت ویژه ای دنبال می کند و در بازدیدهای تخصصی و بازدیدهای موردی از مراکز آموزشی همواره این مسئله مورد توجه و پیگیری قرار می گیرد. برگزاری مداوم کارگاههای آموزشی مرتبط مانند مهارت های روش تدریس، روش تحقیق، برنامه ریزی درسی و تشکیل منظم جلسات کمیته نظارت و ارزیابی استانی، هیأت ممیزه، شورای مشورتی روسای مراکز و شورای مشورتی دانشجویی همه در راستای حفظ کیفیت آموزشی و عدم انحراف مراکز آموزش از این امر مهم بوده صورت می گیرد.

– افراد واجد شرایط چگونه می توانند برای تدریس در این دانشگاه اقدام نمایند؟

– دارا بودن مجوز تدریس شرط اصلی تدریس در مراکز آموزش عالی علمی کاربردی است. افراد علاقه مند دارای مدرک کارشناسی ارشد و بالاتر که تجربه و سوابق لازم را دارا باشند با مراجعه به مراکز آموزش، در صورت نیاز اقدام به تکمیل فرم های مربوطه و تشکیل پرونده می نمایند. پرونده متقاضی در هیأت ممیزه استانی بررسی و در صورت تایید به سازمان مرکزی دانشگاه جامع جهت صدور مجوز تدریس ارسال می گردد.

– در خصوص نحوه پذیرش دانشجو در این دانشگاه لطفاً توضیحاتی بفرمایید؟

– پذیرش دانشجو در این دانشگاه سه بار در سال صورت می پذیرد. دو بار پذیرش با شرط معدل تحت عنوان دوره های پودمانی و یک بار پذیرش از طریق آزمون انجام می¬پذیرد. داوطلبان با تهیه دفترچه ثبت نام از ادارات پست در موعدهای مقرر که از طریق رسانه های گروهی اعلام می گردد، می توانند با ثبت مشخصات خود از طریق سامانه اینترنتی سازمان سنجش آموزش کشور متقاضی ورود به این دانشگاه شوند.

– آیا امکان ادامه تحصیل در این دانشگاه بصورت غیرحضوری نیز وجود دارد؟

– این دانشگاه در حال حاضر فقط یک دوره غیرحضوری در مقطع کاردانی تحت عنوان "مدیریت خانواده" را ارائه می نماید که با استقبال هم استانی های عزیز نیز مواجه شده و بیش از ۲۰۰ نفر در این رشته مشغول به تحصیل می باشند. داوطلبانی که فرصت حضور در کلاس درس را ندارند بویژه خانم های خانه دار می توانند با تهیه دفترچه مربوطه اقدام به ثبت نام نمایند. پذیرش دوره غیرحضوری مدیریت خانواده دو بار در سال صورت می پذیرد که اطلاع رسانی در خصوص زمان ثبت نام از طریق مطبوعات و رسانه های جمعی صورت می پذیرد. اطلاعات لازم در خصوص دوره یاد شده در سایت دانشگاه به آدرس www.uast.ac.ir جهت راهنمایی داوطلبین وجود دارد. هم چنین این دانشگاه آمادگی راهنمایی حضوری و تلفنی متقاضیان را نیز دارد.

– با توجه به اینکه یکی از اهداف و شعارهای این دانشگاه آموزش بر مبنای اشتغال است چه تسهیلات و خدماتی در این راستا ارائه می شود؟

– دانشگاه جامع شرایط و بستر لازم را جهت تحقق این مهم با انعقاد تفاهم نامه همکاری در سطح کلان با وزارت تعاون و صندوق مهررضا(ع) فراهم آورده است. دانشجویان و دانش آموختگانی که به شکل گروهی و تیمی مایل به همکاری هستند می توانند از خدمات و تسهیلات تفاهم نامه دانشگاه با وزارت تعاون بهره ببرند. هم چنین هر یک از دانش آموختگان این دانشگاه چنانچه طرح اشتغالزایی داشته باشند با شرط مرتبط بودن طرح با رشته تحصیلی و اخذ مجوز فعالیت از نهاد ذیربط می توانند از وام های کم بهره این صندوق متناسب با نوع فعالیت و طرح خود استفاده نمایند. دانشجویان گرامی برای اطلاع از جزئیات این طرح ها می توانند به مراکز آموزش یا واحد استانی مراجعه و راهنمایی لازم را دریافت دارند.

– سخن پایانی ؟

– آموزش محور توسعه است و دستیابی به توسعه پایدار جز با برنامه ریزی آموزشی و آموزش نیروی انسانی به عنوان شاخص اصلی فرآیند توسعه میسر نیست. آمادگی همکاری این دانشگاه با کلیه نهادهای دولتی و غیردولتی مستقر در استان جهت برنامه ریزی و ارائه آموزش های مورد نیاز را اعلام می دارم. امیدواریم با درک هرچه بیشتر این ضرورت در بین نهادهای مستقر در استان شاهد توسعه بیش از پیش و فراگیر استان بوشهر باشیم.

فرمانده انتظامی استان بوشهر: رسانه ها سرمایه های گرانبهای اجتماعی هستند

مرکز اطلاع رسانی معاونت اجتماعی فرماندهی انتظامی استان بوشهر: فرمانده انتظامی استان بوشهر رسانه ها را سرمایه های گرانبهای اجتماعی نام برد و گفت: رسانه ها از جمله منابع تشکیل سرمایه های اجتماعی هستند که برحسب ماهیت و محتوایی که دارند می توانند میزان و انواع متفاوتی از سرمایه اجتماعی را شکل دهند.

به گزارش پایگاه اطلاع رسانی پلیس، سرهنگ پاسدار رضا محمدی یگانه فرمانده انتظامی استان بوشهر گفت: آموزش و پرورش، خانواده ، دین و رسانه و ایدئولوژی از جمله منابع تشکیل سرمایه اجتماعی هستند که برحسب ماهیت و محتوایی که دارند می توانند میزان و انواع متفاوتی از سرمایه اجتماعی را شکل دهند. وی با اشاره به نظریه پردازان اجتماعی اظهارداشت: رسانه های همگانی، ابزار شناسایی، استمرار و ترویج و یا حفظ و انتقال سرمایه های اجتماعی یک جامعه هستند که در واقع با ظهور این رسانه ها سبب گسترش عظیم اعتماد در جامعه شده است.

رئیس پلیس راهنمایی و رانندگی بوشهر: پلیس بوشهر سعی در کاهش تصادفات موتورسواری دارد

مرکز اطلاع رسانی معاونت اجتماعی فرماندهی انتظامی استان بوشهر: رئیس پلیس راهنمایی و رانندگی بوشهر در خصوص خبر فوق گفت: پلیس راهنمایی و رانندگی فرماندهی انتظامی استان بوشهر با اجرای طرح تشدید برخورد با موتورسیکلت سواران متخلف و توسل به آموزش سعی در کاهش تخلفات و تصادفات در حوزه موتورسواری دارد.

به گزارش پایگاه اطلاع رسانی پلیس، سرهنگ فتح اله بحرینی رئیس پلیس راهنمایی و رانندگی بوشهر در گفتگو با خبرنگار پلیس در راستای آموزش های داده شده به راکبین موتورسیکلت در شهر بوشهر و آبپخش اظهارداشت: متأسفانه راکبین موتورسیکلت اطلاعات کافی در استفاده از موتورسیکلت را نداشته که همین امر تا کنون سبب بروز بسیاری از تخلفات حادثه ساز شده است. وی به طرح تشدید برخورد با موتورسیکلت سواران اشاره کرد و تصریح کرد: پلیس راهنمایی و رانندگی بوشهر در راستای این طرح در سه ماه اول سال ۸۹ تعداد ۷ هزار و ۷۸۲ دستگاه موتورسیکلت را بطور آشکار و نامحسوس توقیف و تعداد ۱۷۵ نفر تحت آموزش قرار گرفتند. این مقام مسئول در پایان از برگزاری کلاس های آموزشی جهت آموزش به راکبین موتورسیکلت در ستاد راهنمایی و رانندگی استان خبر داد.

سارق در حین سرقت به دام افتاد

مرکز اطلاع رسانی معاونت اجتماعی فرماندهی انتظامی استان بوشهر: سارقی که قصد سرقت از داخل مینی بوس را داشت در حین ارتکاب به جرم دستگیر شد.

به گزارش پایگاه اطلاع رسانی پلیس، شخصی طی تماس با پلیس شهرستان "دشتی" اظهار داشت: سارقی قصد سرقت از لوازم داخل مینی بوس دارد. ادامه گزارش حاکیست، مأمورین پلیس بلافاصله خود را به محل سرقت رسانیده و مشاهده کردند جوان ۱۹ ساله ای قصد دارد اشیاء با ارزش داخل مینی بوس را سرقت نماید. برپایه این گزارش، با وجود قفل بودن درب های مینی بوس سارق از طریق یکی از شیشه های مینی بوس که باز بوده وارد خودرو شده و ضمن برداشتن کیف دستی محتوی یکصد و ده هزار تومان وجه نقد، به دنبال اشیاء با ارزش دیگر می گشته که صاحب مینی بوس متوجه شده و با پلیس تماس می گیرد. به گزارش خبرنگار ما، با حضور به موقع نیروهای پلیس شهرستان "دشتی" سارق ناکام ماند و پس از دستگیری وی، کیف و محتویات آن به صاحبش بازگردانده شد.

سارق، مالخر را هم با خود گرفتار کرد

مرکز اطلاع رسانی معاونت اجتماعی فرماندهی انتظامی استان بوشهر: در یک سرقت موتورسیکلت با دستگیری سارق، مالخر نیز به دام پلیس افتاد.به گزارش پایگاه اطلاع رسانی پلیس، در پی اعلام شخصی به نام "ی" مبنی بر سرقت یکدستگاه موتورسیکلت متعلق به خودش مأمورین پلیس وارد عملیات گردیدند. گزارش بعدی حاکیست، در پی تحقیقات بعمل آمده توسط پلیس، سارق بنام "عبداله" شناسائی و دستگیر گردید. گفتنی است، متهم معترف گردید موتورسیکلت را به فردی بنام "عباس" فروخته که موتورسیکلت مسروقه نیز کشف و بهمراه مالخر به مقر انتقال یافت.

بیمارستان ۱۸ ساله ی دیر هنوز بزرگ نشده

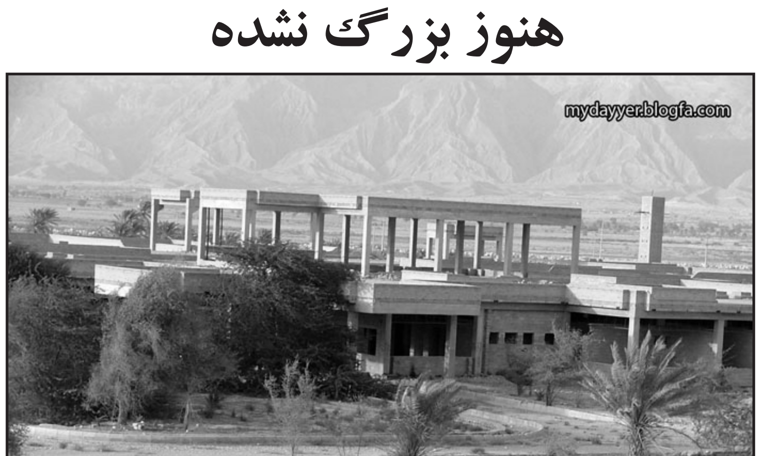
دیر نیوز: ۱۸ سال می گذرد از روزی که کلنگ ساخت و احداث تو بر زمین زده شد و چقدر زود می گذرد چرخش طبیعت و چرخ روزگار!!

انگار دیروز بود جمع کثیری از مسئولین محلی و استانی آمده بودند تا نوید خبرهای خوب و خوش به مردم گرما دیده و مظلوم بندر دیر دهند ، مردمی که روزهایشان را با دریا سپری می کنند، مردمی که همیشه ی تاریخ ثابت کرده اند شایسته ترین اند، این را تمام برگهای تاریخ این انقلاب می تواند گواهی کند، چه آن روز که دهها جوان و نوجوان این سرزمین راهی جبهه های حق علیه باطل می شدند تا با افتخار از آب و خاک و میهن شان دفاع کنند و چه آنروز که در تقابل با رژیم طاغوت بدون هیچ پشتوانه ای و تنها با اتکال به خداوند و در اجرای دستور رهبرشان به مقابله با رژیم طاغوت برخواستند و هنوز هم همان مردمان گرمادیده وشرجی زده ی جنوبی در صحنه حاضرند و خار چشم دشمنان این نظام و انقلاب هستند ، هنوز هم آنها با امید زندگی می کنند و مرزدارانی شایسته اند برای این آب و خاک. مردمی بی ادعا و کم توقع که همیشه بوده اند و هستند و مردمانی که به گواه تاریخ مظلوم ترین بوده اند و به گواه تاریخ کم مدعاترین ، مردمانی که موقعیت ها را خوب درک می کنند.

اما آیا همه ی اینها دلیل می شود که پروژه ای تحت عنوان «بیمارستان بندر دیر» بیش از سه بار تاکنون کلنگ زنی شده باشد و هر بار به امان خدا رها مانده باشد و هیچ نهادی هم پاسخگوی راکد ماندن آن نباشد. آیا بجاست دانشگاه علوم پزشکی استان، استانداری استان به عنوان عالی ترین مقام و جایگاه اجرایی استان به همین سادگی از حق و حقوق مردم این دیار بگذرد، فارغ از یک عذرخواهی و پاسخگویی قانع کننده. آیا مصوبه ی سال ۸۴ دولت در خصوص بیمارستان دیر اجرایی شده است؟ اگر شده است که باید همین مردم آن را لمس کنند و اگر کوتاهی صورت گرفته و هنوز حتی یک سنگ و آجر به آن اضافه نگردیده چرا مسئولین سکوت را انتخاب می کنند و در قبال مردم خود را موظف به پاسخگویی نمی دانند؟آیا بیمارستان ۹۶ تختخوابی که رئیس جمهور محترم وعده ی آن را به مردم بندر دیر دادند و اتفاقاً در مصوبات هیئت دولت نیز بود آماده ی تحویل است؟ مشکل کار کجاست؟ چه کسی یا چه نهادی کوتاهی کرده؟ مردم کم توقع و کم مدعای بندر دیر در این خصوص تاکنون حتی یک پاسخ قانع کننده از متولیان مرکز استان نشین دریافت نکرده اند. راستی مگر مصوبات دولت درجه بندی شده است؟

چطور بیمارستان بوشهر کبیر و دشتستان بزرگ پیشرفت می کنند و سازه هایشان از زمین می روید اما بیمارستان دیر که درست در همان مصوبه ای قرار گرفته که این دو نیز قرار دارد باید بلاتکلیف می ماند.

چه شده است که پروژه ای جهت تکمیل شده پروسه ای ۱۸ ساله طی می کند و هنوز اندرخم کوچه ی اول مانده است. هر از چندگاهی و به مناسبتی جمع کثیری از مسئولین محلی و استانی حضور می یابند و کلنگی برزمین می کوبند و نوید اتمام پروژه در سالهای آتی می دهند و سالهای بعدی هم هیچ اتفاقی نمی افتد و جالب اینجاست که هیچ کس هم خود را پاسخگو نمی داند. (تلاشهای سایت خبری بندر دیر (دیرنیوز) جهت تماس با دانشگاه علوم پزشکی استان بوشهر و کسب اطلاع از موضوع بدون نتیجه و پاسخ مانده است.)



مصوبات دردسرساز دولت برای مردم بوشهر و فارس

آخرین نیوز: مصوبات سفرهای استانی در خصوص احداث یک سد ، مسئولان و مردم دو استان بوشهر و فارس مردم و مسئولان منطقه را به دردسر انداخت . دولت در سفر اول خود به استان فارس مصوبه ای مبنی بر احداث سد نرگسی در بالادست رودخانه دالکی به تصویب رساند که هرچند ممکن است رضایت کشاورزان منطقه کازرون را کسب کند اما روزگار بدی را برای کشاورزان بوشهری در پایین دست این رودخانه رقم خواهد زد.سرشاخه رودخانه دالکی به عنوان رودخانه های مشترک استانهای فارس و بوشهر در استان فارس است . به گفته مردم و مدیران استان بوشهر اقدام غیرکارشناسی و غیر اصولی که با حمایت دولت در حال انجام است از ورود اندک آبی که به استان خشک و کم آب بوشهر سرازیر می شود جلوگیری خواهد کرد و مناطق کشاورزی بوشهر را با چالشی جدی روبرو خواهد کرد و متاسفانه هیچ کس هم پاسخگو نیست. نمایندگان مردم استان بوشهر در مجلس شورای اسلامی هم به همین علت در گفتگو با رسانه های استانی نگرانی خود را از ساخت سد روی رودخانه دالکی در محدوده استان فارس اعلام کرده و از مدیران وزارت نیرو خواسته اند حق کشاورزان استان بوشهر را از این منبع آبی حفظ کنند. رودخانه دالکی یک رود دایمی به طول۱۷۰ کیلومتر است که حوزه آبریز آن خلیج فارس و دریای عمان است از دامنه های زاگرس حد فاصل کازرون ـ فراشبند در استان فارس سرچشمه می گیرد و در مسیر خود از فارس به سمت جنوب غربی از کازرون در فارس و دشتستان و بوشهر عبور می کند و سرانجام در ۵۴ کیلومتری جنوب غربی برازجان مرکز شهرستان دشتستان به خلیج فارس می ریزد.

انتقاد عضو شورای شهر بوشهر از نمایندگان مجلس و اصولگرایان بوشهری:

فرسایش نیروهای بومی و تمسخر مرکزنشینان!

پایگاه اطلاع رسانی بُنا: عضو اصلاح طلب شورای اسلامی شهر بوشهر از ارائه لیست ۱۰ نفره نمایندگان استان در مجلس شورای به وزارت کشور جهت معرفی گزینه مورد نظر خود برای انتصاب استاندار بوشهر و بی برنامگی اصولگرایان بوشهری در این زمینه انتقاد کرد.

به گزارش "پایگاه اطلاع رسانی بُنا"؛ امان ا... شجاعی گفت: معرفی این همه گزینه به وزارت کشور جهت تصدی پست استانداری بوشهر نه تنها باعث فرسایش نیروهای بومی خواهد شد، بلکه به تمسخر مرکز نشینان منجر می شود.

وی معتقد است که اصولگرایان بوشهری

حداقل می بایست با تدوین برنامه ای مشخص، خواستار استانداری برای اجرائی نمودن برنامه های توسعه ای از وزارت کشور می شدند.

شجاعی بی تفاوتی رئیس جمهور به نظر نمایندگان استان در مجلس در انتصاب استاندار جدید بوشهر را منصفانه ندانست و گفت: هر کس الفبای سیاست را بداند، به خوبی متوجه می شود که این رفتارها با مردم بوشهر ایراد دارد و ظاهراً منافع ملی نیز برای این آقایان چندان اهمیتی ندارد که برای اداره یک استان اینچنین برخورد می کنند.

عضو کمیسیون برنامه و بودجه شورای شهر بوشهر اظهار داشت: در قرن بیست و یکم تمامی امورات را براساس برنامه های از پیش تعیین شده صورت می گیرد، این در حالی است که ما اکنون داریم راه را به اشتباه می رویم و به جای تدوین و اجرای برنامه های توسعه ای تمامی کارهایمان را تعطیل کرده ایم و به فکر انتصاب استاندار هستیم.

شجاعی افزود: تاکنون بخش اعظم برنامه های چهارم توسعه انجام نشده، بنابراین باید تمامی دغدغه هایمان این باشد که یک استاندار توانمندی وارد بوشهر شود که بتواند این موضوعات را حل نماید.

وی خاطر نشان کرد: البته بنده نه از رفتن ششفقت خوشحالم و نه از آمدن جهانبخش نگرانم، زیرا می دانم که استاندار تابع بادهای سیاسی در کشور هستند و مجبور به آنچه که دولت دستور می دهد، می باشند.

با صدور حکمی از سوی نماینده بوشهر، گناوه و دیلم

نماینده میگلی نژاد در جامعه کارگری منصوب شد

پایگاه اطلاع رسانی بُنا: نماینده بوشهر، گناوه، دیلم و خارگ در مجلس شورای اسلامی با صدور حکمی دبیر تشکیلات خانه کارگر بوشهر را به عنوان نماینده خود در جامعه کارگری منصوب نمود. بر اساس این حکم "عیسی محمد کمالی" به عنوان نماینده کارگری غلامعلی میگلی نژاد در حوزه انتخابیه اش منصوب شده است.متن کامل این حکم که برای دفتر پایگاه اطلاع رسانی بُنا نیز ارسال شده، بدین شرح است:

برادر ارجمند جناب آقای حاج عیسی محمد کمالی / دبیر محترم اجرایی خانه کارگر استان بوشهر / با سلام و احترام؛ نظر به توانایی و قابلیت های ارزنده جنابعالی از تاریخ صدور این حکم با حفظ سمت به عنوان نماینده اینجانب در جامعه کارگری استان منصوب می گردید. با عنایت به اهمیت در هماهنگی و انسجام این قشر عظیم و مولد در پیشبرد و توسعه ایجاد اشتغال پایدار در استان که در سایه وحدت و تعامل بین جامعه کارگری و کارفرما تحقق می یابد کما فی سابق کوشا بوده و امید است با استعانت از خداوند متعال در تحقق این امر مهم موفق و موید باشید.

غلامعلی میگلی نژاد

فرآیند تصفیه آب ایران صنعت

دستگاه های آب شیرین کن خانگی water safe و C.C.K

دستگاه های آب شیرین کن صنعتی water safe

۳ الی ۱۰۰ متر مکعب در شبانه روز

فروش و خدمات



نشانی: بوشهر، خیابان حافظ (نادر سابق) فرعی بانک انصار ایران صنعت

تلفن: ۲۵۴۱۱۶۸ همراه: ۰۹۱۷۳۷۴۲۳۹۵

دعوتنامه تشکیل مجمع عمومی عادی (نوبت دوم)

مجمع عمومی عادی نوبت اول شرکت تعاونی مسکن فرهنگیان بوشهر در ساعت ۱۸ روز پنج شنبه مورخ ۸۹/۴/۳۱ در محل سالن شهید بشکوه واقع در مدیریت آموزش و پرورش شهرستان بوشهر برگزار می شود. از کلیه اعضای محترم دعوت به عمل می آید به منظور تصمیم گیری نسبت به موضوعات ذیل در جلسه مذکور حضور بهم رسانند. در ضمن داوطلبان عضویت در سمت هیئت مدیره و بازرس جهت نام نویسی با در دست داشتن تصویر شناسنامه و کارت ملی تا مورخه ۸۹/۴/۲۷ به قسمت تعاون مدیریت آموزش و پرورش بوشهر (تلفن ۲۵۲۰۷۹۶) مراجعه نمایند.

دستور جلسه:

۱- انتخاب اعضای اصلی و علی البدل هیئت مدیره

۲- انتخاب بازرس اصلی و علی البدل

هیئت مدیره شرکت تعاونی مسکن فرهنگیان بوشهر

یک واحد تولیدی در شهرک صنعتی بوشهر (۲) دارای آب، برق، تلفن، همراه با وام با شرایط مناسب به فروش می رسد.

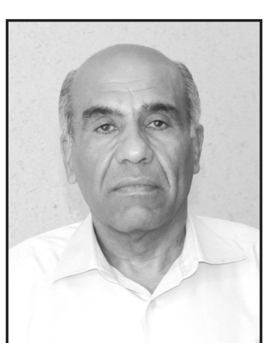
تلفن تماس: ۰۹۱۷۷۷۴۳۳۷۶

نسیم جنوب
۳
اجتماعی
شماره ۵۸۹ یک شنبه ۲۰ تیر ماه ۱۳۸۹
NASIM JANOUB

توسعه

تاثیر توریسم و گردشگری، در توسعه منطقه ای و ملی

عبدالحسین کنین - مدرس دانشگاه



گردشگری, استفاده از اوقات فراغت به عنوان ابزاری روحیه ساز و مفرح در جهت رضایت انسان به منظور افزایش کیفیت زندگی و توجه به نیازهای ثانویه بشر شناخته می شود. اوقات فراغت یعنی زمانی که انسان پس از انجام فعالیت های روزانه می تواند هرگونه که بخواهد نسبت به استفاده از آن برنامه ریزی نماید.

در واقع فراغت بخشی از زمان شبانه روز انسان است که می توان با برنامه ریزی تنش های فیزیکی, روحی و روانی را برطرف نمود و به کسب انرژی یا تامین نیروی حیاتی مجدد پرداخت.

نیازهای اولیه بشر را آنچنان که از دیرباز به آن اشاره شد شامل خوراک, پوشاک و سرپناه دانسته اند که هر انسانی برای ادامه حیات فیزیکی خود به آن نیاز دارد.

اما آنچه که نیازهای ثانویه انسان را تشکیل می دهد فرایندی فراتر از تامین خواسته های روزمره و تکراری می باشد که می توان آن را خواسته های خود شکوفایی انسان نام برد, یعنی انسان به دنبال شناخت بیشتر و یافتن علل وجودی خود از طریق تعامل با دیگران بر اساس احترام متقابل و استفاده از فرصت ها و فراغت های زندگی و به منظور ارتقای نقش بشری خود می باشد که این نگاهی انسان گرایانه به زندگی, و گردشگری یکی از ابزارهای رسیدن به این شناخت می باشد.

از اوایل قرن نوزدهم که تحولاتی در زمینه وسایط نقلیه صورت گرفت و جابجایی مردم از نقطه ای به نقطه ی دیگر سرعت بیشتری پیدا کرد و مردم جهان توانستند به تدریج بسیاری از نقاط جهان که زمانی فقط در رویاهای خود مجسم می کردند, از نزدیک ببینند تحولاتی نیز به همراه داشته, که در این میان ملت های دور اندیش و بعضا فرصت طلب, آنچه که از میراث خواسته یا ناخواسته ی خود داشتند و همچنین با توسل به پدیده های طبیعی خود سعی کردند مردم جهان را به سوی خود بکشانند و از این



راه وجه ای و درآمدی کسب نمایند (در این میان اماکن زیارتی حکایت دیگری دارند) و اصطلاح توریسم (جهانگرد, گردشگر) از همین قرن آغاز شد, و به دنبال تحولات دیگر خیل عظیم مردم کنجکاو و آرزومند برای دیدن سرزمین های دور و نزدیک و با صرف هزینه های زیاد سرازیر سرزمین های مورد علاقه خود شدند و در این بین برخی از کشورها مخصوصا کشورهای باستانی و سرزمین های مدیترانه ای که از آب و هوای معتدل و آفتابی برخوردارند، وادار نمود که از تمام ظرفیت های سرزمین خود برای جذب این همه ثروت استفاده کنند که هم باعث افزایش درآمد مردم خویش شوند هم مولد مشاغل متعدد گردند و همچنین باعث افزایش درآمد های مالیاتی , مطرح شدن در سطح جهانی و نیز سوابق فرهنگی , آداب و رسوم , زبان و صنایع دستی جامعه در سطح جهانی مورد توجه قرار گیرد و این بود که اصطلاح صنعت توریسم به دلیل ارتباط ی که توسعه این صنعت در سایر بخش های اقتصادی یک کشور ایجاد می کند و کلیه بخش های اقتصادی کشور را خواه به صورت مستقیم یا غیر مستقیم تحت تاثیر قرار می دهد متداول گردید.

از آن زمان تا کنون چنان این صنعت رشد کرده و سودآور شده که امروزه درآمد برخی از کشورها مثل اسپانیا, ایتالیا, یونان و مصر از درآمد نفتی برخی از کشورهای نفت خیز خاورمیانه بیشتر است. بهمین جهت این صنعت چنان کشورهای جهان را متوجه خود کرده و آنها را به جنب و جوش وا داشته, به طوری که همه در تکاپو افتاده اند که به هر وسیله ای متوسل می شوند تا میراث فرهنگی و تاریخی خود (ولو کم سابقه) یا منتسب کردن شاعر معروفی, نویسنده ای, مورخی, موسیقی دانی, یا نقاشی به خود و احیای کوچه ای یا خانه ای یا محلی که (مثلا" این نامور از اینجا عبور می کرده؟ یا در این خانه ساکن بوده؟ و یا در این محل مدتی زندگی می کرده؟) چنان با آب و تاب تعریف می کنند, و یا درباره او سخن می گویند که مردم جهان را شیفته آنجا می کنند. از اینها گذشته, با برپایی فستیوال ها وجشنواره های (فیلم و موسیقی , رقص) و... یا نمایشگاه های (کتاب , عکس , تمبر , اتومبیل) و یا حراج آثار هنری و یا برگزاری مسابقات (اسب سواری, شتر سواری , اتومبیل رانی , تنیس و سایر مسابقات) یا برگزاری مراسم بومی محلی , مثل پرتاب گوجه فرنگی یا افتادن به جان حیوانات بی زبان مثل (گاوبازی) یا نمایشگاه های پرورش زیباترین نوع حیوانات مثل پرورش اسب , پرورش گربه , و سگ و بلاخره آیین ها و مراسم مذهبی و ...خلاصه به هر وسیله ای توان و هنر خود را جذب سرمایه های عظیم و سرگردان و تقریبا بدون زحمت مردم جهان می کنند تا از این خان نعمت بی نصیب نمانند.

از میان کشورهای باستانی که ذکر آن رفت, ایران از جمله کشورهای مهم جهان محسوب می شود زیرا جای جای سرزمین پهناور ایران مملو از فرصت های گردشگری کوچک و بزرگی است که هر یک قادرند در صورت استفاده صحیح و مدیریت مناسب تاثیرات مثبتی را در بخش توسعه منطقه ای و ملی از خود بر جای گذارد.

بعثت پیغمبراسلام در زمان سرگشتگی و حیرانی

آیت الله سید مصطفی حسینی



انتصاب حضرت ختمی مرتبت از جانب پروردگار عزت به مقام نبوت . (لقد منّ الله علی المؤمنین اذ بعث فیهم رسولا من انفسهم یتلو علیهم آیاته و یزکّیهم و یعلّمهم الکتاب و الحکمهٔ و ان کانوا من قبل لفی ضلال مبین) خداوند لطف خویش را بر مؤمنان مبذول داشت که پیامبری همنوع خودشان در میان آنها برانگیخت تا آیاتش را بر آنان تلاوت نماید و جانهاشان را (از آلایش شرک و هر پلیدی) پاک سازد و آنها را به احکام شریعت و حقایق حکمت آگاه سازد ، چه آنان درگذشته به گمراهی آشکار می زیسته اند . (آل عمران : ۱۶۴)

امیرالمؤمنین (ع) فرمود : خداوند در دورانی پیغمبرش را فرستاد که فترت (خالی بودن زمان از وجود انبیاء) حاکم و امتها به خوابی دراز فرو رفته بودند و آشوبها و فتنه ها بر علیه جامعه آن روز مصمم ، نظم امور از هم گسیخته ، آتش جنگها افروخته و جهان ، نور و درخشش خود را از دست داده فریبندگی خویش را آشکار همی ساخت ، و آب زندگیش خشکیده، پرچمهای هدایت به کنار رفته و اعلام ضلالت برافراشته شده بود . دنیای آن روز چهره زشت خویش را نشان همی داد و به روی طالبان و جویندگان بس عبوس بود. بر و بارش آشوب ، غذایش مردار ، شعارش ترس و وحشت و دثارش شمشیر بود . خداوند در روزگاری پیغمبرش را مبعوث نمود که مردم گمشدگانی سرگشته و حیران بودند و به آشوبهائی فرو رفته که خود آنها را برپا ساخته بودند ، خودخواهیها آنها را به لغزشها کشانده بود و جاهلیت بی نهایت ثبات و وقار از آنها گرفته و به دام موجهای هلاک کننده شان سپرده بود، سرگردانهائی بودند که در مسائل اجتماعی متزلزل و در رنج نادانی بسر می بردند. در چنین شرائطی رسول گرامی اسلام با تصمیمی جدی به نصیحت و خیرخواهی آنان پرداخت و به راه (منطق و خرد) در آمد و آنها را به دانش و رشد و کمال رهبری نمود. (بحار:۲۱۸/۱۸)

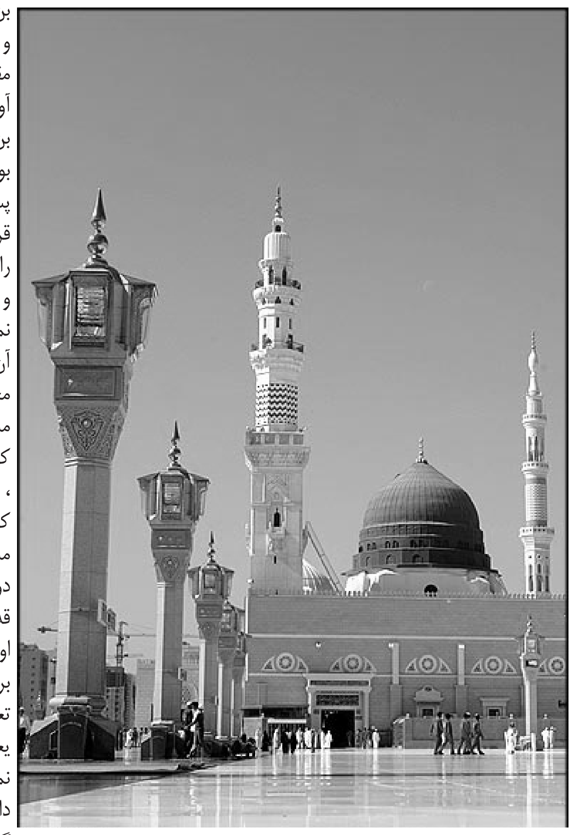
و فرمود : خداوند ، محمد (ص) را به حق برانگیخت تا به کتاب متقن و محکمش بندگان را از پرستش بتها به پرستش خود در آورد و از طاعت شیطان نجات داده مطیع خویش سازد که از این رهگذر بندگان که خداوندگار خود را نمی شناختند بشناسند و پس از انکار ، به وجودش اعتراف نمایند و هستی خدای را امری ثابت دانند ، خداوند خود را در کتاب خویش آشکارا نشان داد بی آنکه او را به چشم ببینند ، عظمت و قدرتش را ظاهر ساخت و مردمان را از شکوه خود بیم داد . (بحار:۲۲۱/۱۸)

و نیز فرمود : خداوند محمد (ص) را فرستاد که بندگان و بلاد و چهارپایان را رحمت بُوَد ... (بحار:۹۴/۷۸)

«تاریخ بعثت»

این واقعه بسال چهلم عام الفیل و بنقل مورخین ۶۲۰۳ سال پس از هبوط آدم (ع) اتفاق افتاد . اما کدام روز از ایام سال این حادثه رخ داده ، میان مورخین اختلاف است : مشهور شیعه امامیه بیست و هفتم رجب ، و قول مشهور فِرق دیگرِ مسلمین ماه رمضان است. یعقوبی می نویسد : هنگامی رسول خدا (ص) مبعوث شد که چهل سال تمام از عمرش سپری گشته بود ، و بعثت وی در ماه ربیع الاول و بقولی ، در رمضان ، و از ماههای عجم در شباط بود .

ابن اسحاق روایت می کند که : رسول خدا به عادتی که داشت به کوه «حِراء» رفت و چون شب بعثت فرا رسید ، جبرئیل به فرمان خدای متعال نزد وی آمد ، رسول خدا گفت : در حالی که خفته بودم ، جبرئیل با نوشته ای از دیبا نزد من آمد و گفت : بخوان ، گفتم : خوانا نیستم ، پس مرا چنان فشرد که پنداشتم حال مرگ است ، سپس مرا رها کرد و گفت : بخوان ، گفتم : خوانا نیستم ، باز مرا چنان فشرد که پنداشتم حال مرگ است ، سپس مرا رها ساخت و گفت : بخوان ، گفتم : چه بخوانم؟ و این سخن را نمی گفتم مگر تا از دست وی رها شوم ، و دیگر با من چنان نکند ، پس گفت : (اقرأ باسم ربّک الذی خلق * خلق الانسان من علق * اقرأ و ربّک الأکرم * الذی علّم بالقلم * علّم الانسان ما لم یعلم) ، پس آن را خواندم ، سپس مرا رها کرد و از نزد من بازگشت و از خواب پریدم در حالی که گوئی این آیات چون نوشته ای به درستی در دل من نقش بسته بود ، پس بیرون آمدم و آنگاه که در میان کوه رسیدم ، آوازی از آسمان شنیدم که می گفت: ای محمد! تو پیامبر خدائی



و من جبرئیلم ، سرم را به آسمان برداشتم و نگریستم ، و ناگاه جبرئیل را در صورت مردی که پاهای خویش را در کران آسمان استوار ساخته بود، دیدم که می گفت : ای محمّد تو پیامبر خدائی و من جبرئیلم، پس ایستادم و به او می نگریستم ، و پس و پیش نرفتم و روی خویش را از وی به کناره های آسمان می گردانیدم ، اما به هیچ ناحیه ای نمی نگریستم مگر آن که او را همچنان مشاهده می کردم ، همچنان ایستاده بر جای ماندم و جلو نرفتم و به عقب هم برنگشتم تا آن که «خدیجه» کسانی در پی من فرستاد و به بالای مکّه رسیدند ، و نزد وی بازگشتند و من در همانجا ایستاده بودم ، سپس از من بازگشت ، و من هم به خانه ام نزد «خدیجه» آمدم و با مهربانی نزدیک وی نشستم ، گفت: یا أباالقاسم کجا بودی؟ به خدا قسم که در جستجوی تو کسانی را فرستادم تا به بالای مکّه رسیدند و نزد من بازگشتند، پس آنچه را دیده بودم برای وی باز گفتم . گفت : ای پسر عمو ! شادمان و ثابت قدم باش، سوگند به کسی که جان «خدیجه» به دست او است امیدوارم پیامبر این امّت تو باشی.

«آغاز دعوت»

دعوت رسول خدا و انذاری که در آغاز سوره مدّثّر بدان مأمور گشت از محیط خانه و زندگی خود وی شروع شد و نخست همسرش «خدیجه» دختر «خویلد» ایمان آورد و رسالت وی را تصدیق کرد و پیوسته رسول خدا را در ثبات و استقامت یاری می داد .

در همین محیط خانوادگی بود که «علیّ بن أبی طالب» پیش از همه مردان به رسول خدا ایمان آورد و با وی نماز گزارد و در آنچه از جانب خدا می آورد تصدیقش می کرد و سپس «زید بن حارثه» نخستین مردی بود که پس از «علی» اسلام آورد و نماز خواند .

مقریزی پس از نام بردن هشت نفر که پیش از همه اسلام آورده اند می گوید : اما علیّ بن أبی طالب بن عبدالمطّلب بن هاشم قرشی هاشمی ، پس هرگز به خدا شرک نیاورده بود، چه خدای متعال خیر او را می خواست و او را در کفالت پسر عمویش سید المرسلین «محمّد» صلّی الله علیه و سلّم قرار داد، و هنگامی که وحی به رسول خدا آمد و «خدیجه» را خبر داد و او هم تصدیق کرد، خدیجه و علیّ بن أبی طالب و زید بن حارثه «حِبّ» رسول خدا صلّی الله علیه و آله با وی نماز می گزاردند، و موقعی که نزد کعبه نماز می گزارد و بیم آن می رفت که قُریش مزاحم شوند ، «علی» و «زید» او را محافظت می کردند.

مسعودی می نویسد : بسیاری از مردم را عقیده بر آن است که «علی» هرگز به خدا شرک نیاورد ، تا از نو اسلام آورد ، بلکه در همه کار پیرو رسول خدا بود ، و به وی اقتدا می کرد ، و بر همین حال بالغ شد ، و خدا او را عصمت داد و مستقیم داشت و برای پیروی پیامبر خود توفیق داد ، چه آن دو در طاعت ها مضطرّ و مجبور نبودند ، بلکه با اختیار و قدرت ، طاعت پروردگار و موافقت امر وی و پرهیز از مناهی او را برگزیدند .

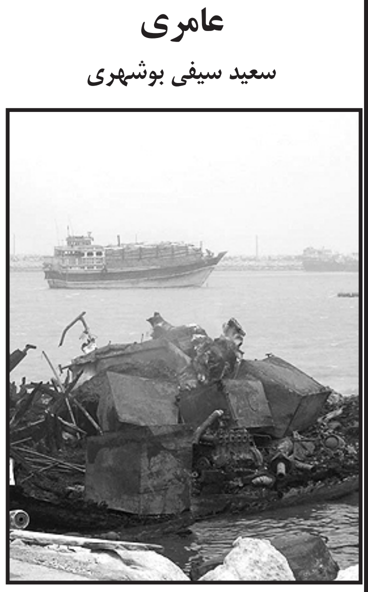
برخی گفته اند که : جبرئیل در روز دوم بعثت رسول خدا برای تعلیم نماز و وضو ، نازل شد .

یعقوبی می نویسد : «نخستین نمازی که بر وی واجب گشت نماز ظهر بود ، جبرئیل فرود آمد و وضو گرفتن را به او نشان داد و چنان که جبرئیل وضو گرفت رسول خدا هم وضو گرفت ، سپس نماز خواند تا به او نشان دهد که چگونه نماز بخواند ، پس رسول خدا نماز خواند .

از «عمرو بن عبسه سلمی» روایت شده است که می گفت : در آغاز بعثت که داستان رسول خدا را شنیدم، نزد وی شرفیاب شدم و گفتم : امر خویش را برای من توصیف کن. پس امر رسالت خود و آنچه را خداوند او را بدان مبعوث کرده بود برای من توصیف کرد. گفتم: آیا کسی هم در این امر تو را پیروی کرده است ؟ گفت : آری زنی و کودکی و غلامی ، و مقصودش خدیجه دختر خویلد و علیّ بن أبی طالب و زید بن حارثه بود . پیغمبر اکرم (ص) تا سه سال دعوت خویش را به پنهانی انجام میداد ، و در آغاز سال چهارم یا آخر سال سوم که آیه های : (و انذر عشیر تک الاقربین) و (فاصدع بما تؤمر) نازل گردید آن حضرت آشکارا بدعوت پرداخت.

نوش دارویی پس از آتش گرفتن لنج های بندر عامری

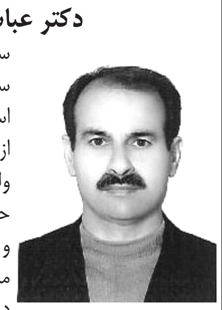
سعید سیفی بوشهری



چنانچه مطلع اید آتش سوزی گسترده ای در اسکله ی عامری رخ داد که به دلیل نبود اطفای حریق استاندارد و فاصله ی موجود بین بندر عامری تا مرکز استان ۲۶ لنج و شناور صیادی در کام آتش سوخت این در حالی است که نبود یک سیستم اطفای حریق استاندارد در این اسکله و دیگر اسکله های بوشهر با اصل اول ایمنی و سپس کار همخوانی ندارد و بر اساس قوانین بنادر ، در مرحله ی ابتدایی ایجاد بنادر و اسکله ها باید ایستگاه و امکانات آتش نشانی برای جلوگیری از خطرهای احتمالی و محافظت از وسایل ساخته شود و از نیروهای آتش نشانی که آموزش های غواصی و امداد و نجات دریایی را گذرانده اند در این ایستگاه ها استفاده کرد . که متاسفانه در ساخت این اسکله و اسکله های اینچنینی به نکات ایمنی توجه نشده و بعد از یک آتش سوزی گسترده شاهد دستور استاندار بوشهر به اداره ی شیلات و بندر و دریا نوردی مبنی بر ارائه ی یک طرح استاندارد اطفای حریق هستیم تا از محل اعتبارات استانی برای خرید یک دستگاه اطفای حریق استاندارد و استقرار آن در بندر عامری اقدام شود که این اقدام بیشتر شبیه به نوش دارویی می ماند که کیکاووس چندان در فرستادن آن درنگ کرد که سهراب بمرد چنانکه اسکله ی عامری هم تبدیل به پودر شد و دیگر ایستگاه و امکانات آتش نشانی نمی تواند این پودرها را به هم بچسباند . هر چند که هر وقت ماهی را از آب بگیری تازه است !

دغدغه های سازمان تامین اجتماعی

دکتر عباس حاتمی



سازمان تامین اجتماعی یک سازمان عمومی و غیر دولتی است که از نظر مالی مستقل از بودجه دولتی عمل می کند ولی تحت نظارت نهادهای حکومتی مثل سازمان کل کشور و دیوان محاسبات است. منبع مالی سازمان تامین اجتماعی از دریافت حق بیمه بیمه شدگان و درآمدهای حاصل از سرمایه گذاری توسط شرکت های وابسته به تامین اجتماعی تامین می گردد. با توجه به اینکه طبق قانون دولت مکلف است ۳ حق بیمه بیمه شدگان را پرداخت نماید، بدهی دولت ها به سازمان یکی از مشکلات این سازمان است.

سازمان تامین اجتماعی یک سازمان تخصصی در صنعت بیمه و سلامت (درمان) است و فعالیتهای وسیع اجتماعی ، اقتصادی و فرهنگی انجام می دهد. با توجه به اینکه هزینه های سازمان توسط بیمه شدگان که اکثرا از قشر کارگر هستند تامین می شود هر گونه دست اندازی مستقیم یا غیر مستقیم (تحمیل هزینه) بر منابع سازمان غیر قانونی و غیر شرعی است.

سازمان تامین اجتماعی از نظر ساختار تشکیلاتی دارای شورای عالی هیئت مدیره و مدیر عامل اجرایی است. شورای عالی بالاترین نهاد برای سیاست گذاری و نظارت بر عملکرد سازمان است و هیئت مدیره نیز در چارچوب سیاستهای کلان سازمان، برنامه های اجرایی را تصویب و جهت اجرا ابلاغ می نماید. با توجه به اینکه سازمان تامین اجتماعی تنها امید و آینده بیمه شدگان است برخی اقدامات اخیر در سازمان که عمدتا توسط دستگاه های بیرون از سازمان بر آن تحمیل می شود نگرانی هایی را برای بیمه شدگان ایجاد کرده است که از دولت و مجلس تقاضای رفع چنین نگرانی ها را داریم. برخی نگرانی ها در خصوص سازمان تامین اجتماعی به شرح ذیل است:

۱. کم رنگ شدن نقش شورای عالی و جایگزینی آن توسط هیئت امنا.

۲. انتخاب اعضای هیئت امنا از نیروهای غیر متخصص و فاقد تجربه در سازمان، مثلا درمان سازمان که یک بازوی مهم سازمان است حتا یک نفر پزشک در هیئت امنا ندارد.

۳.بروز شایعاتی مبنی بر واگذاری بخش درمان سازمان به وزارت بهداشت و درمان، با توجه به اینکه تنها امتیاز مهم سازمان درمان مستقیم سازمان است که به بیمه شدگان خدمات رایگان می دهد.

۴.کم رنگ شدن نقش تشکل های کارگری، کارفرمایی و بازنشستگی در تصمیم گیری های سازمان.

۵.تلاش جهت کاهش فعالیت سازمان در حد یک صندوق صرفا مالی و حذف فعالیت های رفاهی و درمانی آن.

امید است مسئولان محترم وزارت رفاه و مجلس به دغدغه های بیمه شدگان پاسخ مثبت دهند و مانع از اضافه شدن مشکلات جدید بر بیمه شدگان گردند.

ملالی نیست از رفتنت

سید حسن رضوی



همین چند ماه پیش بود. چنان تریبون را یک‌تنه در اختیار گرفته بود تو گویی تا سالهای سال بر این مسند حکمرانی خواهد راند. هوای گرم درون سالن توی سوز سرمای بیرون انگار نفسش را چاق و نطق کلامش را باز کرده بود. بی‌تابی داشت کم‌کم در چهره حاضرین نمایان می‌شد. جوان بغل‌دستی چند بار موبایلش زنگ خورد تا جواب داد. فاصله کم بین ما و صدای بلند موبایل باعث شد تا توی همان سلام و علیک ابتدایی جوان، متوجه بشوم که یکی از نمایندگان استان در مجلس پشت خط هستند. جوان با صدایی که سعی داشت آهسته باشد گفت: "کجایید پس؟ برنامه سخنرانی شما را جابجا کرده‌اند تا خودتان را برسانید."

آقای پشت خط پرسید: "الآن چه کسی پشت تریبون است؟" جوان نگاهی بمن که سرم بطرف گوشی موبایلش متمایل شده بود انداخت و آهسته طوری جواب داد که چیزی نشنیدم. اما صدای نماینده این‌بار با وضوح بیشتری به گوشم رسید: "پس من برمی‌گردم. فکر نکنم نوبت یه کس دیگری برسد."

تا ساعتی بعد چندین بار یادداشت‌های اعتراضی حاضرین بدست مجری و متعاقبا بدست سخنران افتاد. اما جناب سخنران که گویا چنین مجلسی بی‌ریا و چنان گوش‌هایی شنوا را تابحال به چشم ندیده بود چنان بر مرکب سخن‌وری سوار بود که اشاره‌های مجری و بی‌تابی حاضرین و نجواهای درگوشی و درنهایت ترک اعتراض‌آمیز سالن توسط حاضرین هم خللی در اراده پایان‌ناپذیر وی وارد نکرد. و جناب سخنران چه با خونسردی و آرامش رفتن حاضرین را تماشا میکرد تو گویی همیشه ماندنی است و دیگران رفتنی.

اما تمام شد. و چه زود هم تمام شد دوران زمامداری که شاید سالها برایش طرح و برنامه داشتی. اکنون ملالی نیست اگر نخواستی به حرفی غیر خود گوش دهی. ملالی نیست اگر نتوانستی و یا نخواستی رفتاری متوازن نسبت به مردم فرهنگ‌دوست و مطبوعات استان از خود نشان دهی.

ملالی نیست اگر صاحب کارنامه‌ای ضعیف باشی در اجرای مصوبات هیات دولت در استان. و در کل ملالی نیست از رفتنت. مهم موسم رفتن است که فرا رسید. و برای آفتاب نشینان سواحل زرخیز خلیج‌فارس مهم نیست مقصد بعدی‌ات کجاست. به خراسان شمالی،به خراسان جنوبی و یا هم مرکزی. اما به هرکجا که رفتی یادت باشد که:

"آفتاب باش، تا به جایی اگر هم نخواستی بتابی، نتوانی."

منبع: http://mirmohamad.blogfa.com/

پیامبر ما چنین بود و چنین گفت(۲۶)

پیامبر (ص) و عبادت - ۲

حجت الاسلام والمسلمین محمد فولادی



عبادت که پیام مهم و اصلی دعوت پیامبر اسلام (ص) را تشکیل می‌داده در واقع هر آنچه خیر و سبب رشد و کمال، فلاح و رستگاری در دنیا و آخرت می‌شود را شامل شده که همه‌ی آن اعمال و رفتاری که همراه با فهم و درک درست و در راستای اطاعت و قرب خداوند قرار گرفته را در بر می‌گیرد.

چنان که پیامبر (ص) فرمود: نگاه فرزند به چهره‌ی پدر و مادر با دوستی و محبت و عشق و علاقه، عبادت خداوند است. «نظر الولد الی والدیه حباً لهما عباده» (بحار، ج ۷۷، ص ۱۴۹).

یا نگاه به چهره‌ی دانشمند، عبادت است و نگاه به چهره‌ی پیشوای عادل عبادت است و ... . (بحار، ج ۷۴، ص ۷۳).

پیامبر اسلام همه‌ی اعمال مردم را که سبب سلامتی، پیشرفت، آرامش و صحت روان فرد و اجتماع می‌شود را عبادت شمرد. البته عبادت مراتب دارد چون انسان‌ها همگی در یک سطح و درجه نیستند. بعضی طمعکار و در پی سود خودند مانند تجار و بعضی ترسو و احتیاط کار و محافظه کارند و از ضرر و زیان در هراسند و عده‌ای هم در پی حقیقت‌اند و حقیقت خواه و قدردان شایستگی‌ها بدون ملاحظه‌ی سود و زیان خود و همه البته در حال عبادت چه عبادت تجار و چه بردگان و خوشا به حال آزادگان که خدا را به خاطر شایستگی و عظمت خود خداوند عبادت می‌کنند. (نهج البلاغه، حکمت ۲۳۷).

عبادت یعنی پیروی کردن - وابستگی و دلبستگی، به دور کسی یا چیزی به طواف رفتن و چرخیدن. لذا اطاعت طاغوت یعنی عبادت او.

امام صادق (ع): «من اطاع رجلاً فی معصیه فقد عبده» پیروی کسی در معصیت و گناه کردن عبادت اوست. (کافی، ج ۲، ص ۳۹۸)

رسول خدا (ص) فرمود: «ملعون ملعون من عبد الدینار والدرهم» از رحمت خدا به دور است، به دور کسی که درهم و دینار را بپرستد.(بحارالانوار، ج ۷۲، ص ۲۲۱).

بدترین بندگان از نظر رسول خدا (ص) کسی است که تکبر می‌ورزد و خود را بزرگ‌تر از دیگران می‌شمارد و خداوند بزرگ را فراموش کرده است. «بئس العبد عبد تجبّر و اختال، و نسی الکبیر المتعال» (بحار، ج ۷۲، ص ۲۰۱).

آن حضرت (ص) به اصحاب و امت خود فرموده است که: عبادت و خوردن مال حرام امکان ندارد. آن عبادت بقائی و ارزشی ندارد. «العباده مع اکل الحرام کالبناء علی الرمل (علی الماء)» عبادت با خوردن حرام مثل ساختمان بر شن (بر آب) است. (بحارالانوار، ج ۱۰۳، ص ۱۶).

عبادتی که رسول خدا (ص) مردم را به آن فرا می‌خواند برای نزدیک شدن به خداوند است نه ادا درآوردن و عادت کردن. لذا پیامبر (ص) عبادت را به قدر طاقت سفارش می‌کند چون با سختی به خود دادن جز خستگی و دلزدگی و بی‌ثمری نتیجه‌ای نخواهد داشت. «خذوا من العباده ما تطیقون». (کنزالعمال، ج ۳، ص ۳۰).

امام صادق (ع) فرمود: «لا تکرهوا الی انفسکم العباده» به خود در عبادت اذیت و فشار و سختی نرسانید. (کافی، ج ۲، ص ۸۶).

پیامبر (ص) به مردم و پیروان خود فهماند که هیچ کس نمی‌تواند حق عبادت خداوند را به جای آورد و به فرمایش رسول خدا (ص): خداوند خود فرموده است که: بندگان در هر حالی توان رسیدن به کنه عبادت من ندارند. «غیر بالغین فی عبادتهم کنه عبادتی فیما یطلبون فی کرامتی». (بحارالانوار، ج ۷۰، ص ۳۸۵.)

توصیه پیشوایان دینی بر آن است که: همیشه خود را در عبادت پروردگار مقصر و دارای نقص بدانید که خود راهی است برای حرکت به جلو و گرفتار تکبر و عجب نشدن. امام باقر (ع) به جابر می‌فرماید: یا جابر! لا اخرجک الله من النقص و لا التقصیر. (بحار، ج ۷۱، ص ۲۳۵).

در پایان این که پیامبر (ص) سعی و تلاش کرد که به مردم بگوید: همه بنده‌ی خدا هستید و هیچ کس عبد و امه کسی نیست. لا یقولنّ احدکم عبدی و امتی کلکم عبید الله و کل نسائکم اماء الله. (تنبیه الخواطر، ص ۸).

فروش فوری

یک قطعه زمین تجاری - مسکونی به مساحت ۵۰۰ متر مربع واقع در بوشهر، خیابان طالقانی (صلح آباد) پشت گاراژ برازجانی ها دارای ۲۸۰ متر مربع زیربنای مسکونی و دفتر و دارای پایان کار شهرداری با قیمت مناسب به فروش می رسد.

۰۹۱۷۷۷۱۸۶۶۳ موحد

نسیم جنوب ۴
ادب و هنر ۵۵
شماره ۵۸۹ یک شنبه ۲۰ تیر ماه ۱۳۸۹
NASIM JANOUB

.....تا ماه می رسی
سید محمد رضا هاشمی زاده

تو،اتفاق تازه ای و گاه می رسی
با کوله بار خستگی از راه می رسی
شبنم ترین زلال شـکوه تبسمی
یا صبح زود، یا که سحرگاه می رسی
از یک مسیر خط خطی تیره ی زمان
چیزی شبیه حادثه،ناگاه می رسی
شاید شبیه جان منی بر لبم شبی
آرام تا به کوچه ی ما، آه می رسی
بایک سبد ستاره ی لبخند ساده ات
باشاپرک، سپیده به همراه می رسی
با گامهای روشن خود سمت آسمان
تانیمه شب، کنار دل ماه می رسی

گلشا
محسن دلواری

نمی دانم چه ساعتی از خواب بیدار می شوی
هنوز در اضطراب لحظه بیدار شدنم
چقدر تشنه ام
با آنکه برهنه ام
موسیقی خون
از غلاف رویایم چیزی شبیه ترانه می خواند
از خود نپرسیده ای که چرا از باران و آینه می ترسم
چرا در جزیره متروک شبها
خواب نفس های کبوتری سیاه می بینم
که از آسمان بغض آلود ابری عبوس عبور می کند
گلشا
طنین نفس هایت وجودم شعله ور می کند
افسوس ماندن من و خواب شگفت آور کُنار پیر
راستی گلشا
بیاد می آوری که من هیچگاه گونه شب یلدا را نبوسیده ام
حالا بخوای شکفتن تو را می شنوم
در دست های بی رمق دنیا

نون و القلم...
محمود یوسفی

چشمه ی دل گشت جاری از قلم
تا تویی آری؛! درون این دلم
می رود، رودش رسد آخر به دریای جنون
از تو خواهانم نمایی ساقیا حل، مشکلم
نفس همچون اژدهایی هفت سر!
دست و پای دشمن دل نیز می باید، قلم
دوست می دارم که بردارم قلم
تا که بر دوشم گذارم آن علم
دوست تر دارم که بر...دارم ... زعشق
از علمدار شهید کربلایم این علم
دست او گردیده اندر راه عشق
دستش از دست عدویش شد قلم!
آیه ی نون والقلم مایسطرون
خون پاکش جوهر عشق است و بازویش قلم
چون نهم بر دوش علمم این علم؟
این علم برداشتش دست قلم
دست های آن علمدار دلم
هر دو از بازو بگشتندی قلم
در عزای دست های آن علمداری حق
باشدش تا حشر، داغش بر دلم
زین سبب شد یوسفی عاشق، قلم!
جراتش پیدا نموده تا زند بهرش قلم.

خلاصه هستم
احمد خواجه ئیان

آنقدر خلاصه هستم و تنها
که حوصله ام
میان آه نمی گنجد و ماه آنقدر دور است و....
خلوت
که در تقلای آسمان
هوا و مرا
فراموش می کند......

گربه ایرانی

داستان منتشرنشده ای از زنده یاد عبدالحسین شریفیان

اشاره : وقتی که در نیمه اول دهه ی هفتاد باتفاق شادروان منوچهرآتشی وآقای محسن شریف دست به کار انتشار یک جُنگ ادبی تحت عنوان " کتاب بوشهر " بودیم که در برگیرنده صرفا آثار قلمی نویسندگان واهالی قلم و هنر و ادب این سرزمین باشد، از زنده یاد عبدالحسین شریفیان نویسنده وبه ویژه مترجم توانای همشهری ساکن تهران خواستم تا در این مورد ما را یاری دهد. با کمال میل پذیرفتند و دفتری را که دربرگیرنده یک داستان بنام " گربه ایرانی " و یک نقد و نظرادبی – اجتماعی تحت عنوان " پیش گفتاری بر سیری در ادبیات سیاه پوستان آمریکائی " بود در اختیارم گذاشت . درآن جُنگ که متاسفانه به عللی هیچگاه انتشار نیافت، مقاله اخیرالذکر درج گردید. اینک برخود لازم دیدیم تا به بهانه ی ذکرنامی از این عزیز در سالگرد درگذشتش و با آرزوی شادی روان این افتخار ادبیات معاصر بوشهر، داستان" گربه ایرانی " او را که در سال ۱۳۳۹ نوشته شده است ، جهت التذاذ خاطرخوانندگان گرامی نسیم جنوب ، منتشرنمائیم . خورشید فقیه .

پدر، این بار که از کشتی پیاده شد ، بر خلاف دفعات پیش که از فرط خستگی ناشی از کارهای شبانه روزی مقدمی درکشتی، بدخلقی میکرد، خیلی شاد وسر حال وراضی بنظر میرسید . از صحبت هایش معلوم شد که افسر یکم کشتی باری انگلیسی، یک گربه ی بُراق ایرانی ازش خواسته است . پدر قول داده بود که تا آمدن مجدد کشتی به بوشهر، یعنی حدود دوماه بعد، آن را برایش تهیه کند.

این را هم بدانید که پدر،مرد حسابگری بود وفرصت های نادر را واقعا غنیمت میشمرد و به هیچ وجه از دست نمیداد. حساب کرده بود که میتواند این گربه را به قیمت گزافی بفروشد وبا پول آن ، یعنی با پول حواله ای که از خزانه ی غیب رسیده بود، بام خانه را اندود کند، دیوارهای سیمانی ریخته ی آب انبار راکه از پارسال به تعمیر و سیمانکاری مجدد نیازپیدا کرده بود تعمیرکند، واگر مبلغی هم باقی بماند، که حساب میکرد حتما هم باقی میماند، یک چرخ خیاطی نیمدار برای مادر ازمغازه ی میرزا علی سینگر بخرد و بخواست خدا به وعده ی سه – چهار سال پیشش وفا کند.

از آن جائی که بخت با پدر، و یا شاید هم با همه ی ما یار بود، همان شب عمو ابرام از سفر شیراز برگشت وپیش از آن که به روال همیشگی اش برای رفع خستگی رانندگی به محله ی یهودی ها برود، یکراست از گاراژ به خانه ما آمد، یک گونی انار اتابکی شیراز هم برایمان سوغات آورده بود .

پدر آن شب عمو ابرام را برای شام نگه داشت و بعد، یعنی پس از صرف شام ونوشیدن چای، ماجرا رابرای او هم تعریف کرد . عمو قول داد در همین سفرکه بار یزد دارد، یک گربه ی قشنگ بُراق می آورد.

سه هفته بعد، شاگرد عمو ابرام گربه را به درخانه ما آورد و پدر که آن روز درخانه بود از فرط شادی ، یک قران به پسرک انعام داد.

گربه ای سفید یک دست ، پشمالو که چشمهایش یکی سبز ودیگری به رنگ زرد کاهی بود .

گربه ی شیطان وبازیگوشی بود که با شنیدن کمترین صدا و خش و خش دست از زیر قالی، از جا می پرید، حمله میکرد، چنگ میانداخت وچشمان زیبا و شیطانش را باشنیدن صداهای مشکوک، گرد و فراخ میکرد .

همه ی ما ازاین گربه ی زیبا و ملوس مواظبت میکردیم، زیرا همانطور که گفتم، قراربود دو – سه تا از نیازهای زندگی مان را که درنتیجه ی تنگدستی ونارسایی مالی تاکنون برآورده نشده بود، برآورده سازد .

بالاخره با پولی که با فروش این حیوان عایدمان میشد، میتوانستیم بام خانه را اندود کنیم تا از شر گذاشتن سطل و تشت زیرسقف اتاق هنگام باران های سیل آسا آسوده شویم و آب انبار خانه را هم تعمیر کنیم که برای روزهای داغ تابستان آب آشامیدنی داشته باشیم، و خیلی چیزهای دیگر.

همه، از خرد و کلان گربه را می پائیدیم، روزها و شب ها آن را می بستیم تا مبادا این شاهین اقبال از خانه ی ما بپرد و روی خانه ی دیگری بنشیند، و یا از خانه ی ما بیرون برود و نخستین رهگذری که ممکن است از جلو خانه ی ما بگذرد، به جای ما او بتواند یکی دوتا از هزاران درد زندگی اش را درمان کند. به همین منظور، پدر قول داد که اگر من زندانبان خوبی باشم وتا رسیدن کشتی نگذارم این حیوان پر برکت از چنگمان فرار کند، مرا باخودش به دیدن کشتی ببرد.

سرانجام یک روز جمعه، ساعت ده صبح کشتی کذا وارد لنگرگاه بوشهرشد . پدر شتاب زده به خانه آمد . کیفش را که محتوی اسناد ترخیص کالا، مداد، کاغذ، واظهار نامه های گمرکی وغیره بود را برداشت وآن را به دست من داد وگربه راهم در بغل گرفت به اتفاق راهی گمرک شدیم . در محوطه گمرک همه از گربه بغل گرفتن پدر سخت شگفت زده شده بودند، زیرا کاری را که معمولا جاشوها، مزدورها وناخداها میکردند، از منشی یک تجارتخانه ومیرزا آقایی مثل پدر بعید میدانستند. یکی پرسید : " میرزا! اینو میخوای چند بفروشی ؟ " دیگری گفت : گلی به جمالت ! میترسیم از فردا همه ی میرزا ها ومنشی ها یه گربه بغل کنن ونون یکی دوتا جاشو را هم آجر کنن! " . مسلم سیاه ، موتورچی قایق گریمکنزی ،که در همسایگی ما زندگی میکرد، وهمچون که ما را دید و گربه ای که توی بغل پدر خوابیده بود، ایستاد وگفت : " آمیرزا! جون همه ی مَردها بگو این گربه را چه جوری توی خونه نگه داشته بودی که ما که همسایه ی دیفال به دیفال تو بودیم حتی صدای میواش را هم نشنیدیم؟! آمیرزا! گربه فروشی کار ماست نه تو! بیا مردی کن وبده به من!"

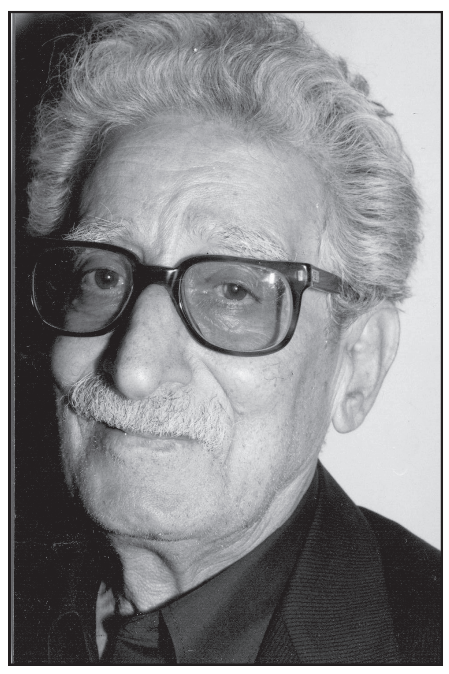
پدرگفت: " والله از بس مرد فرنگی التماس کرد دادم اینو واسه اش آوردن، والا خودت میدونی که مارا چه به گربه فروشی؟!" از ترس ، آستینش را گرفتم و کشیدم . خم شد، از او پرسیدم: " بابا مگه نگفتی میخوای به مرد فرنگی بفروشیش و پولشو..." . آهسته گفت : " البته که میفروشمش، تو راچه به این حرف ها؟! اونا یه چیزی پرسیدن ومنم جوابشون دادم . تو ناراحت نشو . بالاخره میفروشیمش . خوب هم میفروشیمش!".

بالاخره پس از یک ساعت دریا پیمائی، کنار کشتی باری انگلیسی که مثل یک غول شکم گنده ی سیاه و کوه پیکر وسط دریا ایستاده بود و تنوره ی دودش به هوا میرفت ، پهلو گرفتیم . از نردبانی که از پهلوی کشتی بیرون آمده بود بالا رفتیم. یک افسرانگلیسی روی نرده های طبقه دوم خم شده بود وبه خیل افرادی که از نردبان بالا می آمدند نگاه میکرد. همین که پدر و گربه ای که در بغل داشت را میان خیل وارد شوندگان دید، کلاه را از سر برداشت وآن را به چپ وراست تکان داد. بعد با عجله و در حالیکه لبخند بر لب داشت تاسر پله ورودی به استقبال آمد.

افسر انگلیسی مرد تنومند و بلند قدی بود که لباس تابستانی افسری دریائی تجارتی به تن داشت وپاهای چاق وپُر مویش که زیر شلوار سفید و کوتاهش بیرون آمده بود، ابهت ویژه ای به او داده بود، ابهتی درخور همه ی مردان دریا نورد . مرد انگلیسی با چشمان سبز زلالش که به رنگ آب های ژرف دریا ها می مانست، به ما نگاه کرد . با پدر دست داد، گربه را از اوگرفت ، و در حالیکه با یک دست گربه را نوازش میکرد چیزهائی هم به زبان انگلیسی میگفت که فکر کردم حتما میگوید : " چه گربه ی قشنگ وملوسی اورده ای ! ". اندکی بعد مرا هم زیر زانویش دید، کمی خم شد وانگشتان قطور و پُر مویش را مثل کسی که بخواهد شیر فلکه آب را بچرخاند، روی سرم گذاشت وچند بار به چپ وراست گرداند وبعد سرم را توی گردنم هُل داد وچیزی به پدر گفت و پدر هم شمرده شمرده چیزهائی جواب داد که بی تردید در جواب سئوال : " این پسرته ؟ " گفته بود : " بله پسرمه، اومده کشتی رو تماشا کنه! " . من هم لبخندی زدم وخودم را به پای پدر چسباندم .

افسر انگلیسی حرکت کرد، پدر ازعقب وی و من هم به دنبال پدر راه افتادیم و پیشش رفتیم . به یک راهرو تنگ و دراز ونیمه تاریک ولی تمیز که فقط یک لامپ آن را روشن نگه داشته بود وارد شدیم . افسر، در نیمه های راهرو، درِ یکی از کابین ها را بازکرد و هرسه نفربه نوبت ویکی پس از دیگری وارد شدیم . اینجا اتاقک آن افسر بود، اتاقکی کوچک، سفید و پاکیزه و زیبا که با وجود کوچکی، همه چیز زندگی راحت را که ما در خشکی و در خانه های سنگی و بزرگمان از ان محروم بودیم وحتی هنوز به چشم هم ندیده بودیم، در خود جای داده بود. دریا نورد انگلیسی گربه را که افسرده حال بنظر میرسید، روی تخت خوابش که به دیواره ی آهنی اتاقک پیچ ومهره شده بود گذاشت، خودش هم روی تخت کنار گربه نشست و صندلی پشت میز کارش را هم به پدر تعارف کرد . بعد به من نگاه کرد اما چیزی نگفت . پدر روی صندلی نشست و من همانطور سر پا کنارش ایستادم .

لحظه ای چند در سکوت و خموشی گذشت و در آن حال دریانورد انگلیسی با موهای پُرپشت گربه ور میرفت و دست



پهن و گنده اش را روی کمر حیوان میکشید و گربه هم در جواب نوازش های او سرش را به جلو هُل میداد و با چشمان نیمه بسته خُرخُر میکرد. اندکی بعد، افسر سرش را بلند کرد و از ژرفای چشم های سبزش لحظه ای به پدر خیره شد وچیزهائی گفت وپدر هم دو– سه کلمه ای جواب داد. من همانطور که خودم را به پا وتنه ی پدرچسبانده بودم، دهانم را به گوش پدر چسباندم و از اوپرسیدم : " چی گفت؟" پدر پاسخ داد – البته آهسته ، انگار که انگلیسی زبان ما رابلد بود – : " پرسید چنده، من هم گفتم صد روپیه ، یعنی سی تومان " . چیزی نمانده بود عقل از سر کوچکم بپرد!! سی تومان؟! وای یعنی دو برابر حقوق ماهیانه پدرم! بازهم سر در گوشش نهادم و در حالیکه این بار از گوشه ی چشم ها به آن مرد انگلیسی نگاه میکردم گفتم : " بابا ! تو که این گربه رو نخریده بودی، چرا میخوای اونو به این گرونی بفروشی؟! " پدر جواب داد : " تو رو چه به این کارها ؟ مگه این مردیکه ی فرنگی قوم و خویشمونه که بیایم این گربه ی قشنگ رو مفت ومجانی بهش بدیم ؟! تو کاری به این کارا نداشته باش ! "

" پس چرا پولشو به عمو ابرام ندادی؟! "

حوصله اش سر رفت، نگاهی به دریا نورد انگلیسی انداخت که لبخندی به لب داشت، وبعد سر برگرداند وتشر زنان به من گفت : " بتمرگ بچه ! چقدر ور میزنی ؟ مگه تو مدعی العموم این مَرده شدی ؟ این فضولی ها به تو نیومده ..."

در این گیر ودار که ما، یعنی پدر وپسر، با هم بگو مگو داشتیم، افسر انگلیسی پا شد و جیب های شلوارش را که از چوب لباسی بالای تختخوابش آویزان بود وارسی کرد. چند برگ اسکناس مچاله شده را ازآن ها بیرون کشید ، شمرد به دست پدر داد . پدر هم آن ها را شمرد، سی روپیه بود. مرد انگلیسی چیزی به پدرگفت و پدر در جوابش گفت : "alright باشد خیلی خوب " .

حس کنجکاوی سر به سرم گذاشت و یکبار دیگر دهانم را دم گوش پدر گذاشتم وآهسته پرسیدم : " بابا چه گفت؟"

– " میگه همه ی صد روپیه را نداره که یه جا نقدی بده ، بقیه را جنس میده، لباس واینجور چیزا، منم قبول کردم. آخه اینجوری خیلی بهتره، مگه نه ؟ حالا تو کناری بایست ببینیم چه میشه " .

دریا نورد انگلیسی خم شد وجامه دان قهوه ای رنگی را از زیر تختخواب بیرون کشید، آن را پیش روی پدر گذاشت، سر آن را باز کرد و چیزهای داخل آن را به امان انصاف پدر رها کرد و خودش در حالیکه دست ها ر ابه کمر زده بود روبروی او ایستاد . گربه هنوز روی پتوی نرم آرمیده بود، خُرخُری میکرد و پینکی میزد و هر از چندگاه یکبار چشم ها را نیمه باز میکرد .

نخستین چیزی که انگشت استخوانی ولی دراز پدر به آن اشاره کرد ، یک شلوار فلانل زرد رنگی بود که روی تمامی لباس ها تا شده بود. افسر خم شد و آن را به پدر داد . پدر آن را خوب دید زد وبعد روی زانوان گذاشت . زیر آن شلوار یک ژاکت پشمی سورمه ای رنگِ ملوانی تا شده بود که با بلند شدن شلوار چهره گشود . به آن هم اشاره رفت وآن یکی هم روی شلوار و روی زانوی پدر قرار گرفت . عجب اقبالی ! زیر ژاکت هم پیراهن سفیدِ نو و اطو کشیده ای دراز کشیده بود که در یک طرفته العینی روی زانوان پدر وکنار پیشینیان خود لمید . زیر آن و یا شاید گوشه ای ، یک زیر پیراهنی آستین دار دوبل سینه ی مخصوص ملوانان به پدر چشمک زد که آن هم مشمول اشارت پدر شد.

دریانورد نگون بختِ انگلیسی که تا آن هنگام مُهرسکوت سمعا و طاعتا را بر لب زده بود، تکانی خورد وتا پیش از آنَ که انگشتان پدر به اشاره ای دیگر دراز شود، مُهر سکوت را شکست وچیزهائی گفت ، جمله ای خیلی دراز که مثل غرغره کردن آب توی گلو صدا میکرد . پدرم هم در جواب آن جمله ی دراز گفت : " Alright " و بیدرنگ با انگشتان به محاسبه پرداخت. نخست آهسته چیزهایی زیر لب گفت که من نفهمیدم چه گفت ، ولحظه ای بعد سرش را بالا گرفت وبه زبان انگلیسی که من هم به وضوح شنیدم گفت : " seventy " که وقتی از او پرسیدم یعنی چه ؟ گفت : " هفتاد روپیه از صد روپیه پرداخت شده است " . یعنی پدر با گرفتن آن همه جنس، حساب کرده بود که آن دریا نوردِ بدبخت مادر مرده ی انگلیسی ، تازه بیست و یک تومان از سی تومان قیمت گربه را، البته با محاسبه ی آن سی روپیه نقدی که داده بود، پرداخته است!!

انگلیسی بدبخت بینوا که گوئی از سرگرفتن این معامله پشیمان شده بود، مرتب از این پا به آن پا میشد وبه نوبت به گربه و به میرزاآقا نگاه میکرد. پدر لحظه ای زُل زد و به افسر نگاه کرد ، و افسر در پی حساب هائی که با خود کرده بود ویا شاید هم پنداشته بود که ممکن است با یک چیز دیگر قال قضیه کنده شود، گفت : " Go on then – ادامه بده ! " و پدردر همین لحظه ای که سرش را بالا نگه داشته بود، دور و بر اتاقک را خوب دید زده و از زیر نظر تیز بین خویش گذرانده بود و در نتیجه چیزی را هم کشف نکرده بود، زیرا به مجردی که دریانورد انگلیسی خاموش شد، انگشت دراز پدر به سوی دوربین سیاه رنگ دوچشمی که از گیره ای آویزان بود نشانه رفت . چشمان مرد انگلیسی فلک زده مثل چشم گربه ی مار دیده فراخ شد . لحظه ای به دوربین نگاه کرد، بعد سر برگردانید و به گربه نگریست، شاید میخواست ارزیابی کند که آیا این گربه ی ملوس ایرانی تا این اندازه ارزش دارد یا نه ؟ سرانجام سر تکان داد ... عجب گیری افتادم !!... دوربین را برداشت وبا درنگی توام با دو دلی، که حتی بیم انکار و بهم خوردن معامله هم میرفت ، آن را به پدر داد . اثر ناراحتی شدیدی را میشد در چهره اش دید... خدایا مگر این مردک ایرانی در برابر گربه ایرانی اش چقدر پول و لباس میخواهد!؟ خوب شاید با این دوربین بساطش را جمع کند وبرود...!

نفس عمیقی کشید، روی تخت کنار گربه نشست، هر دو دست را شمع وار گذاشت وچشم ها رالختی بست . اما وقتی چشم ها را بازکرد وما را حی و حاضر پیش روی خود دید که مثل اجل معلق ایستاده ایم، سرخ شد . از لبه ی تختخواب سُر خورد و دست دراز کرد و کشو بالائی کمد کنار تختخوابش را بیرون کشید ویک قوطی سیگار از آن بیرون آورد . میخواست دود دل سوخته اش را با دود سیگار به هوا بفرستد. کشو باز شدن همان وچشمان تیز بین میرزا آقا به یک جفت کفش افتادن همان! این جاست که باید گفت لعنت به دستی که کشو اسراری را بی موقع باز میکند! پیش از آنکه دست دریا نورد بتواند و یا فرصت کند کشو رابه درون هُل بدهد، انگشت اشاره میرزا، در پی صدای " اهِم " ، مثل تیغ چاقوی ضامندار کشیده شد و بسوی کفش نشَانه رفت . دریا نورد سر برگرداند و بدون درنگ بانگ برداشت: " Shoes !? What ?! چی ؟! کفش !؟ " وبعد کفش ها راهم روی پای پدر انداخت وخسته ودرمانده پشیمان و سیگار بر لب، برتخت نشست، اول به گربه وبعد به ما نگاه کرد. ازجابرخواست وبا خشم وتند وتند چیزهائی گفت . پدر یک بار دیگر با انگشتان دست محاسبه کرد ولختی بعد گفت : " No , Just eighty five کجای کاری؟ جخ شده هشتاد وپنج روپیه ! "

افسر انگلیسی واقعا از کوره در رفت وجیغ کشید . بعد صورتش را میان کف دستان پهن وپارو گونه اش پنهان کرد وچند لحظه ای به همان حال ایستاد. سرانجام دست ها را ازروی صورت برداشت ، نگاهی به ما کرد، و در حالیکه سرش را تکان میداد به طرف گربه رفت . حیوان زبان بسته مثل یک گلوله پنبه حلاجی شده روی تختخواب خوابیده بود . افسر دست دراز کرد و گربه را از زیر شکم بلند کرد وآن را که کمر قوز کرده وپاهایش را مثل پاهای هشت پای دریایی آویزان کرده بود، در دامن پدر انداخت و لباس ها وکفش ودوربین را بیدرنگ وچست وچالاک برداشت ودر جامه دان انداخت. عین تیربار صحبت میکرد و به دریا و به اتاقک و به عرشه ی کشتی اشاره میکرد . بعد به در خروجی اشاره کرد، سر جامه دان رابست وآن را زیر تخت هل داد وخودش رفت کنار در خروجی کابین ایستاد.

پدر، گربه دربغل، گیج وناراحت بلند شد وآهنگ خروج کرد .هنگام بیرون آمدن از کابین ، پایش به لبه ی آستانه ی آهنی در که حدود شش – هفت سانتی متر ازکف اتاقک بالا زده بود گیر کرد واگر جهار چوب در را فوری نگرفته بود با سر روی فرش راهرو می افتاد. بعد خم شد تا کفشش را که دراین ماجرا از پایش بیرون آمده بود بردارد، که من کیف به دست و در حالیکه از شدت ترس ، عقب عقب بیرون میرفتم با پدر تصادف کردم وپاشنه میخ دار کفشم را درست روی انگشتان پای بی جوراب پدر گذاشتم که پدر از شدت درد سوت کشید، هلم داد و با یک تو سری محکم تلافی این بد بیاری ویا درحقیقت طمع بیش از حد خودش را بر سر من درآورد و در حقیقت قضیه حاکم بلخ را تکرار کرد .پدر آن روز خیلی ناراحت بود و پکَر، بطوری که چندین بار دیدم که اظهارنامه ها ی گمرکی را که اشتباهی پر کرده بود، پاره کرد ودور ریخت. در تمام مدتی که او کار ترخیص کالا را انجام میداد، من گربه را در بغل گرفته بودم و در سایه ی پُل فرماندهی کشتی نشسته بودم و به کنایه های جاشو ها و مزدورها گوش میدادم .

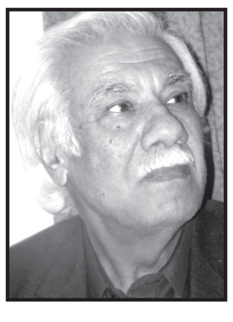
پدر و پسر با گربه از کشتی پائین آمدیم و با قایق موتوری راهی بندر شدیم . حدود یکی دوکیلومتر که از کشتی فاصله گرفتیم، مسلم سیاه با لباس سرتاسردوده گرفته ی کارگری چرب وچیله اش از پلکان موتورخانه قایق بالا آمد وبه مجردی که چشمش به ما افتاد و گربه را در بغل من دید، خم شد وخندید، ودست روی زانو زد وگفت : " میرزا چطور شد ؟! ها ها ها، مگه فرنگیه دبه درآورد؟! خوشم اومد که نفروختیش. این فرنگیا عادت کرده ان که همه چیز ما را مفت از چنگمون درآرن . بارک الله، ناز شستت ! "

از آن روز به بعد گربه در خانه ما ماندگار شد و با همه ی گرسنگی هائی که میکشید، و با همه ی توسری هائی که میخورد از آن جا نرفت ، آنقدر ماند تا پیر شد و پشمش ریخت . حیوان زبان بسته از فرط گرسنگی راه خانه ی همسایه ها را پیش گرفت، دست به دزدی زد، هم از خانه ی خودمان وهم خانه ی همسایه ها. این گربه ی سمج ، در آن حوالی آنقدر پلکید وبه خواری وذلت زیست تا بالاخره یکی از همسایه های ماهیگیر ما، دُمش را برید وحیوان بیچاره چند روز بعد مرد .

تهران – سال ۱۳۳۹"

درباره شعر...

فرازمانی بودن شعر
عبدالمجید زنگویی، شاعر و پژوهشگر ادبی



فرازمانی بودن شعر مفهوم مخالفی هم دارد. یعنی اینکه شاعر، شعر خود را برای آیندگان می‌سراید و مردم زمان شاعر، شعرش را درک نمی کنند یا فکرشان به فهم آن قد نمی‌دهد. پس شعر می‌شود فرازمانی و می‌ماند تا آیندگان فهم و شعورشان و میزان سواد و درکشان بالاتر رود تا مفهوم شعر و منظور شاعر را دریابند. یعنی اینکه شاعر خود را از مردم زمانه‌اش بالاتر و داناتر می‌بیند.

من چندان باور و اعتقادی به این موضوع ندارم. مفهوم و مضمون شعری که یک استاد دانشگاه آن هم رشتۀ زبان و ادبیات فارسی درک نکند بی‌تردید عیب را در شعر بایستی جستجو کرد. بایستی شعر در بند و زنجیر تعقیدات لفظی و معنوی و پیچیدگی گرفتار شده باشد. گویی، شاعر باید حضور داشته باشد و مفهوم آن را برای خواننده یا شنونده روشن کند. شعر هر اندازه که به اصطلاح فرازمانی باشد باید پیش از همه در خدمت مردم زمان خود باشد. شعری که در خدمت مردم زمان خود نباشد چه بسا که آیندگان هم چیزی از آن درک نکنند و به سیاه کاغذی فراموش شده بدل گردد.

حافظ را در نظر بگیریم که یکی از شاعران بزرگ فرازمانی است. آیا به راستی مردم زمان حافظ شعر او را درک نمی‌کرده‌اند؟ اگر چنین بود چرا حافظ می‌گوید:

عراق و فارسی گرفتی به شعر خوش حافظ
بیا که نوبت بغداد و وقت تبریز است

***

شکر شکن شوند همه طوطیان هند
زین قند پارسی که به بنگاله می‌رود

***

صبحدم از عرش می‌آمدخروشی، عقل گفت
قدسیان گویی که شعر حافظ از بر می‌کنند

و حافظ خود به خوبی می‌دانسته که آوازۀ شعرش مرزها را در نوردیده است . حتیّ اشعار خاقانی که از دیر آشناترین و پیچیده‌ترین اشعار زبان پارسی است در زمان خودش برای خواصّ و اهل دانش و شعر مشکلی ایجاد نمی‌کرده است. و بنظر من این هم می‌تواند بهانه‌ای برای بعضی از شاعران پیچیده‌گو باشد تا خود را برتر و داناتر از مردم زمان خود بدانند و از آن شعرهایی می‌سرایند که خواننده بگوید:«المعنی فی بطن الشاعر»

درباره موسیقی ...

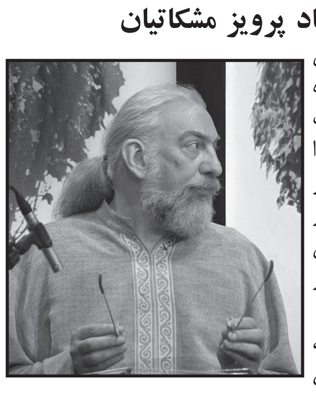
اشعار مناسب در آواز
آکا صفوی

درباره نقش اشعار مناسب در آواز باید گفت، به قول قدما فرد مغنی باید عروض هم باشد یعنی به ادبیات و علم عروض آشنا باشد و بتواند اشعار مناسب هر آواز را انتخاب کند. ادای تحریر، تلفظ شعر، متبادر کردن حس ها، صحیح خواندن کلمات، آشنایی با وزن شعر همگی می توانند در خواندن شعر بسیار مهم باشند. در آواز باید کلمه، ایست، سکوت، تکرار وزن عروضی باید مورد نظر قرار گیرند. به عنوان مثال کلمه که دو حرف است حرف اول آن متحرکت و حروف دوم ساکن است باید کوتاه و اکسنت دار خوانده شود مانند سرودن یا کلمه گل یا بلبل را هنگام اداء باید با حسی خوانده شود که نازک رخی گل و صبر بلبل از خواننده متبادر شود.

خواننده باید بداند کدام شعر مناسب کدام آواز است هر شعری را نمی شود در هر آوازی خواند باید بداند در چه جایی قرار گرفته، مخاطب آن چه کسانی هستند جلسه راجع به چیست و همه این موارد.

خبر موسیقی ...

کنسرت گروه موسیقی همنوا به یاد استاد پرویز مشکاتیان



گروه موسیقی همنوا اواخر تیرماه به مدت سه شب کنسرت "بیداد" را به یاد استاد "پرویز مشکاتیان" در مجتمع فرهنگی هنری بوشهر برگزار خواهد کرد.

در این کنسرت، گروه "همنوا" آثاری از پرویز مشکاتیان شامل قطعات بیداد، چهار مضراب بیداد، داد و بیداد، راز و نیاز، سماع آیین (تحت تاثیر بیت مولانا: یک دست جام باده و یک دست زلف یار/ رقصی چنین میانه میدانم آرزوست) و تصنیف های: دلبرا (شعر از سعدی) و همنشین درد (شعر از سایه) را اجرا خواهند کرد.

اعضای گروه موسیقی همنوا در این کنسرت عبارت اند از: بابک دشتی نژاد (سنتور)، مهدی کروندیان (تار)، مهران قائدپوری (کمانچه)، رضا زالپور (نی)، امین جهانگیری (سنتور باس)، رضا رضازاده، (تارباس)، اسماعیل مهیمنی (خواننده)، محمد هنرور (تنبک).

گفتنی است این گروه موسیقی در سال ۱۳۸۷ نیز کنسرتی برای بزرگداشت استاد مشکاتیان در بوشهر برگزار کرده بود. کنسرت "بیداد" در روزهای ۳۰،۳۱ تیرماه و ۱ مردادماه در سالن مجتمع فرهنگی هنری برگزار خواهد شد.

صدها دوشنبه با دوشنبه های ادبی نسیم جنوب

نسیم جنوب ۵
اجتماعی
شماره ۵۸۹ یک شنبه ۲۰ تیر ماه ۱۳۸۹
NASIM JANOUB

گرم شدن دریاها و بیماری های عفونی

دکتر ایرج نبی پور



بیماریهای برخاسته از آب (waterborne) در مناطق ساحلی و دریایی بسیار به تغییرات آب و هوایی حساس هستند. در سال های ۱۹۹۸-۱۹۹۷، طیّ پدیده ال نینو، در لیمای پرو، تعداد پذیرشهای بیمارستانی در نتیجه اسهال کودکان به دو برابر بیشتر از چهار سال پیش از آن افزایش یافت و برای هر یک درجه افزایش در درجه حرارت، تعداد پذیرشها، ۸ درصد افزایش از خود نشان داد.در محیطهای دریایی، آب گرم و مواد دفعی نیتروژنی، شرایط را برای شکوفایی رشد دینوفلاژله ها فراهم کرده و موجب ایجاد جزر و مد قرمز (red tides) میشوند. بقا و پایداری میکروارگانیسم های دریایی، به شدت تحت تأثیر عوامل زیست محیطی است. به ویژه، گرم شدن زمین توان ایجاد تغییر در پراکنش میکروارگانیسم های دریایی را فراهم میکند، زیرا پاتوژنها که محدود به آبهای گرمسیری هستند میتوانند با افزایش گرمای آبهای سطحی دریاها، به سوی قطبها حرکت کنند. برای مثال، پراکنش باکتری وبا (Vibrio cholerae) درگسترده رخدادهای وبا با گرم شدن زمین ارتباط مستقیمی را از خود نشان میدهد. نفوذ آبهای گرمتر و آلوده تر ساحلی به رودخانه ها می‌تواند موجب مخلوط شدن آنها با آب آشامیدنی و بهداشتی گردد. آشکارا این رویداد در خلیج بنگال، هنگام بروز وبا در بنگلادش، قابل مشاهده است. همچنانکه درجه حرارت خلیج بنگال روبه فزونی میگذارد، رشد پلانکتون ها در این خلیج نیز افزایش یافته و شرایط را برای رشد باکتری ای همچون ویبروکلرا فراهم میکند. در حقیقت امروزه، ویبروکلرا بعنوان ساکن آبهای رودخانه ای و خلیجی مناطق معتدل و گرمسیر شناخته می شود و با بکارگیری روشهای ملکولی، این باکتری بعنوان زیستمند طبیعی محیطهای زیست آبی محسوب می‌گردد. جمعیت این باکتری هر سال (بهار و پاییز) هم زمان با شکوفایی پلانکتونی، دو برابر می شود. اکنون رودخانه ها، خورها و آبهای ساحلی، به عنوان منبع آن نگریسته میشوند. مشاهده گردیده است که باکتری در فاصله زمانی میان رخدادها، به صورت مرحله خفته به زیست خود ادامه میدهد. ارتباط میان افزایش درجه حرارت سطح دریا و آغاز اپیدمی کلرا گزارش شده و اینحالت با الگوی فصلی وبا پس از افزایش و افت درجه حرارت سطح دریا به صورت فصلی مشاهده گردیده است. همچنین میان باکتری وبا و جمعیت پلانکتونی یک همبستگی وجود دارد: در بهار، هنگامی که سطح آب گرم می‌شود، نخست پلانکتون ها با استفاده از نور خورشید و انرژی حرارتی افزایش میابند. سپس، فزونی در پلانکتونها با شکوفایی زئوپلانکتونها توأم میگردد.

در ۱۹۹۲-۱۹۹۱، یک اپیدمی وبای غیر قابل پیش بینی در پرو روی داد که منتهی به کشته شدن ۵ هزار نفر و رخداد ۲۰۰ هزار مورد وبا گردید. این در صورتی بود که وبا در آمریکای جنوبی برای تقریباً ۱۰۰ سال گزارش نشده بود و در این واقعه، این اپیدمی، به صورت چشمگیری هنگام چرخه نوسانی ال نینوی قدرتمند غیر معمول روی داد. هنگامی که ال نینوی بعدی در سال ۱۹۹۸-۱۹۹۷ رخ داد، جامعه پزشکی آماده بود تا ارتباط میان وبا و نوسان ال نینو را مورد بررسی قرار دهد و همزمان ال نینو موجب افزایش درجه حرارت در سواحل آمریکای لاتین در سال ۱۹۹۷ گردید، همراهی وبا با پلانکتون‌ها نیز گزارش شد. تعداد باکتری از بهار تا تابستان افزایش یافته و موارد وبا فزونی یافت. این پدیده، همبستگی چشمگیری میان درجه حرارت سطح آب دریا و رخداد وبا را نشان داد (یعنی همان حالتی که پیش از این در بنگلادش مشاهده شده بود).از این رو، عوامل پیچیده درجه حرارت سطح دریا، سطح آب دریا، جمعیتهای زئوپلانکتونی و دیگر عوامل محیطی، توانایی پیش بینی رخداد اپیدمی وبا را ایجاد میکنند که می‌توان زمان رخداد این اپیدمی را از طریق بررسی همه جانبه‌ی تغییرات آب و هوایی به وسیله گیرنده های ماهواره ای و دیگر دادههای زیست محیطی بدست آورد. در یک فراگرد کلی، درک و مدل سازی نقش تغییرات آب و هوایی در پراکنش بیماریهای عفونی، میتواند تکمیل کننده درک جامع نگر نتایج حاصله از تغییر آب و هوای جهانی باشد.

آیا گوگل کارمندان پیرش را بیرون می کند؟

اکبر شیخ زاده - کانادا

گوگل حدود ۲۲ هزار کارمند در دنیا دارد که اکثرشان جوان هستند. ظاهرا عده ای از کارمندان سابقه دار و در سنین ۴۰ ساله به بالای گوگل این شرکت را به دادگاه برده اند بخاطر اینکه میگویند که گوگل بخاطر سن شان عذر آنها را خواسته



و بیکار کرده... و این خلاف شعار شرکت گوگل است که میگوید تنوع (سنی و ملیتی و غیره "diversity and inclusion") را در استخدام بکار می برد..... دادگاهی در کالیفرنیا قرار است دو ماه دیگر درین باره رای صادر کند...

عده ای هم معتقدند که کلا در دنیای کامپیوتر و IT آدمهای بالای۳۵ ساله " پیر " و سالمند محسوب میشوند .. شرکتهای آی تی همیشه برای کم کردن مخارج شان برنامه نویس های کم سن و سال و جوان و نوجوان را استخدام و بکار می گیرند. کارمندان مسن تر، علاوه بر مخارج بیمه بهداشتی و غیره، هزینه های آموزشی بیشتری هم ، نسبت به جوانان، برای شرکتها دارند..

در امریکا، بسیاری شرکتهای آی تی، سن ۳۵ سالگی را زمان بازنشستگی و تمام شدن انرژی و خلاقیت برنامه نویسان کامپیوتری می دانند و ترجیح میدهند که از جوانهایی که با ویزای شغلی معروف به " اچ وان بی ویزا " B-H۱ به امریکا می آیند و دستمزدهای کمتری دریافت می کنند استفاده کنند. برای دریافت این ویزای B-H۱ : افراد باید یک صاحبکار یا شرکت یا بیزینسی در امریکا را پیدا کنند و او به شعبه محلی اداره مهاجرت امریکا ثابت کند که کارمندی "با سابقه یا مهارت شغلی " آن فرد در امریکا پیدا نکرده و اینجوری افراد را برای آمدن و کار کردن در امریکا اسپانسر و دعوت می کنند و وزارت کار امریکا هم باید تاییدشان کند...

یک بلاگ،یک بلاگر

مهندس آتیار،مدیر وبلاگ «نفت زدگان»:

قانع ترین مردم ایران در استان بوشهر جمع شده اند

محمدجوادغریبی



نام«مهندس آتیار»برای کسانی که در حوزه نفت و گاز استان فعالند و یا در شهرستان دشتی زندگی می کنند.نامی آشناست. وی در دور هشتم انتخابات مجلس شورای اسلامی در حوزه دشتی و تنگستان کاندیدا شد و این حضور را چنین آسیب شناسی می کند: «چون به بوشهریهای تحصیل کرده بهائی داده نمی شد. این دردها در دل من انباشته شد و هر روز بیشتر گردید تا اینکه در سال ۸۶ و در هشتمین دوره ی انتخابات مجلس شورای اسلامی تصمیم گرفتم نامزد ورود به مجلس شوم بدین امید که بتوانم مردم این خطه را با حق و حقوق خود از نفت آشنا کنم. اما خیلی زود متوجه شدم روحیات من با روحیات سیاستمداران سازگار نیست. »

مهندس آتیار اخیرا در عرصه مجازی در وبلاگ «نفت زدگان»به بیان دغدغه هایش می پردازد. خودش، البته در بخش«درباره وبلاگ» معتقد است: «محمد آتیار آنقدر ساده است که نیاز به معرفی ندارد. متولد روستای کاردنه از توابع شهرستان دشتی در استان بوشهر می باشد. تا پنجم ابتدایی را در روستای خودش خواند و بعد آواره ی این روستا و آن شهر و آن کشور گردید تا سیکل را در روستا (شهر) شنبه ؛ دیپلم ریاضی فیزیک را در شهر خورموج ؛ لیسانس مهندسی گاز را در شهر اهواز و فوق لیسانس مهندسی نفت را در شهر ادینبورگ اسکاتلند کسب نماید. مدت ۱۷ سال در سکوهای نفتی شرکت نفت فلات قاره کار کرده است. حدود بیست ماه به عنوان رئیس HSE در شرکت گاز استان بوشهر مشغول به کار بوده و از اواخر اردیبهشت ۸۹ به سازمان منطقه ی ویژه ی اقتصاد انرژی پارس (منطقه ی پارس شمالی) منتقل شده است. سرش به کارش گرم است. یکبار هوای سیاست به سرش زد ولی خیلی زود پشیمان شد. فقط می خواهد در آرامش کار کند.»

وی در فرازی از نخستین پست وبلاگ خود چنین آورده است:« اکنون تلاشی دیگر را شروع کرده ام. این وبلاگ محل مناسبی برای اطلاع رسانی خواهد بود. در همین راستا دست نیاز و دوستی را به طرف همه ی صاحب نظران؛ متخصصین و اندیشمندان آشنا به نفت دراز می کنم تا مطالب مستند خود در زمینه ی نفت و بی مهری هایی که به بوشهریها شده است را از این طریق به گوش مردم این خطه برسانیم. مردمی که میزبانی آرام و بی دردسر برای نفت بوده اند. مردمی که در فقر و نداری سوخته اند و میهمان متمولشان نیز هیچگاه به فکر آنان نبوده است. چندسالی است که دولتمردان تصمیم گرفته اند جبران مافات کنند. اما این حرکت آنقدر کند... »

هر چند وبلاگ «نفت زدگان»بر اساس گفته مهندس آتیار بسیار جوان است و مدت زمان زیادی از رونمائی آن بر صحنه سایبرنتیک نمی گذرد؛با این حال از آنجائیکه شاخص ترین مولفه جهت توسعه استان نفت و گاز تلقی می شود و از سوئی کمتر بطور تخصصی و ریشه ای به آن پرداخته شده؛ لذا برآن شدیم با مدیر این وبلاگ به گفت و گو بنشینیم که در زیر می خوانید:

نام وبلاگ : نفت زدگان
نشانی وبلاگ: www.yasgolbaba.blogfa.com
(یاسگل نام دختر من می باشد که سه ساله است)
مدیر وبلاگ : محمد آتیار چند سال است،

- چرا به وبلاگ نویسی روی آوردید؟

- اطلاع رسانی به مردم استان بوشهر در خصوص حقوقشان از نفت و تا توان دارم در این زمینه خواهم نوشت.

- نام وبلاگتون«نفت زدگان »را چگونه انتخاب کردید؟

- می خواستم عبارتی باشد که به راحتی کم لطفی و بی توجهی نفت به استان بوشهر را نشان دهد و به نظرم این نام گویای این مطلب است.

- فضای حاکم بر وبلاگ نویسی کشور و استان را چگونه می بینید؟

- از لحاظ کمی تعداد وبلاگهای کشور نسبتاً خوب است و تنوع موضوعات نیز دارد و در استان نیز به تناسب جمعیت با سواد آن می توان ادعا نمود که وضعیت نسبتاً خوبی داریم هر چند جا برای کار هست و جای وبلاگهای دیگری خالی است.

- چه اهدافی را در وبلاگ نویسی دنبال می کنید؟

- فقط یک هدف و آن هم اطلاع رسانی به مردم در خصوص نفت و مسئولیتهای اجتماعی آن است.

- وبلاگ و وبلاگ نویسی را فرصت می دانید یا تهدید؟ چرا؟

- هم می تواند فرصت باشد هم تهدید. اگر از آن استفاده ی مطلوب شود و مطالبش برای همگان و یا حداقل قشری از مردم مفید باشد، می تواند مفید باشد اما اگر مطالبش فقط پرکننده ی اوقات فراغت باشد و یا به سیاست زدگی دچار شود می تواند تهدیدی برای نویسنده و خواننده باشد.

- به نظر شما هرکسی میتوانید اقدام به ایجاد وبلاگ کند؟

- به هر حال یک سری مقدمات برای وبلاگ نویسی لازم است که اگر برای هر کسی مهیا باشد می تواند اقدام به آن نماید. نیازهای اولیه مانند کامپیوتر و ارتباط اینترنت جزء ابتدایی ترین پیش نیازها می باشد ضمن اینکه فرد باید مطلبی یا عکسی برای اشتراک گذاشتن با دیگران داشته باشد.

- آیا تا بحال کسی از نوشته های شما رنجیده خاطرشده؟و یا کامنت کسی،شما را رنجیده خاطر نموده است؟

- اینکه نوشته های من باعث رنجش کسی شده باشد را نمی دانم اما اینکه کامنت کسی موجب رنجشم شده باشد جوابم مثبت است. فردی در کامنت خود مرا ضد ولایت فقیه نامیده بود در حالیکه دلیل ماندن من در ایران عشق به وطن و اعتقاد به ولایت بوده است وگرنه می توانستم زندگی بسیار مرفه و بی دردسری توام با احترام ویژه در بسیاری از کشورهای پیشرفته ی دنیا داشته باشم.

- فکرمی کنید استان بوشهردر بین در کشور چه جایگاهی دارد؟

- جایگاه استان بوشهر در کشور را از منظرهای مختلف می توان بررسی نمود. در بعد برخورداری از منابع خدادادی باید این استان را مهد و قطب انرژی و امید آینده ی ایران دانست. در بعد توسعه یافتگی شاید یکی از عقب افتاده ترین استانها باشد که نیازمند توجه بیش از پیش مسئولین استان و دولتمردان کشور می باشد. در بعد دین و ولایت مداری بعید است هیچیک از استانهای کشور به پای بوشهر و بوشهریها برسد. در بعد حق طلبی و پی گیری مطالبات خود قانعترین و به نوعی تنبل ترین مردم ایران در این استان جمع شده اند به هر حال جایگاه استان را نمی توان در یک برآیند کلی خوب توصیف کرد.

- نقش نخبگان را در فرایند توسعه استان چگونه تحلیل می کنید؟

- نخبگان هر جامعه بالاترین نقش را در همه ی ابعاد بایستی ایفا نمایند. اگر نخبگان به راستی با بصیرت کافی خود را وارد عرصه های مختلف نمایند و بی تفاوت از کنار مسائل رد نشوند در هر زمینه ای که پیش قدم شوند تاثیرات به سزایی خواهند داشت. حال خواه در بعد مثبت باشد و خواه منفی. چون مردم چشمشان به نخبگان است و دنباله رو آنان می باشند. در بحث توسعه نیز بایستی نخبگان با تعامل و همفکری راهها و مسیرهای دست یابی به توسعه ای متوازن و پایدار را بررسی نموده و با انعکاس آن به تصمیم سازان و تصمیم گیرندگان و دولتمردان ؛ پی گیر ارتقای سطح توسعه ی استان باشند. این مهم در استان بوشهر کمتر جدی گرفته شده است و هر کسی سعی در بیرون کشیدن گلیم خود از آب داشته است و کمتر دیده شده است که نحبگان استان بوشهر در یک تشکل جمع شده و خواسته های مردم را در قالبهایی عملی متبلور ساخته و به گوش مسئولین برسانند. نمونه ی آن در صنعت نفت به راحتی قابل مشاهده است. بسیاری از متخصصین استان که در سطح صنعت نفت پراکنده هستند حاضر به برگشت به استان نیستند. دکتر هلالی زاده را بنگرید. حتی حاضر نیست در دانشگاه خلیج فارس درسی را بر عهده بگیرد و نقشی در تربیت علمی جوانان این استان داشته باشد

- مهمترین و اصلی ترین رکن توسعه، اهمیت و توجه به منابع انسانیست، آیا به نظر شما تاکنون توانسته ایم از آن سود ببریم. فکر میکنید چرا کمتر شاهد نقش آفرینی این عزیزان بوده ایم؟ شما در خصوص توسعه استان و درگیر نمودن نخبگان در این موضوع غامض چه ساز و کار (مکانیسمی) را پیشنهاد می کنید؟

- کاملاً با شما موافقم و در واقع هر جامعه را نخبگان آن می سازند اما اینکه چرا شاهد نقش آفرینی آنان در این استان نیستیم سئوالی است که پاسخ آن بسیار مبسوط می باشد و از حوصله ی این مصاحبه خارج است. شاید یکی از دلایل آن عدم خودباوری نخبگان استان باشد. اگر فرد خود را به عنوان یک نخبه قبول نداشته باشد چگونه می توان از او انتظار عمل داشت. نکته ی دیگر عدم باور نخبگان توسط مردم است. بافت سنتی ما اجازه ی خودنمایی به نخبگان را نمی دهد و شناساندن نخبگان به جامعه کاری دشوار است و در این میان عده ای نیز فضا را به نفع خود تغییر می دهند و مصادر کارها را در دست می گیرند و نخبگان ما دچار انزوا و گوشه گیری می شوند. اگر می خواهیم نخبگان را وارد عرصه کنیم بهترین راه اعتماد به آنان و در واقع درگیر نمودن آنان است. تا فرد خود را دچار مشکل نبیند برای حل آن اقدام نخواهد نمود. البته بخشی از مسائل نیز بخاطر تعاملات و دسته بندی های سیاسی است که برخی از نخبگان را از پیگره ی جامعه جدا می سازد و امکان بهره گیری از فکر و دانش آنان را از جامعه سلب می نماید. در مجموع باید گفت عزمی ملی برای بهره گیری از نخبگان در کل کشور لازم است تا این پتانسیل عظیم به حرکت در آید و توان جمع شده در آن به فعل تبدیل گردد.

- وضعیت سایت های خبری تحلیلی کشور واستان را چطور می بینید؟

- کمتر شاهد تحلیلی جامع و مانع در این سایتها هستیم. برخی از آنان فقط اخبار سایتهای پایتخت را منعکس می سازند و خود چیزی بر آن نمی افزایند و برخی دیگر نیز در خدمت جناحی خاص هستند بدون اینکه علائق و سلایق سایر اقشار را در نظر بگیرند. دلیل این امر بازهم به عدم خود باوری بر می گردد و گردانندگان سایتهای استانی چشمشان به تحلیگران پایتخت است تا هرآنچه آنها می گویند را رله نمایند بدون اینکه نظر و عقیده ی خود را حداقل در کنار آن نظرات بنویسند. در کشور نیز وضع خیلی متفاوت از استان نیست و در مجموع می توان گفت که تحلیل گران ما بیش از آنکه سیاست را بدانند سیاست زده هستند و به نوعی می توان گفت که رنگ و بوی خدایی در بیشتر آثار قلمی منابع خبری دیده نمی شود. اگر کار برای رضای خدا باشد رضایت و عدم رضایت غیر خدا برای ما نباید مهم باشد، در حالیکه ما در نوشته هایمان بیشتر به این فکر می کنیم که چه کسی ممکن است از این تحلیل ما خوشش بیاید و چه کسی ممکن است ناراحت شود صرفنظر از اینکه به فکر رضایت خالق باشیم و این دردی بزرگ است که مصلحان اجتماعی کشور بایستی به فکر چاره ای برای آن باشند.

- چه تصویری از چشم اندازفضای راسانه ای استان اعم از رسانه های مجازی و رسانه های مکتوب دارید؟ آیا روزی استان ما صاحب روزنامه خواهد شد؟

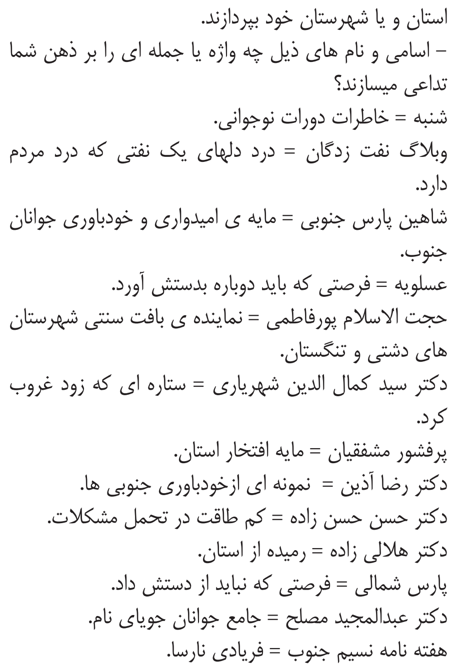
- به نظر نمی رسد استان خیلی به خبرنامه ی مکتوب نیاز داشته باشد. بافت جامعه ی ما طوری است که یک قشر تمایلی به اخبار ندارند و روزنامه و سایت برایشان فرق نمی کند. آنهایی هم که به دنبال اخبار و اطلاع یافتن از رویدادهای کشور می باشند بیشتر اهل وبگردی و سرک کشیدن به سایتهای خبری هستند و با صرف کردن سی چهل دقیقه وقت در روز تقریباً مهمترین رویدادهای کشور را رصد می نمیاند و در جریان چند و چون امور قرار می گیرند. فضای رسانه ای استان جا برای کار بیشتر دارد. نیاز نیست که همه در مباحث سیاسی ورود نمایند. بسیاری از جنبه های استان هنوز ناشناخته مانده است و جای سایتها و منابع خبری که در این زمینه ها کار کند خالی است. تارنگاری را به نام "سلت" می بینم که گویش محلی دشتی را گردآوری می کند به نظرم خیلی جالب است اگر مشابه آن در مورد دیگر گویشهای استان نیز اقدام شود. یا تارنماهایی به معرفی جاذبه های گردشگری استان و یا شهرستان خود بپردازند.

- اسامی و نام های ذیل چه واژه یا جمله ای را بر ذهن شما تداعی میسازند؟

شنبه = خاطرات دورات نوجوانی.
وبلاگ نفت زدگان = درد دلهای یک نفتی که درد مردم دارد.
شاهین پارس جنوبی = مایه ی امیدواری و خودباوری جوانان جنوب.
عسلویه = فرصتی که باید دوباره بدستش آورد.
حجت الاسلام پورفاطمی = نماینده ی بافت سنتی شهرستان های دشتی و تنگستان.
دکتر سید کمال الدین شهریاری = ستاره ای که زود غروب کرد.
پرفشور مشفقیان = مایه افتخار استان.
دکتر رضا آذین = نمونه ای ازخودباوری جنوبی ها.
دکتر حسن حسن زاده = کم طاقت در تحمل مشکلات.
دکتر هلالی زاده = رمیده از استان.
پارس شمالی = فرصتی که نباید از دستش داد.
دکتر عبدالمجید مصلح = جامع جوانان جویای نام.
هفته نامه نسیم جنوب = فریادی نارسا.

مهدی یوسفی، مدیر وبلاگ نخل نفت دریا:

به کم قانع می شویم



- همانطورکه مستحضرید مهمترین و اصلی ترین رکن توسعه؛ نقش نخبگان در فرایند توسعه می باشد فکر میکنید چرا کمتر شاهد نقش آفرینی این عزیزان بوده ایم؟ علت چیست؟ نظر شما در خصوص توسعه استان و درگیر نمودن نخبگان در این موضوع غامض چیست؟ چه ساز و کار (مکانیسمی) را پیشنهاد می کنید؟

- بله دانایی محور توسعه است و دانایی مربوط به افراد است نه ابزار. نمی توان استان را بررسی کرد مشکل نه در استان نه در کشور بلکه در بخش زیادی از دنیاست. خیلی ها هنوز از مرحله تفوق ابزار و تجهیزات بر مغزها عبور نکرده اند. یک فاصله ی معنا دارد زمانی بین کشورهای درحال توسعه و توسعه یافته وجود دارد. البته استراتژیستها این را فهمیده اند ولی در کشور هنوز به باور تبدیل نشده است. ببینید ایران در نفت صد سال تجربه دارد اما انتقال تکنولوژی و تولید تکنولوژی در این حوزه صورت نگرفته است. تاکید رهبری انقلاب بر جهش علمی و انقلاب نرم افزاری به همین دلیل است. نرم افزار عموما نتایج مغزها و منابع انسانی است.

- در حال حاضر استان صاحب چهار کرسی در مجلس است. شما بعنوانفعال اجتماعی که کلان و خرد مسائل استان را رصد می کند کارنامه نمایندگان استان را چگونه تحلیل می کنید؟

- من قبلا در وبلاگم شفاف نماینده ها را به چالش می کشیدم این روزها به خاطر مسئولیتم این کار را کمتر می کنم. با سه نفر از چهار نماینده دوستم و البته با نماینده جم و دشتستان به علت نزدیکی کاری ارتباطم خیلی بیشتر. نماینده ها کار اجرایی نباید بکنند و لذا کارنامه آنها را باید در پیگیری کلی قضایا و لابی های کلان بررسی کرد.کادر فعلی نمایندگان را خوب می دانم.

- چرا عملکرد نمایندگان ما در چانه زنی اینقدر ضعیف میباشند؟

- ساختار سیاسی در کشور به گونه ای نیست که مجریان خیلی تابع وکلا باشند. شاید اشکال در اینجاست. در بهترین حالت نمایندگان به عنوان نمایندگان جامعه باید بتوانند حرف اول و آخر را بزنند. عرض کردم مجری ها خیلی تن نمی دهند.

- به نظرتان چرا بوشهر نتوانسته سهم خود را از نفت و گاز بگیرد، اهمال ازجانب چه کسانی بوده است ؟نفتی ها یا خودمان؟

-هردو! کاش اینجا توضیح نمی دادم . چون مختصر می گویم و مختصر هم منظور را نمی رساند. اما کلا هم در بدنه وزارت نفت افرادی هستند که اصولا تمایلی به حقوق اجتماعی مردم همجوار با صنایع ندارند و هم در استان آدمهایی هستند که مطالبات شخصیشان راه را بر مطالبات عمومی می بندد.

- آیا شما هم معتقدید بوشهریهای ذاتا مردمی قانع در بعد منفی هستید؟چرا؟

- منظور شما را می فهمم .اشکال ما شاید این است که جایگاهها را قاطی می کنیم. یا به منافع شخصی و گروهی فکر می کنیم. به کم قانع می شویم. اینها را به عنوان منتقد اکثر نخبگان استان می گویند. ضمن اینکه قبول دارم اما باید بگویم در سالهای اخیر اوضاع بهتر شده و مطالبات کلان شده است. این موضوع مبارک و میمون است.

- برای اصلاح نگرش های سنتی و فاصله گرفتن از این باورهای عوامانه چه باید کرد؟

- باید میدان به نخبگان سپرده شود و از سنتی ها گرفته شود. برخی افراد وقتی در میدان هستند با اشتغال یک نفر از فامیلشان راضی می شوند و یا به دنبال ثبت شرکت و گرفتن کار از این و آن هستند. ولی نخبگان اگر در قدرت باشند چون نیازهای کلان را می دانند آنها را دنبال می کنند و اتفاقا وقتی خواسته های کلان عملی می شود افراد زیادی مشغول می شوند و شرکتهای زیادی هم به کار گرفته می شوند. در واقع همان خواسته های کوچک هم عملی می شود اما استان منتفع شود نه یک فرد یا گروه.

- نقش سازمان های مردم نهاد-سمن ها-را چگونه می بینید؟

- فعلا نقش موثری ندارند. در کشورهایی که دولت بزرگ است و قدرت و اقتصاد در دست دارد این سازمانها خیلی موثر نیستند. اگر دولت آنگونه که در چشم انداز نظام آمده و رهبری هم ابلاغ کرده اند کوچک شود و کنار بکشد طبیعتا سازمانهای مردم نهاد موثر می شوند.

ابوالحسن کنخگی مدیر وبلاگ «راه توسعه»:

خواسته مردم استان بوشهر از نمایندگان خود در پائین ترین سطح ممکن قرار داد



- در حال حاضر استان صاحب چهار کرسی در مجلس است. شما بعنوان یکی از فعالان اجتماعی که کلان و خرد مسائل استان را رصد می کند کارنامه نمایندگان استان را چگونه تحلیل می کنید؟

- قبل از پاسخ به این پرسش خاطره ای نقل می کنم. درباره سید محمد مهدی پورفاطمی نماینده دشتی و تنگستان تاکنون چند پست ویژه در وبلاگ راه توسعه نوشته ام و مخاطبانی نیز داشته است. در حاشیه یکی از همایش هایی که در شهرستان دشتی برگزار شده بود و توفیق حضور نیز نصیب من شد یکی از دوستان خطاب به نماینده دشتی مرا به عنوان منتقد جدی معرفی کرد. سید نیز کوشید با بیان جمله ای که نه سیخ بسوزد و نه کباب هم اشاره کننده را تائید کند و هم مرا زیاد سرزنش نکند. در یکی از نوشته ها، پورفاطمی را سید خاموش مجلس لقب داده بودم. ظاهرا رنجیده بودند اما من نوشته بودم در شرایط فعلی و اوضاع سیاسی ایران که از نظر بسیاری از مردم مجلس در جایگاه اصلی خود نیست، پورفاطمی شاید نماینده مناسبی باشد که چندان به دنبال امور سیاسی نیست و به حل و فصل گرفتاری های روزمره و شخصی مردم می پردازد. بگذریم. چهار نماینده استان بوشهر باید با نزدیک به بیست نماینده هر کدام از استان های خوزستان و فارس رقابت کنند تا بتوانند جایگاه والای استان در حوزه نفت و گاز را در نگاه مدیران کلان مملکت حفظ کنند و از این رو استان بوشهر به نمایندگانی بسی مقتدرتر از نمایندگان معمول دیگر استان های نیاز دارد.

- چرا عملکرد نمایندگان ما در چانه زنی و کسب امتیاز اینقدر ضعیف می باشد؟

- معمولاً در مجلس برخی از نماینده ها اثر گذار هستند و تعداد زیادی نیز اثر پذیر. جایگاه یک نماینده در هر کدام از دو طیف چندان به حوزه انتخابیه وی بستگی ندارد. واقعیت آن است که نمایندگان بوشهر چهره واقعی مردمی هستند که جز اقناع و رضایت زودهنگام و سطحی، شاخص های ویژه برای برخورداری از حقوق مسلم خود ندارند.

- در حوزه دشتی و تنگستان حجت الاسلام پورفاطمی تاکنون توانسته با خلق رکورد و طی سه دوره متوالی در کسوت نماینده حوزه مزبور کرسی مجلس را جلوس کند! این موضوع را برای موکلین وی فرصت تلقی می کنید یا تهدید؟

- دو نگاه می توان نسبت به این موضوع داشت. تجربه نشان داده تعداد دوره های حضور و مدت زمان جلوس یک شخص بر کرسی نمایندگی در پارلمان چندان ارتباطی به میزان تاثیرگذاری وی ندارد. آقای پورفاطمی پیش از ورود به مجلس در دوره ششم، چندان سابقه قوی در عرصه تحولات کلان کشور نداشت و از این رو یکی دو دوره طول کشید تا در جریان کامل امور و معادلات پیچیده پارلمان قرار گیرد. بنابراین اگر او دارای توانمندی بالائی باشد می تواند وقت کشی صورت گرفته برای تجربه اندوزی خود در سال های نخست حضور در پارلمان را طی دوره های بعد جبران کند. در غیر اینصورت سابقه حضور متوالی او در پارلمان نه تنها کمکی به پیشرفت حوزه انتخابیه اش نمی کند بلکه باعث عقب افتادن آن نیز می شود. نکته ای که نباید در این میان از آن چشم پوشید وضعیت مشابه دیگر حوزه های انتخابیه استان است. در حوزه های دیگر تغییر پی در پی نمایندگان و انتخاب نمایندگانی در سطح نماینده قبلی باعث شده میزان پیشرفت همه شهرستان ها با یک سیر صعودی همگام باشد. به عبارت دیگر پورفاطمی می توانست از تغییر پی در پی نمایندگان سه حوزه انتخابیه استان بهره کافی برده و برای توسعه حوزه انتخابیه اش تلاش مضاعفی داشته باشد اما ظاهراً چنین نشده است.

- موفق ترین نماینده سالیان اخیر در حوزه مختلف انتخاباتی استان را چه کسی میدانید؟

- محمد دادفر، او بار دیگر بوشهر را که در حاشیه رسانه ای قرار گرفته بود به صحن علنی پارلمان ایران برد و حضور متعدد او در رسانه های محلی، ملی و بین المللی باعث شد نام بوشهر بار دیگر در جنوب ایران بدرخشد. پیش از آن خیلی ها از بوشهر جز یک نیروگاه اتمی چیزی نمی دانستند اما دادفر بوشهر را فراتر از نیروگاه و نفت و گاز قرار داد. دادفر بوشهر، نگین خلیج فارس که ۶۲۵ کیلومتر مرز آبی با خلیج فارس داشت را بار دیگر به ایران معرفی کرد.

- با توجه به اینکه مدتی دبیر کل انجمن احیاگران توسعه جنوب بودید نقش سازمان های مردم نهاد-سمن ها-را چگونه می بینید؟

- این روزها، سمن ها چندان جایگاهی نزد دولتمردان ندارند. با توجه به ساختار اداره کشور و ضرورت دریافت مجوز برای هر فعالیتی، عملاً سمن ها خانه نشین شده اند.

- چرا شکل گیری و تلاش سازمان های غیر دولتی در استان مقطعی است؟ و بعد از یکسال به بایگانی می روند؟

- اشتباه در تعیین اهداف. به دلیل عدم آشنایی با شیوه فعالیت غیر دولتی، نخست اینکه همه فعالیت ها را سخت افزاری و فیزیکی می بینند و دوم آنکه نگاه دولت محور ما ایرانی ها باعث می شود انتظار داشته باشیم گوشه هر کار و برنامه ای را یک نهاد دولتی گرفته و آن را تامین مالی کند. مهم تر اما خلط مباحث فعالیت های مربوط به سمن هاست. یکی دانستن سیاست، راهبرد، تکنین، تاکتیک و .... باعث می شود با شکست یک سمن برای جمع آوری و تامین هزینه مالی یک برنامه همه دچار شکست عمیق فکری می شوند و تصور می کنند باید پروانه فعالیت سمن را بوسید و در طاقچه گذاشت. خود من و دیگر همفکرانم چنین اشتباهاتی را مرتکب شدیم و اکنون که به گذشته می نگرم در می یابم شاید نداشتن آموزش کافی باعث شد به چنین راه اشتباهی برویم.

عسگر جلالیان نماینده مردم کنگان، جم و دیر درنشست خبری:

وزارت نفت به تعهداتش در استان بوشهر عمل نکرده است

دکتر عسگر جلالیان نماینده مردم کنگان، دیر و جم در مجلس شورای اسلامی در نشستی خبری به سوال خبرنگاران پاسخ گفت. در این نشست که در محل هفته نامه نصیر بوشهر برگزار شد جلالیان به سوالات پاسخ گفت که مشروح آن را در زیر می خوانیم:

سهم استان از درآمدهای نفتی بسیار پایین است

نماینده دیر، کنگان و جم با بیان این‌که بالغ بر ۲۴ پالایشگاه گازی، ۲۴ پالایشگاه پتروشیمی و صنایع پایین‌دستی بسیار متعددی در سطح استان وجود دارد، گفت: ما باید تمام تلاش و توان خود را به کار بگیریم تا از آن‌چه که تحت عنوان درآمد ملی از این استان عاید می‌شود و به صندوق ملی می‌رود درآمد منطقه‌ای نیز نصیب استان شود.

دکتر عسگر جلالیان افزود: سهم بوشهر در درآمدهای ملی بسیار بالاست، اما متأسفانه سهم استان از درآمدهای نفتی بسیار ناچیز است و این معادله را به هم زد.

وزارت نفت به تعهداتش عمل نکرده

وی با اشاره به برگزار شدن همایشی ملی در عسلویه اظهار داشت: این همایش دو خروجی داشت. خروجی منطقه‌ای و خروجی ملی. خروجی منطقه‌ای این بود که حداقل ۸۰ درصد مردم استان از حضور پارس جنوبی در بوشهر ناراضی‌اند. مفهوم این آمار این است که وزارت نفت به تعهداتش در این استان عمل نکرده است و خروجی ملی همایش نیز بیانگر این نکته بود که در سطح ملی این نگرانی وجود دارد که روند اجرایی فازهای پارس جنوبی به همین کندی پیش برود، زمانی این ۲۴ فاز پالایشگاهی به بهره‌برداری می‌رسد که این مخزن مشترک توسط قطری‌ها خالی شده و ما باید دنبال خوراک بگردیم.

نماینده دیر، کنگان و جم تصریح کرد: بنده این دو مطلب را در قالب یک گزارش ۵۴ صفحه‌ای تدوین کرده و به مقامات تصمیم‌گیر ارائه دادم. از همین ۵۴ صفحه نیز، سه صفحه گزارش با طبقه‌بندی محرمانه به مقام معظم رهبری ارائه کردم تا دستور ویژه بدهند و برای این موضوع تدبیری اندیشیده شود.

آمار اشتغال استان در حال واقعی‌تر شدن است

جلالیان با اشاره به تذکرات، ارائه‌ی طرح‌ها و طرح سئوال‌های صورت گرفته به منظور اجرای مصوبه‌ی ۵۰ درصد نیروهای بومی گفت: دستورات ویژه‌ای برای اجرای این مصوبه گرفته شده و از سال اخیر آمار اشتغال استان در حال واقعی‌تر شدن است.

وی با بیان این‌که آمار اشتغال ما در حال افزایش است بیان نمود: با وعده‌ها و دستوراتی که از وزیر محترم نفت اخذ شده است حداقل تا چهار ماه آینده، پنجاه درصد ظرفیت اشتغال مجموعه‌های نفت و گاز در اختیار استان قرار می‌گیرد.

گرانی سیلندر گاز در کنار منابع گازی

جلالیان گفت: ظرف ۲ سال آینده تمام روستاهای حوزه‌ی انتخابیه‌ام گازکشی می‌شود.

وی با بیان این‌که پالایشگاه گاز فجر جم روزانه ۱۱۰ میلیون مترمکعب گاز وارد شبکه می‌کند اظهار داشت: مردم در کنار این پالایشگاه یک سیلندر گازی را بالغ بر سه هزار تومان می‌خرند و این مسأله با هیچ بیانی قابل توجیه نیست.

نماینده‌ی دیر، کنگان و جم افزود: در عسلویه نیز در کنار تأسیسات عظیم گازی مردم سیلندر گازی را بعضاً یازده هزار تومان می‌خرند. وی خاطرنشان کرد: از رئیس‌جمهور دستور گرفته‌ایم که بخش عسلویه به صورت مجانی گازکشی شود و اکنون نیز عملیات اجرایی آن شروع شده و به سرعت در حال اجراست. از نیمه‌ی دوم سال گذشته سرعت گازکشی در حوزه‌ی انتخابیه‌ام حداقل دو برابر شده است.

امسال برق در شهرستان‌های حوزه‌ی انتخابیه‌ام نوبت‌بندی نخواهد شد

نماینده دیر، کنگان و جم با بیان این‌که این سه شهرستان نسبت به سایر مناطق استان گرم‌تر است، گفت: با اقداماتی که انجام شده معضل و مشکل برق این سه شهرستان را به طور کلی حل کرده‌ایم. دیگر چیزی به نام نوبت‌بندی در این سه شهرستان نخواهیم داشت.

وی اضافه کرد: این اقدام بسیار میمونی است که نه تنها برای سال جاری، بلکه برای سال‌های آتی نیز چاره‌ساز خواهد بود و ما در سال‌های آتی مشکل برق نخواهیم داشت.

با احداث سد سرچشمه، آب تمام سفره‌های زیرزمینی دیر، کنگان و جم تأمین خواهند شد

جلالیان احداث سد سرچشمه را از دیگر اقدامات خود برای توسعه‌ی شهرستان‌های حوزه‌ی انتخابیه‌اش دانست و گفت: احداث سد سرچشمه از ۱۵ سال پیش مطرح شده و مطالعه و مکان‌یابی آن نیز صورت گرفته ولی متأسفانه رها شده است.

وی افزود: با جلسات متعددی که گذاشتیم توانستیم برای این موضوع ردیف بودجه بگذاریم و تخصیص اعتبار آن را بگیریم. امسال نیز کلنگ‌زنی آن انجام خواهد شد.

نماینده دیر، کنگان و جم با بیان این‌که سفره‌های زیرزمینی دیر تلخ شده و حتا از آن برای کشاورزی هم نمی‌توان استفاده نمود، تصریح کرد: اگر این سد احداث و بهره‌برداری شود آب تمام سفره‌های زیرزمینی شهرستان جم، کنگان، دیر و خورموج را تأمین خواهد کرد.

اگر وزیر راه در اجرای پروژه تعلل کند طرح استیضاح خواهیم کرد

نماینده دیر، کنگان و جم با بیان این‌که یکی از اولویت‌های وی اتصال استان بوشهر به شبکه‌ی ریلی کشور است، گفت: سال جاری حدود ۲۲ میلیارد تومان در ردیف بودجه برای این پروژه اعتبار گذاشته‌ایم. این پروژه هم‌اکنون در حال فعال شدن است و امیدمان این است که استان هرچه زودتر به شبکه‌ی ریلی وصل شود.

وی افزود: اگر دیدیم در اجرای این پروژه کندی و تعلل می‌شود یا دولت می‌خواهد از زیر آن شانه خالی کند به هر اهرم قانونی متوسل خواهیم شد.

جلالیان خاطرنشان کرد: اگر وزیر راه هم در اجرای این پروژه تعلل کند همین فردا طرح استیضاح او را دنبال خواهیم کرد.

تنها یک رأی برای هیأت رئیسه شدن کمیسیون انرژی کم داشتم

جلالیان در پاسخ به خبرنگاری مبنی بر دلیل رأی نیاوردن در هیأت رئیسه کمیسیون انرژی گفت: این از خصوصیات انتخابات و دموکراسی است که یک نفر در انتخابات رأی بیاورد و یک نفر رأی نیاورد. نه رأی نیاوردن دال بر ضعف و ناتوانی است و نه رأی آوردن نشانه‌ی بهترین بودن است. در انتخابات اخیر هیأت رئیسه‌ی کمیسیون بنده کاندیدا بودم، البته نگاهم این بود که کاندیدا نشوم. دلیلم هم این بود که این چهار سال به سرعت می‌گذرد و کار عقب‌مانده‌ی بسیاری دارم. من در ۱۷ فراکسیون در مجلس عضوم و در اکثر این فراکسیون‌ها هم عضو هیأت رئیسه هستم. برای عضو هیأت رئیسه بودن باید وقت بگذارم. بالاخره در این انتخابات ۷ رأی آوردم و تنها یک رأی کم داشتم. وی همچنین در پاسخ به خبرنگاری که پرسید، شواهد حاکی از این است که میگلی‌نژاد به شما رأی نداده اظهار داشت: از این‌که بعضی سایت‌ها نوشته اند مهندس میگلی‌نژاد به من رأی نداده است اطلاع ندارم. رأی مخفی است و ما هم نپرسیدیم. دلیلش هم خیلی مهم نیست.

نماینده دیر، کنگان و جم در واکنش به آن خبرنگار که گفت با روشن شدن این موضوع اتحاد و انسجام مجمع نمایندگان مشخص می‌شود تصریح کرد: در شرایط فعلی ما اتحاد و انسجام خوبی داریم. بعضاً حرف‌هایی در حاشیه مطرح می‌شود که از بیرون صحت ندارد. گاهی نیز ممکن است حرف‌هایی میان ما رد و بدل شود که طبیعی است.

خبرنگار در پاسخ به وی گفت: شواهد این‌گونه نیست نمونه‌اش نیز معارفه‌ی مهندس شفقت استاندار سابق بوشهر است.

نماینده دیر، کنگان و جم در پاسخ به وی گفت: ما به ایشان اعتراض نکردیم که چرا در این جلسه شرکت کرده است. به هرحال نماینده است و شاید تشخیص می‌دهد که منافع مردمش را بهتر می‌تواند تأمین کند.

وی افزود: بنده به احترام مدیران توانمند بومی استان در معارفه شرکت نکردم و معنای این جمله نیز این نیست که ما با استاندار مخالفیم و با وی کار نخواهیم کرد، بلکه تنها در جلسه‌ی رسمی شرکت نمی‌کنیم. من و دو نماینده دیگر شرکت نکردیم و تنها آقای میگلی‌نژاد شرکت کرد که تحلیل‌شان محترم است. شخصی ممکن است از این موضوع تعبیر به اختلاف کند و شخصی دیگر تعبیر به تدبیر.

در لیگ آینده رتبه شاهین تک‌رقمی خواهد شد

جلالیان در خصوص حمایت از تیم شاهین گفت: معتقدم که هر بوشهری باید نسبت به تیم شاهین احساس تعلق و تعصب کند. بنده هم آن‌چه که از دستم برآمده برایش انجام دادم. با



معاون وزیر نفت، معاون رئیس جمهور و یا شورای ورزش وزارت نفت جلسه گذاشتم و مصوبه و دستور نیز گرفتم. اخیراً نیز جلسه‌ای با حضور عوامل تیم با معاون رئیس جمهور برگزار و در آن بحث‌های خوبی در خصوص مطالباتشان مطرح شد.

وی افزود: پیگیری‌های مطالبات نیز انجام شده و بنده به آینده تیم بسیار امیدوارم. همین که ما در لیگ ماندگار شدیم قدم بزرگی بود، گرچه در حوزه‌ی انتخابیه‌ام بسیار مورد هجمه قرار گرفتم که شما تیم‌های حوزه‌ی انتخابیه‌ات را فراموش کردی و توانت را برای شاهین گذاشتی. بنده هم در پاسخ به آن‌ها گفتم که تیم شاهین متعلق به همه‌ی بوشهری‌هاست.

جلالیان خاطرنشان کرد: بسیار خوشبینم که در لیگ آینده رتبه‌ی شاهین تک رقمی شود.

در تودیع و معارفه استانداران غیربومی استان شرکت نمی‌کنیم

نماینده‌ی دیر، کنگان و جم در خصوص عملکرد شفقت استاندار سابق بوشهر نیز چنین گفت: مهندس شفقت نتوانست توقعات مردم استان را چنان که مدنظر مردم بود، برآورده کند. اگر ما این‌جا حرف تضعیفانه‌ای در مورد ایشان بزنیم مردم دیگری در کشورمان ضرر خواهند کرد و جوی علیه ایشان مطرح خواهد شد.

وی افزود: در دولت نهم و دهم عملکرد استانداران را عمدتاً با میزان و سطح اجرایی شدن مصوبات دولت بررسی می‌کنند. آن‌چه که در استان ما تحت عنوان مصوبات سفر دوم هیأت دولت به استان وجود دارد اجرایی نشده است و مردم استان همچنان نگران هستند که این مصوبات در حد کاغذ باقی بماند.

جلالیان خاطرنشان کرد: با بررسی‌های انجام شده حدود ۱۰ درصد این مصوبات به مرحله‌ی اجرا رسیده است. بسیاری از این مصوبات مجری و متولی ندارند و حتا مشخص نیست که ردیف بودجه‌ی آن باید از کجا تأمین شود. بسیاری از مصوبات نیز به دلیل این‌که کارشناسی تصویب نشده‌اند، پس از طی یک بازه‌ی زمانی حذف شده‌اند.

وی در پاسخ به پرسشی مبنی بر حضور در تودیع و معارفه‌ی استانداران سابق و جدید بوشهر گفت: قرار است که در تودیع و معارفه استانداران شرکت نکنیم ولی این عدم حضور به معنای مخالفت نیست، صرفاً به منظور احترام به نیروهای بومی استان است.

نسبت به توانمندی مهندس جهانبخش خوشبینم

نماینده دیر، کنگان و جم در خصوص پروسه‌ی انتخاب استاندار جدید بوشهر نیز گفت: انتخاب استاندار طبق قانون اساسی کشور در اختیار هیأت دولت است. هیچ‌جای قانون اساسی هم تایید نشده که نماینده‌ی مجلس استاندار را تعویض یا انتخاب کند. آن‌چه که وجود دارد مشورت دادن است که رئیس جمهور می‌تواند بگیرد یا می‌تواند نگیرد.

جلالیان اضافه کرد: زمانی که بحث جابه‌جایی آقای شفقت مطرح شد، نامه‌ای به ریاست جمهوری نوشتیم و گفتیم که حال که تصمیم دولت بر جابه‌جایی استاندار بوشهر است ضمن تشکر از فعالیت مهندس شفقت درخواست داریم به جای ایشان گزینه‌ای بومی منصوب گردد. در صورت تمایل پیشنهاداتی نیز مطرح خواهد شد. پس از آن نیز طبق جلسات و تفاهماتی که به عمل آمد اشخاصی را معرفی کردیم ولی نگاه رئیس جمهور این بود که استاندار بومی معرفی نشود، آن‌ها معمولاً تجربه‌ی آقای افراشته را مثال می‌زنند.

وی تصریح کرد: علی‌رغم این موضوع ما معتقدیم مهندس افراشته استاندار موفقی بود و مصوبات سنگینی را برای استان تصویب نمود که اگر اجرایی می‌شد این استان را متحول می‌کرد. نماینده دیر، کنگان و جم با اشاره به معرفی نیروهای بومی پس از صحبت‌های رئیس جمهوری اظهار داشت: پس از طی همه‌ی این مراحل بالاخره مهندس جهانبخش را معرفی کردند. بنده به شخصه نسبت به توانمندی ایشان خوشبینم. ایشان استاندار باتجربه، کارآزموده و کاردیده‌ای است و مراحل مختلف وزارت کشور از کارشناسی، بخشداری، فرمانداری و معاونت استانداری را طی کرده و تحلیل‌مان این است که می‌تواند مطالبات استان را برای ما تأمین کند.

وی در پایان افزود: باید یک جو آرام و همراه ایجاد کرد تا نماینده‌ی دولت کارش را آغاز کند و ما فرصت‌هایمان را از دست ندهیم. ورود به هر چالش و نگاه منفی فرصت‌های استان را از دست خواهد داد.

یک مسئول در بوشهر:

۱۰ هزار میلیارد تومان بین مردم توزیع می شود

معاون دفتر هدفمندی یارانه های وزارت رفاه و تامین اجتماعی گفت: امسال مجلس ۲۰ هزار میلیارد تومان منابع حاصل از اجرای قانون هدفمندی یارانه ها برای دولت مشخص کرده است که ۱۰ هزار میلیارد تومان آن بین مردم باز توزیع می شود.

معاون دفتر هدفمندی یارانه های وزارت رفاه و تامین اجتماعی گفت: امسال مجلس ۲۰ هزار میلیارد تومان منابع حاصل از اجرای قانون هدفمندی یارانه ها برای دولت مشخص کرده است که ۱۰ هزار میلیارد تومان آن بین مردم باز توزیع می شود. به گزارش مهر، محسن تقیانی در همایش آشنایی با نظام هدفمند کردن یارانه ها در بوشهر افزود: همچنین ۳۰ درصد سرجمع مبلغ یاد شده نیز برای حمایت از بخش تولید و خدمات و مابقی نیز در اختیار دولت برای جبران هزینه های اجرای قانون قرار می گیرد.وی با بیان اینکه قانون هدفمند کردن یارانه ها به مدت پنج سال انجام می شود، گفت: هم اینک در ۹ استان کشور جمع آوری حساب سرپرستهای خانوار اجرا شده است که بیش از ۸۵ درصد مردم در این مرحله نیز شرکت کرده اند. تقیانی با بیان اینکه با اجرای هدفمند کردن یارانه ها یک جراحی بزرگ در اقتصاد کشور صورت می گیرد، گفت: قطعاً این جراحی همراه با درد و مشکلاتی نیز برای مردم در پی خواهد داشت اما با صبوری و همراهی مردم اجرای صحیح طرح را به همراه خواهد داشت. تقیانی اضافه کرد: علاوه بر این، اجرای صحیح طرح هدفمند کردن یارانه ها حمایت از تولید داخلی، تامین منابع برای سرمایه گذاری های زیربنایی و توسعه اشتغال با دادن تسهیلات از محل کسب درآمدهای حاصل از اجرای این طرح را در پی خواهد داشت.

طنز

شعری در استقبال از ایده جدید مدیرکل آموزش و پرورش بوشهر

فارس گزارش داد :رئیس سازمان آموزش و پرورش استان بوشهر گفت: طرح انتخاب همسریابی ویژه دانش‌آموزان دختر دوره پیش‌دانشگاهی با ارائه نحوه صحیح ازدواج از نظر اسلام تصویب شد.

ما هم در استقبال از این طرح بزرگ ملی که استارتش از بوشهر زده شده است به وجد آمده و این سروده را تقدیم به نوعروسان کرده و از مسئولین امر که اینچنین در فکر نونهالان ما بوده اند کمال تشکر و قدردانی داریم .

به سلامتی عروس و داماد : دست ... دست ... دست و ایضا کل مشتی ...

وقت شوهر کردنه دختر گلم !
درس وبال گردنه دختر گلم !
هندسه فیزیک تاریخ و حساب
لایق سوزاندنه دختر گلم
حس شوهر یابی ات را کن قوی
باقی اش مکر و فنه دختر گلم
طرح همسریابیه درمان درد
درد ، دختر موندنه دختر گلم
می رسد روزی که چندین تن نوه !
پاره ی جون منه دختر گلم
ای ثریا شاد باش و شاد زی !
نون تو در روغنه ، دختر گلم
الغرض بشنو تو پند این حکیم
وقت شوهر کردنه دختر گلم

منبع: بیستان

طنز شهرام شکیبا درباره طرح مدیرکل آموزش و پرورش بوشهر

۲۰: شهرام شکیبا طنزپرداز کشور بخشی از ستون روزانه ی خود را در روزنامه خبر به تصویب طرح همسریابی دختران پیش دانشگاهی که روز سه شنبه توسط رییس سازمان آموزش و پرورش استان بوشهر اعلام شد ، اختصاص داده است :

طرح نو

هرچه می‌خواهد بگوید هرکه می‌خواهد. بنده به ضرس‌قاطع معتقدم که حافظ شیرازی بیت:

بیا تا گل برافشانیم و می در ساغر اندازیم
فلک را سقف بشکافیم و طرحی نو دراندازیم

را برای محمد حاجی‌زاده، رئیس سازمان آموزش و پرورش استان بوشهر گفته است. چون واقعاً ایشان است که می‌تواند سقف فلک را بشکافد و طرحی نو دراندازد. فقط حیف که ایشان مهندس نیست. البته من بی‌خبرم. شاید هم باشد. اگر هم نباشد قطعاً ذهنش به شدت مهندسی است.

رئیس سازمان آموزش و پرورش استان بوشهر: «طرح انتخاب همسریابی ویژه دانش‌آموزان دختر دوره پیش‌دانشگاهی تصویب شد.»

کاش یک مهندس در این مملکت پیدا می‌شد و به من می‌گفت «انتخاب همسریابی» یعنی چه؟ آیا به دخترخانم‌ها انتخاب همسریابی درس می‌دهند؟ بالاخره «انتخاب» یاد می‌دهند یا «همسریابی»؟! «طرح انتخاب همسریابی» عبارتی است مثل قول دوستی که می‌گفت «هواپیمای باسرنشین‌دار».

فروشنده تجهیزات ماهواره ای در گناوه دستگیر شد

مرکز اطلاع رسانی معاونت اجتماعی فرماندهی انتظامی استان بوشهر: پلیس امنیت اخلاقی شهرستان گناوه یک نفر فروشنده فعال تجهیزات ماهواره ای را در این شهرستان شناسایی و دستگیر کرد.

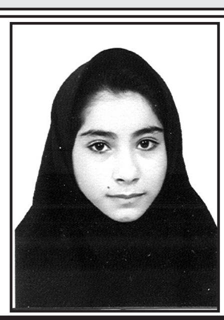
به گزارش پایگاه اطلاع رسانی پلیس، مأموران منیت اخلاقی شهرستان گناوه در راستای ارتقاء امنیت اجتماعی به فعالیت فردی به نام "ع" مبنی بر خرید و فروش ماهواره و تجهیزاتش مظنون شدند. پلیس منزل نامبرده را شناسایی و ضمن هماهنگی با مقام قضایی وارد منزل شده و اقدام به بازرسی کردند. گفتنی است، پلیس در این عملیات موفق به کشف ۹۱ دستگاه ریسیور ماهواره و ۹۰۰ عدد ال ام بی شد. شایان ذکر است، متهم دستگیر و به همراه کالاهای کشف شده که ارزش آن بیش از ۹۹ میلیون ریال برآورد شده بود به پایگاه انتظامی انتقال داده شد.

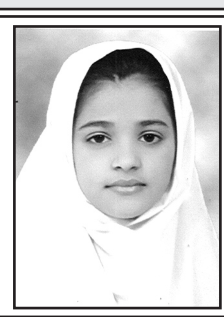
مقادیر زیادی کالای قاچاق در دیلم کشف شد

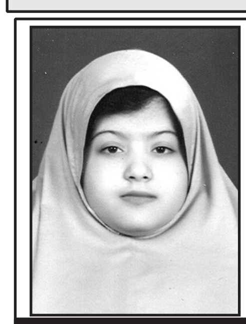
مرکز اطلاع رسانی معاونت اجتماعی فرماندهی انتظامی استان بوشهر: پلیس مبارزه با قاچاق کالا و ارز شهرستان دیلم تعدادی کالای قاچاق را طی سه عملیات در این شهرستان کشف و ضبط کرد.به گزارش پایگاه اطلاع رسانی پلیس، مأموران مبارزه با قاچاق کالا و ارز شهرستان دیلم در راستای مبارزه با ورود و خروج کالای قاچاق به این شهرستان در حین کنترل خودروهای عبوری از گلوگاه بی بی حکیمه در بازرسی از یک دستگاه خودرو پژو ۴۰۵ برانندگی "م" بیش از ۲ هزار آب میوه خارجی فاقد هرگونه مجوزی را کشف و ضبط کرد. همچنین همین پلیس طی یک عملیات دیگر به یک دستگاه خودرو تاکسی برانندگی "الف" مظنون شده که پس از توقف و بازرسی های لازم از خودرو مذکور تعداد بیش از ۲ هزار عدد لوازم آرایشی فاقد هرگونه مجوزی کشف و ضبط کرد. شایان ذکر است، پلیس در بازرسی از یک دستگاه خودرو سمند برانندگی "ف" نیز مقدار ۱۸۴ کیلوگرم البسه زنانه و مردانه کشف و ضبط کرد. لازم به ذکر است، ارزش کالاهای کشف شده بالغ بر ۱۴۰ میلیون ریال برآورد شده است.

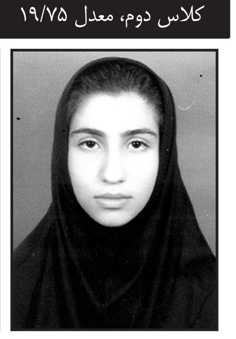
دانش آموزان موفق مدرسه غیردولتی دخترانه رهنمون

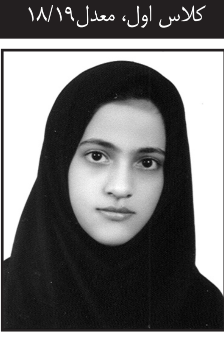

فاطمه منصوری
کلاس دوم، معدل ۱۹/۷۵


فاطمه غلام نژاد جبری
کلاس اول، معدل۱۸/۱۹

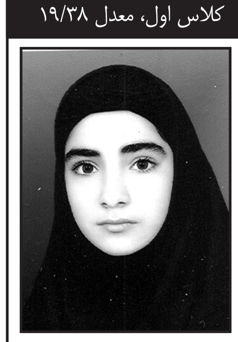

مریم مظلوم زاده
کلاس اول، معدل ۱۹

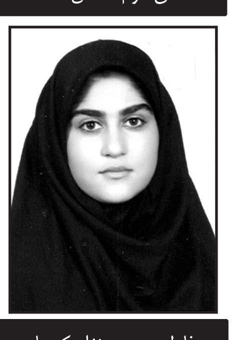

فاطمه نودراپور
کلاس اول، معدل ۱۹/۳۸


المیرا عباسی
کلاس دوم، معدل۱۸/۳۵


لیلا شاهرخی نژاد
کلاس دوم، معدل۱۸/۳۲

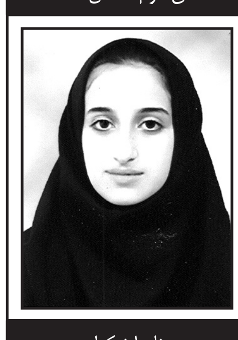

رعنا رستمیان
کلاس دوم، معدل ۱۷/۸۰


زهرا شنبدیان
کلاس دوم، معدل ۱۷/۶۸


فاطمه محمدنژاد کبریا
کلاس سوم، معدل ۱۷/۹۱


هاله بحرالعین
کلاس سوم، معدل ۱۸/۸۱


پریا قربانی
کلاس سوم، معدل ۱۹/۲۴


نادیا نیکنام
کلاس سوم، معدل ۱۹/۳۳

آدرس: خیابان امام، خ فاطمیه، روبروی بهزیستی، جنب شرکت گاز
تلفن: ۳۵۳۷۴۴۱

نسیم جنوب
۷
ورزشی
شماره ۵۸۹ یک شنبه ۲۰ تیر ماه ۱۳۸۹
NASIM JANOUB

گفت‌وگو با علیرضا محمدی مدیر روابط عمومی شاهین بوشهر

کادر فنی از اردوها رضایت دارند



– **اردوی شاهین در تهران (مجموعه انقلاب) چگونه بود؟**

* با توجه به این‌که کادر فنی برنامه‌ریزی خوب و دقیقی برای بازیکنان در دستور کار داشتند، این اردو به خوبی و با نتیجه‌ی مثبت به کار خود پایان داد.

– **تمرینات در چند مرحله انجام می‌شد؟**

* بچه‌ها در روز سه مرحله تمرین می‌کردند. صبح هوازی، ساعت ۱۰ وزنه می‌زدند و بعدازظهر در زمین چمن کارگران تهران کارهای تاکتیکی انجام می‌دادند.

– **مثل این‌که در تهران یک دیدار دوستانه انجام دادید؟**

* بله با یک تیم تهرانی بازی داشتیم که با دو گل ایمان حیدری به پیروزی رسیدیم.

– **بعد از انجام مرحله‌ی اول اردو در تهران به کردان کرج رفتید. از آنجا بگویید.**

* کمپ کردان کرج یکی از بهترین کمپ‌های ورزشی است که می‌توان در آن‌جا اردوی تدارکاتی خوبی انجام داد و برای آماده‌سازی تیم بسیار مناسب است.

– **آیا در آن‌جا بازی تدارکاتی داشتید؟**

* بله، با تیم نیلی کرج بازی کردیم که با دو گل حمیدرضا سلیمانی و علی سلمانی پیروز شدیم. البته این بازی را دو بر یک بردیم.

– **آیا استیلی از شرایط اردوها رضایت داشته و دارد؟**

* بله، وی به دلیل پُربار بودن اردوها و رضایت کامل از عملکرد بچه‌ها این شرایط را خوب ارزیابی می‌کند. در کل کادر فنی از اردوها رضایت دارند.

– **شنیده شده که بچه‌ها در تهران و کرج زیاد سرحال نبوده‌اند! علت چه بوده است؟**

* نه، چیز خاصی نبوده، فقط بحث مالی، تعدادی از بازیکنان را دل‌نگران کرده بود که خوشبختانه به دلیل جلسه‌ی مسؤولین شاهین با امام جمعه بوشهر و حل مقداری از مشکلات مالی، بچه‌ها سر حال و قبراق به تمرینات ادامه می‌دهند.

– **آیا مهاجرانی هم در بین بچه‌ها حضور دارد؟ نظر وی در خصوص اردوها چیست؟**

* بله، وی در تهران و کرج همراه تیم هست و بهترین جمله را به بچه ها هدیه داد؛ وی گفت: سختی‌های امروز، فردای بهتر را پیش‌روی شما خواهد گذاشت.

– **شنیده می‌شود که گرمای هوا بچه‌ها را بسیار اذیت کرده است؟**

* البته در تهران بچه‌ها از گرما گله داشتند که حق هم با آنها بود، ولی در کرج همه‌چیز عالی بود؛ هم هوا، هم امکانات.

– **گویا اردوی ترکیه هم لغو گردید؟**

* این امر بستگی به تصمیم باشگاه دارد که ما دستورات آنها را اجرا خواهیم کرد.

روی خط خبر ...

بچه‌ی معاون وزیر در تمرینات شاهین

شنیده‌ها حاکی از این است که یکی از بازیکنان قدیمی استقلال تهران، یک بازیکن در رده‌ی امید به حمید استیلی مربی تیم شاهین توصیه کرده است. گویا این بازیکن پسر یکی از معاونین وزارت‌خانه‌های کشور است. اگر این کار صورت گیرد باید گفت مثل سال گذشته سر امیدهای فوتبال بوشهر کلاه رفته!

کیانی اولین مصدوم شاهین

مهدی کیانی هافبک تیم شاهین، قبل از این‌که تیم شاهین وارد اردوی تهران شود، از ناحیه‌ی بینی صدمه دید و می‌بایست بینی خود را تحت عمل جراحی قرار دهد. گویا بدشانسی و مصدومیت ول‌کن شاهین نیست.

اخراج خلیلی از پرسپولیس به خاطر کشیدن قلیان

کاشانی سرپرست باشگاه پرسپولیس تهران در جایی اعلام کرد خلیلی مهاجم تیم خود را به دلیل این‌که در مکانی شروع به کشیدن قلیان کرده بود، از پرسپولیس کنار گذاشتیم. سؤال این‌جاست اگر کاشانی در برخی شهرستان‌ها کار می‌کرد چه برخوردی با بازیکنان اهل دود که تعدادشان هم کم نیست، می‌نمود؟!

مدافع صربستان در شاهین

به گفته‌ی یکی از مسؤولین شاهین که در تهران بسر می‌برد، مدافع صربستان که هم‌ولایتی پتروویچ است، به زودی پیراهن شاهین را خواهد پوشید. این مدافع که از قابلیت بالایی برخوردار می‌باشد در اردوی کردان کرج به شاهینی‌ها ملحق خواهد شد.

هفته‌ی اول؛ شاهین میزبان نفت آبادان

با قرعه‌کشی لیگ دهم، حریفان شاهین مشخص شدند. شاهین در هفته‌ی اول و در تاریخ ۵ مرداد میزبان تیم صنعت نفت آبادان که به تازگی به لیگ برتر صعود کرده خواهد بود. دیدار تیم‌های بوشهری با تیم‌های خوزستانی همیشه جالب و جذاب بوده است.

پول شده جن، مسؤولین شاهین بسم‌الله

مثل قدیمی‌ها که می‌گفتند، فلانی شده جن، ما هم بسم‌الله، حالا این مثل شده حکایت مسؤولین شاهین! هرچه دنبال پول می‌گردند، کسی به آنها روی خوش نشان نمی‌دهد، چون امروزه پول دریافت کردن از کانال‌های دولتی مثل گیر انداختن جناب جن است! امید است جن محترم با بوشهری‌ها کنار بیاید!

منتخب کارگران بوشهر زیر نظر بختیاری

مسؤولین تیم فوتبال منتخب بوشهر که چند سالی زیر نظر سهراب بختیاری هدایت می‌شد و در کشور مقام‌های خوبی کسب می‌کرد، امسال نیز قصد دارند سکان مربی‌گری را همچنان به دست بختیاری بسپارند و روند موفقیت‌آمیز این تیم را تداوم بخشند. متأسفانه مربیانی امثال بختیاری به دلیل کج‌سلیقگی‌های مسؤولین و وجود رابطه در فوتبال دیارمان، باید حاشیه‌نشین باشند.

۳–۳–۴ سیستم دلخواه استیلی

گویا سیستم ۳–۳–۴ که یک روش هجومی است در دستور کار کادر فنی شاهین قرار گرفته است. حمید استیلی در دو دیدار تدارکاتی که به مصاف حریفان رفت، با این روش فوتبال تهاجمی را به نمایش گذاشت. امیدواریم در لیگ دهم شاهد شاهینی سراسر هجومی باشیم.

شروع تمرینات کارگر بنه‌گز

از هفته‌ی گذشته تیم فوتبال کارگر بنه‌گز، شروع به تست از بازیکنان جوان بومی کرد. تمرینات این تیم زیر نظر محمد محمدی انجام می‌شود که امید است تیم کارگر بنه‌گز بر خلاف شاهین و ایرانجوان، یک تیم کاملاً بومی را تشکیل دهد.

ایرانجوان؛ در احاطه‌ی غم‌ها و شکست‌ها...!



مجید اصلانی

رقابت‌های دسته‌اول فوتبال باشگاه‌های ایران (جام آزادگان) در فصل ۸۹–۸۸ روز پنج‌شنبه ۸۸/۷/۱۶ با حضور ۲۸ تیم در دو گروه ۱۴ تیمی آغاز شد و این رقابت‌ها در مرحله‌ی گروهی عصر روز شنبه ۸۹/۴/۵ با مشخص شدن چهره‌ی دو تیم صعود کرده (نفت تهران و شهرداری تبریز) به دهمین دوره‌ی لیگ برتر فوتبال ایران و چهار تیم (شموشک نوشهر، شاهین اهواز، فولاد نوین اهواز و کوثر لرستان) سقوط کرده و به لیگ دسته دوم آزادگان به پایان رسید و تیم ایرانجوان بوشهر نیز در گروه اول با کسب نتایج ضعیف در رتبه دهم جدول قرار گرفت.

با اشاره به این که فصل جدید مسابقات لیگ دسته‌اول بعد از ماه مبارک رمضان و در اوایل مهرماه آغاز خواهد شد، بنا به اهمیت موضوع از این‌هفته مبحث شرایط فوق‌العاده خاص تیم مردمی ایرانجوان را کلید زده، تا پیش درآمدی باشد برای رسیدگی به مشکلات و موانع این تیم برای حضوری قدرتمند و بابرنامه و تلاش‌های جدی برای فصل پیش‌رو که از مهرماه آغاز می‌شود. باشد که با حمایت قاطع و پشتیبانی از تیم فوتبال استان‌مان، تیم خوبی را راهی لیگ دسته‌اول نماییم.

پایان فصل فوتبالی:

به پایان فصل فوتبالی لیگ آزادگان رسیدیم و غمی بر دل‌هامان سنگینی می‌کند. عمری چندماهه از ما، همگی برفت. وقتی با خود اندیشه می‌کنیم، حسرت روزهای از دست رفته را می‌خوریم که از آن بهره‌ی کافی نبرده‌ایم. غم‌ها و شکست‌ها ما را احاطه کرده است. برای این فوتبال شهرمان امید و آینده‌ای متصوریم که نمی‌دانیم چه قدر و چه مقدار به واقعیت خواهد پیوست، ولی دوست داریم که به بررسی عملکرد تیم ایرانجوان و مسایل پیرامون آن بپردازیم و باز هم امید به همکاری و ارایه‌ی نظر تمامی صاحبان اندیشه، کارشناسان، مسؤولین و رسانه‌ها و هواداران علاقه‌مند داریم که به این مبحث ورود کنند، زیرا ما همگی و با هم می‌بایست هوای فوتبال بوشهر را داشته باشیم. آرزوهای زیادی برای این تیم داریم تا روند ایستا و کُندش متوقف و تغیر نماید و روزمرگی‌ها به کنار روند.

خود را گل بی‌عیب ندانیم:

در فصل آتی به افرادی نظر نمایید که دانش فوتبالی آنان مقبولیت داشته باشد و ما را از فوتبال، خسته و دل‌زده نکند.

این چه بساطی است که برای ایرانجوان فراهم کرده‌اند؛ تنهایی و انزوا برایش رقم زده و در کوهی از مشکلات رهایش کرده‌اند تا دست و پا زند و آن‌قدر این دست و پا زدن‌ها ادامه یابد تا خسته و رنجور گردد و سرانجام...!

هیأت مؤسس و هیأت مدیره همگی سراسیمه شده و عطای تیم‌داری را به لقایش بخشیده و پاره‌ی تن بوشهری‌ها را چوب حراج زنند و امتیازش را به فروش رسانند تا از بدهی‌ها خلاصی یابند و یا تیم‌داری نکنند و اعلام انحلال نمایند و یا با تعلیق فعالیت کمیته‌ی انضباطی فدراسیون فوتبال روبرو شوند!

امروز، همگی فوتبال ایران را می‌شناسیم و از مناسبات آن باخبریم. چرا نیمی از جامعه‌ی بوشهر که از طرفداران و دلسوزان ایرانجوان هستند، در حسرت روزهای شادی و هلهله بسوزند؟

شادی و سلامتی و نشاط و بزرگی مربوط به آحاد جامعه‌ی ورزش‌دوست و فوتبال‌دوست است، پس چرا موجبات آن را فراهم نمی‌کنند؟! به احترام این تیم و به احترام هواخواهان و هواداران، بی‌زحمت کلاه‌تان را بردارید.

گفت‌وگو با حمید اردلان پیشکسوت و عضو هیأت موسسین باشگاه ایرانجوان

حاضریم ایرانجوان را واگذار کنیم، چون واقعاً خسته شده‌ایم

– **آقای اردلان! به عنوان یک پیشکسوت تیم فوتبال ایرانجوان، بفرمایید ایرانجوان را در لیگ دسته اول کشور چگونه مشاهده کردید؟**

* شرایط فوتبال بوشهر یک شرایط بسیار سختی است. یعنی تنها مجموعه‌ی مدیریت نیست که نمی‌تواند در این شرایط کار خود را به درستی انجام دهند، بلکه به عوامل زیادی بستگی دارد. ایرانجوان در بازی‌های امسال زیاد موفق نبود.

– **از کادر فنی رضایت داشتید؟**

* در ایرانجوان فراز و نشیب‌های زیادی وجود داشت. طی یک مدت، ۳ الی ۴ پیروزی حساس را به دست آوردند، ولی بلافاصله به دلیل شرایط بد مالی که به وجود آمد، بچه‌ها بر سر تمرین حاضر نشدند. نتایجی که به دست آمد خیلی زشت بود. نتایج اصلاً در خور ایرانجوان نبود. مثلاً گل خوردمان از تبریز؛ هیچ‌وقت ایرانجوان از تبریز گل نمی‌خورد. یا بعد از بازی بسیار زشتی که با ۱۱ نفر نتوانستیم تیم ۹ نفره را ببریم. ما که تیم ۱۱ نفره را می‌بردیم، این باخت برای ما خوب نبود.

– **شنیده شده در ایرانجوان بازیکن‌سالاری وجود داشته؟**

* وقتی که پول نباشد، مسلماً بازیکن هم صحبت‌هایی می‌کند که سرپرست مجبور می‌شود با آن بازیکن مدارا کند، چون ممکن است تیم از شرایط موجودش خراب‌تر گردد.



– **انگار خیلی نگران پول و آینده‌ی ایرانجوان هستید؟**

* والله چه بگویم؟! حقیقتاً نگران ایرانجوان هستیم، ما حاضریم ایرانجوان را واگذار کنیم، چون واقعاً خسته شده‌ایم. مثلاً شب مسابقه با بی‌پولی و بی‌امکاناتی و... دست و پنجه نرم می‌کنیم که از طرفی خبر می‌رسد بازیکنان هم قهر کرده‌اند. ما چه می‌توانیم بکنیم؟! شخص که نمی‌تواند تیم را اداره کند.

– **این مسأله بر می‌گردد به مدیریت کلان ورزش کشور یا مدیریت استان خودمان؟**

* شک نکنید که به مدیریت کلان کشور بر می‌گردد. مثلاً زمانی پول به ما می‌رسد که ما نتیجه نگرفته‌ایم یا از ما شکایت کرده‌اند. اگر به ما حداقل ۳۰۰ میلیون تومان هم بدهند، ما می‌دانیم چه کار کنیم. یا اگر ۲ میلیارد تومان به ما وام دهند می‌توانیم برای جوانان کارهای خوبی انجام دهیم.

– **روی همین اصل یعنی نداشتن پول، احتمال دارد شما را تعلیق کنند؟**

* هیچ بعید نیست که ایرانجوان را تعلیق کنند. چون شکایت حق بازیکن است.

– **شما به عنوان بزرگ ایرانجوان چه کارهایی باید انجام دهید؟**

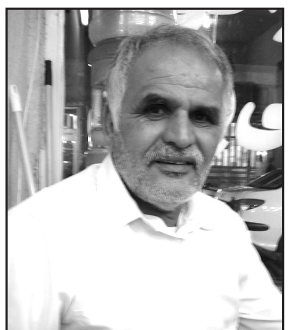
* ما فقط می‌توانیم برویم التماس این و آن کنیم! به خدا روی همین جریان خیلی خسته شده‌ایم. شخص نمی‌تواند تیم را اداره کند. همین شاهین که فعلاً برای بازیکنان چک می‌کشد، اگر پول به این تیم تزریق نشود، غرق می‌شود .

– **شنیده‌ایم که قرار است یه مقدار از زمین استادیوم ایرانجوان به فردی واگذار شود و آن شخص هم در عوض شما را حمایت مالی کند. آیا این مسأله صحت دارد؟**

* بله، درست است. یک آقایی آمده و اعلام داشته که می‌آییم در کنار زمین چمن شما هتل یا مهمانسرا می‌سازیم.

– **آن فرد بومی است یا غیر بومی؟**

* بوشهری است، اما فعلاً از گفتن اسمش معذورم.



– **هیأت مؤسسین مخالفتی نداشته‌اند؟**

* خیر، آنها هم پذیرفته‌اند.

– **با این تفاصیل چند متر از زمین ایرانجوان در اختیار وی قرار خواهد گرفت؟**

* فکر کنم حدود ۲۰۰۰ متر.

– **چرا ایرانجوان در طول فصل دو مدیرعامل عوض کرد؟ این عشق است یا خدمت یا شهامت؟**

* شهامت می‌خواهد. باید شهامت داشته باشیم که اعلام کنیم نمی‌توانیم کار کنیم تا فرد دیگری بیاید. متأسفانه ما این کار را در خودمان نمی‌بینیم. یعنی هر که می‌آید یک حالت سوء استفاده دارد.

– **در خصوص دو مدیرعامل سابق‌تان کمی توضیح دهید؟**

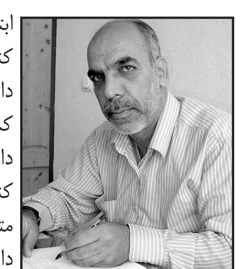
* سیامک احمدی را آورده بودیم که از لحاظ اقتصادی حمایت کند که نشد. علی وزیری هم کارهایی که باید انجام می‌داد، نداد.

– **گپ پایانی و انتظار شما از مسؤولین؟**

* ما انتظار داریم اگر به یک تیم یک میلیارد تومان می‌دهند، به ما یک دهم آن مبلغ را بدهند. نه این‌که به ما هیچ ندهند. مثلاً یک تیم قبل از ما که در دسته‌یک بود، حساب‌هایش با حساب‌های ما در لیگِ گذشته بسیار تفاوت دارد. این ظلم است. اگر شخص بود، حرفی نداشتیم، ولی وقتی عمومی باشد یک حرف دیگری‌ست.

عملکرد کمیته‌ی داوران باعث دلسردی داوران ما شده است!

مجید مشایخ – رئیس کمیته داوران هیأت فوتبال استان بوشهر



ابتدا در خصوص داوری مسابقات جام جهانی باید عرض کنم یک کلاس بسیار عالی تئوری و عملی و آموزشی برای داوران ما است و باید بگویم آمادگی جسمانی و هوشیاری کمک‌داوران، صحنه‌های بسیار زیبایی آفرید که امیدوارم داوران خوب بوشهری به نحو احسن از این آوردگاه استفاده کنند.

متأسفانه در سال گذشته نحوه‌ی عملکرد و برخورد در کمیته‌ی داوران کشور با استان ما به دلیل اعتراض‌های به حق ما از آنان مغرضانه و به دور از انصاف بوده و داوران خوب ما در لیگ‌های کشور بهترین عملکرد را داشتند و به جای آن که استان ما مورد تشویق و حمایت قرار گیرد، به عقیده من مورد اهانت قرار گرفته است. بی‌انصافی تا کی؟! مگر یک داور باید چند سال برای ارتقاء داوری و رسیدن به جایگاه بالاتر تلاش کند و قضاوت داشته باشد. ما به حق داورانی داریم که استحقاق حضور در لیگ برتر را دارند، ولی کمیته‌ی داوران کشور به جای حمایت از ما و این داوران خوب و به جای افزایش سهمیه‌ی ما، هیچ اقدامی انجام نمی‌دهد و تمامی این‌ها را نادیده می‌گیرد و متأسفانه تنها استانی هستیم که دارای حداقل سهمیه می‌باشیم، در حالی که پتانسیل داوری ما بالاتر از این‌هاست.

عملکرد کمیته‌ی داوران باعث دلسردی داوران ما شده تا حدی که دیگر حاضر نیستند شرایط موجود را تحمل کنند و کمافی‌السابق به حساب نیایند و فقط وسیله‌ای در دست مسؤولین داوری کشور باشند و تنها در پایان مسابقات قضاوت کنند. لذا تصمیم ما بر این است که اگر قرار است حقانیت داوری ما دیده نشود، از کلیه‌ی مسابقات کشوری کنار کشیده تا مظلومیت داوری ما دیده شود.



بانوان بردخونی در حسرت نبود فضای ورزشی مناسب

گزارش: نامجوز حمتکش

ورزش و تحرک یکی از نکات کلیدی در حفظ و دوام سلامتی جامعه است و زنان و مردان در هر گروه و سن نیازمند انجام حرکات ورزشی و تکاپو و تلاش هستند و برای این‌که همیشه از نعمت سلامتی برخوردار باشند باید به انجام فعالیت‌های ورزشی بپردازند.

برای این امرشاید وسایل زیادی نیاز نباشد و هر فرد با ساده‌ترین حرکات بتواند به این هدف نایل آید، اما زنان و بانوان جامعه‌ی اسلامی که به زیور حجاب آراسته شده‌اند، نمی‌توانند در فضای باز و در انظار عمومی به ورزش‌های دلخواه بپردازند و لازم است با ایجاد فضاهای ورزشی ویژه‌ی زنان، ضمن ارج‌گذاری به شخصیت آنها به افزایش سرانه‌ی ورزش و تحرک در جامعه کمک کنیم. در سطور پیش‌رو گفته‌های چندتن از این بانوان را از نظر می‌گذرانیم.

یکی از خواهران خانه‌دار می‌گوید: بیشتر وقت خود را در خانه به سر می‌برم و با توجه به گرمی هوای منطقه به راحتی نمی‌توانم از منزل خارج شوم و به جز در مواقع ضروری، اوقات خود را در فضای بسته‌ی خانه سپری می‌نمایم. دچار روزمرگی شده‌ام و احساس می‌کنم هر روز ناامیدتر می‌شوم و سودی برای جامعه ندارم.

زهرا احمدی می‌افزاید: به مرور دچار افسردگی و تنبلی شده‌ام و قادر نیستم به راحتی کارهای خود را انجام دهم و آرزو می‌کنم کاش جایی بود تا ما نیز به ورزش بپردازیم و همیشه سالم و تندرست بمانیم.

وی ادامه داد: اگر به زنان بها داده شود، آنها می‌توانند افتخارات زیادی کسب کنند، مثلاً مدتی پیش تیم طناب‌کشی بردخون در مسابقات استانی شرکت کرد و مقام اول را به دست آورد، یا این‌که دانش‌آموزان و



دانشجویان بردخونی همیشه در کشور و استان حرفی برای گفتن داشته‌اند و اگر زمینه برای آنان فراهم گردد، توان بالا رفتن از قله‌های سخت و دشوار را دارند.

بانویی فرهنگی نیز با گله از عدم توجه به ورزش خواهران گفت: بانوان که نیمی از جمعیت کشور را تشکیل می‌دهند هم مانند آقایان نیاز به فضای ورزشی دارند و با توجه به این‌که ما نمی‌توانیم در محیط باز ورزش نماییم، نیازمند داشتن فضاهای سربسته هستیم، ولی بخش بردخون از این نظر محروم است.

عصمت علی‌نژادیان با اشاره به توصیه‌ی کارشناسان جهت پرداختن به ورزش افزود: همیشه می‌شنویم که بی‌حرکتی عوارض مختلف دارد و در دوره‌ی کنونی که تحرک بسیار کم شده، لازم است زمینه‌ی گسترش فضاهای ورزشی به ویژه برای زنان فراهم گردد و با ساخت سالن‌های سرپوشیده ویژه‌ی زنان برای همگانی کردن ورزش گام‌های اساسی برداشته شود .

دانش‌آموزی که از نبود امکانات ورزشی ناراحت است، با دلخوری می‌گوید: چرا هیچ‌کس به فکر ما نیست و ما را به حساب نمی‌آورند؟! با وجودی که آموزش و پرورش امکاناتی را در اختیارمان قرار داده است، ولی به هیچ‌وجه کافی نیست و سایر مسؤولان هم باید برای ما کاری کنند .

الهام دهداراضافه کرد: شاید در فصل زمستان بتوان در فضای بسته نیز ورزش کرد، اما در تابستان که هوای منطقه گرم و شرجی می‌باشد و گردوغبار در شهر و دیار ما فراوان است، امکان تحرک در بیرون نیست و از این بابت ما رنج می‌بریم. هرچند مدتی پیش کار ساخت سالن ورزشی در استادیوم شهید زنگباری بردخون آغاز شد، ولی تا هنوز آماده نشده است.

یکی از مربیان ورزش مدارس بردخون نیز می‌گوید: با توجه به این‌که زنان اوقات فراغت زیادی دارند، غنی‌سازی آن مهم است و ورزش مهم‌ترین و سودمندترین راه است. لازم است ابتدا برای گسترش ورزش فرهنگ‌سازی نمود و جامعه را به اهمیت و ضرورت ورزش آگاه کرد و با افزایش امنیت اجتماعی، محیط را برای تحرک و ورزش بیشتر زنان آماده نمود.

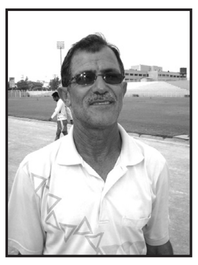
لیلامحمدی ادامه می‌دهد: مدتی است گروهی از خواهران در خیابان و در شهر به پیاده‌روی می‌پردازند، ولی نگاه مردم به آنها مناسب نیست و این دیدگاه باید تغییر کند که زن همیشه در خانه باشد و از محیط منزل خارج نشود. این موضوع ممکن است موجب افزایش بیماری در خواهران و عدم انگیزه در فعالیت‌های اجتماعی گردد و با ماشینی شدن زندگی مردم، چاقی و کم‌تحرکی، روزبه‌روز افزایش می‌یابد و این نگران کننده است.

روی استارت دو



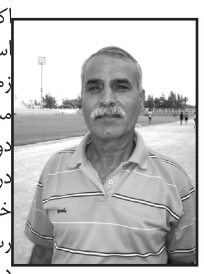
آیا دو و میدانی استان از نفس خواهد افتاد؟!

متأسفانه با این‌همه افتخار هنوز اسپانسر نداریم!



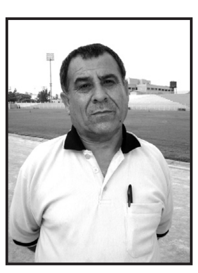
احمد نوشادی رئیس هیأت و مربی دو و میدانی استان بوشهر: متأسفانه تا اکنون اسپانسر ما مشخص نشده، ما چهار سال زیر نظر پیام مخابرات بودیم، ولی حالا به دلیل این‌که مخابرات به سپاه واگذار شده، فعلاً تعطیل هستیم! مشکل ما از نظر سخت‌افزاری فقط پیست دو میدانی است و این هم دلیل نمی‌شود که ما کم‌کاری کنیم. از نظر دونده و مربی هیچ‌گونه مشکلی نداریم، تیم بوشهر پنج سال است که جزو سه تیم برتر کشور بوده، ولی متأسفانه با این‌همه افتخار هنوز اسپانسر نداریم، به خاطر همین مسأله، نتوانستیم با غیر بومی‌های تیم پیام مخابرات بوشهر قراردادی داشته باشیم.

با این همه منابع مالی در استان، زشت است پیست تارتان نداشته باشیم!



اکبر بختیاری مربی دو و میدانی استان: مشکل اولیه ما نداشتن یک زمین مناسب و استاندارد است. اگر مسؤولین استان بخواهند برای اهالی دو و میدانی بوشهر پیست تارتان درست کنند، برای فوتبال هم مناسب خواهد بود، چون وقتی مسابقات رسمی در لیگ برتر و یک کشور در بوشهر انجام گردد، دیگر خاک و گردوغبار از پیست خاکی بلند نمی‌شود که برای بازیکنان و تماشاچیان مشکل ایجاد نماید. برای استان ما که این همه منابع مالی دارد، زشت است که ما پیست تارتان نداشته باشیم. در استان ما آن‌قدر استعدادهای خوب نهفته که به دلیل عدم وضعیت خوب مالی کشف نمی‌شوند.

اگر حامی مالی خوبی داشته باشیم، در دو و میدانی ایران حرف اول را خواهیم زد!



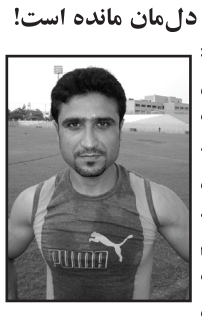
علی جمالی مربی دوومیدانی استان: از بس گفتیم مشکل اصلی ما پیست تارتان است، خسته شدیم! اگر ما حامی مالی خوبی داشته باشیم در دو و میدانی ایران حرف اول را خواهیم زد. در حال حاضر ما سرگردانیم و هنوز وضعیت مالی ما معلوم نشده. از مسؤولین هم چیزی ندیدیم. از آقای وردیانی بیش از چیزی که به ما کمک کرد، انتظار داشتیم. امیدوارم که مدیر کل جدید تربیت بدنی استان از نزدیک مشکلات ما را مشاهده کند و درد ما لمس نماید. باور کنید همه‌ی رشته‌های ورزشی مدیون دو و میدانی هستند چون مادر ورزش‌هاست.

اول تا آخر دو میدانی بوشهر سر تا پا مشکل است!



مصیب ناصری دونده‌ی ملی‌پوش بوشهری: اول تا آخر دو میدانی بوشهر سر تا پا مشکل است! اصلی‌ترین چیزی که یک دونده نیاز دارد، پیست مناسب برای دویدن است. ما از لحاظ مربی، دو مربی خوب در سطح ایران داریم؛ یعنی نوشادی و مهین دوست، اما از نظر مسایل سخت‌افزاری خیلیِ مشکل داریم. تا پارسال زیر نظر پیام مخابرات بودیم، فعلاً که اسپانسری نداریم، بی‌صاحب هستیم! روی همین اصل در مسابقات جایزه‌ی بزرگ ایران اصلاً روحیه نداشتم و به مقام چهارم ایران نایل شدم.

آرزوی پیست تارتان در دل‌مان مانده است!



رضا دریاسفر دونده‌ی بوشهری: متأسفانه فعلاً در پیست خاکی تمرین می‌کنیم و آرزوی پیست تارتان در دل‌مان مانده است. به دلیل این‌که دونده‌های ما روی خاک تمرین می‌کنند، درصد آسیب‌دیدگی آنها زیاد است و مدام مصدوم می‌شوند. چند مدتی است که حامی مالی نداریم و با نداری می‌سازیم، اکثر بودجه‌ی ورزش استان به فوتبال اختصاص داده می‌شود، اگر یک چهارم هزینه‌هایی که به فوتبال سرازیر می‌شود به رشته‌های انفرادی داده شود، شک نکنید که در آینده‌ی نزدیک نفرات زیادی به تیم ملی راه خواهند یافت.

استقلال دربی بوشهر را برد



تیم فوتبال استقلال بوشهر که پس از ده سال به مسابقات دسته اول بوشهر صعود کرد، در یک بازی مانده به پایان مسابقات، در دربی بوشهر، تیم پرسپولیس را در زمین قدس با چهار گل مغلوب کرد.

تنها دارنده ماشین دو رنگ پرینت مستر در استان
بوشهربا توانایی ۱۰۰۰۰ چاپ دو رنگ در ساعت
چاپخانه علوی
با بیش از ۱۰۰ سال تجربه در خدمت شکوفایی
فرهنگ و اقتصاد استان بوشهرتلفن: ۲۵۲۷۷۹۷ - ۲۵۲۴۳۴۳

هفته نامه سیاسی ، فرهنگی ، اقتصادی ، ورزشی
نسیم جنوب
• صاحب امتیاز: دکتر امیر خلف پور
• مدیر مسئول و سردبیر: یونس قیصی زاده
• مدیر گرافیک : موسی ولی زاده
• نشانی: بوشهر، میدان قدس، کوچه جانبازان
• دفتر هفته نامه نسیم جنوب
• تلفن: ۲۵۲۵۹۰۰ فاکس و پیامگیر: ۲۵۲۸۱۵۱
• ایمیل: info@nasimjonoub.com صندوق پستی: ۱۱۹۹
• لیتوگرافی و چاپ: علوی بوشهر ۲۵۲۷۷۹۷



پشت دروازه فوتبال

کمک نیم میلیاردی صفایی بوشهری به شاهین

به گفته‌ی مدیرعامل شاهین، با نظر مساعد صفایی بوشهری امام جمعه بوشهر و مسؤولین استانداری، قرار است اوایل هفته‌ی جاری مبلغ ۵۰۰ میلیون تومان به حساب باشگاه شاهین واریز شود، تا بلکه گوشه‌ای از مشکلات این تیم در لیگ دهم مرتفع گردد.

ستار زارع در شاهین



ستار زارع مدافع اسبق تیم ملی و برق شیراز، پنج‌شنبه گذشته با حضور در هیأت فوتبال بوشهر با یک قرارداد دو ساله به شاهین بوشهر پیوست. با این خرید شاهین، امید است خط دفاعی شاهین بهتر از قبل عمل نماید.

ملی‌پوش عراقی در شاهین

به گفته‌ی یکی از نزدیکان باشگاه شاهین، قرار است فرید مجید مدافع ملی‌پوش تیم ملی فوتبال عراق به شاهین بپیوندد. البته این مسأله بستگی به نظر نهایی حمید استیلی و دیگر اعضای کادر فنی دارد.

شاهین مجبور است وام بگیرد



به دلیل این‌که از وزارت نفت و سازمان تربیت بدنی و دیگر مسؤولین استانی هنوز ریالی به تیم شاهین پرداخت نشده، مجید کنگانی مدیر عامل این باشگاه طی جلسه‌ای همراه با هیأت مؤسسین باشگاه شاهین، قرار گذاشتند که برای رفع مشکلات اولیه‌ی شاهین، یک میلیارد تومان وام بگیرند.

طلب رحمان رضایی پرداخت شد



طلب رحمان رضایی بازیکن سال قبل شاهین که برای شش بازی به این تیم آمده بود، هفته‌ی گذشته از سوی باشگاه شاهین پرداخت شد. این مبلغ نزدیک به نود میلیون تومان بود که به حساب رضایی واریز گردید. این مسأله در حالی انجام شد که مسؤولین شاهین اعلام کرده بودند ریالی در حساب باشگاه وجود ندارد.

آمری در کلاس توجیهی داوران لیگ برتر



اسماعیل آمری داور بوشهری که در لیگ برتر گذشته به حق خود نرسید، از سوی کمیته‌ی داوران فدراسیون فوتبال کشور به کلاس توجیهی که در پایان تیرماه در تهران برگزار می‌گردد، دعوت شد. این در حالی است که قرار است کمیته‌ی داوران هیأت فوتبال بوشهر، در خصوص اعزام داوران به مسابقات کشوری تصمیم دیگری اتخاذ نمایند.

ایرانجوان واگذار می‌شود



به گفته‌ی یکی از اعضای هیأت مؤسس باشگاه ایرانجوان، اکیپ ایرانجوان از تیم‌داری خسته شده و دیگر با این وضعیت بد مالی قادر به تیم‌داری نخواهد بود و اگر وضع به همین منوال باشد ایرانجوان را به جای دیگر واگذار خواهیم کرد.

۲۰۰۰ متر از زمین ایرانجوان واگذار می‌شود

به گفته‌ی یکی از فعالان باشگاه ایرانجوان، فردی پیدا شده که قول داده با در اختیار گرفتن ۲۰۰۰ متر از زمین باشگاه ایرانجوان و احداث هتل در آن مکان، بخشی از مشکلات مالی ایرانجوان را مرتفع نماید. حال باید منتظر ماند و دید که ایرانجوانی‌ها در این رابطه چه تصمیمی خواهند گرفت.

رسانه‌ی ورزش در مشهد مقدس



تیم فوتبال رسانه‌ی ورزش بوشهر شنبه هفته‌ی آینده جهت یک دیدار دوستانه عازم مشهد مقدس خواهد شد. با پیگیری‌هایی که حسن غریبی سرپرست زحمت‌کش این تیم انجام داده، تیم رسانه‌ی ورزش، روز دوشنبه هفته‌ی آتی در یک دیدار دوستانه به مصاف تیم صدا و سیمای مشهد خواهد رفت. به امید پیروزی بچه‌های رسانه‌ی ورزش.

مظلومی به دیدار شاهینی‌ها رفت



پرویز مظلومی که قرار بود هدایت شاهین را در لیگ دهم به دست گیرد، یک‌مرتبه سر از استقلال تهران در آورد. هنگامی که شاهین در تهران در محل کمیته‌ی ملی المپیک اردو زده بود، این مربی به دیدار بوشهری‌ها رفت و با آنها خوش‌وبش کرد. شاهینی‌ها هم برخلاف برخورد دوگانه‌ی وی در اول فصل، با روی باز با مظلومی برخورد نموده و او را به نوعی شرمنده‌ی مرام خود کردند.

گفت‌وگو با حمید استیلی سرمربی تیم شاهین

طرفدارهای پرسپولیس هم در زمان تمرین و مسابقه شور و حال خاص بوشهری‌ها را ندارند

– جناب استیلی! چه شد بین تیم‌های لیگ برتر، شاهین بوشهر را انتخاب کردید؟

* اولین چیزی که برای من انگیزه ایجاد کرد به شاهین بیایم، طرفداران و بازیکنان این تیم بودند.

– روشی که سال گذشته با تیم سابق‌تان انجام می‌دادید را در شاهین پیاده خواهید کرد یا سیستم گذشته‌ی تیم شاهین را دنبال می‌کنید؟ اصلاً استراتژی شما برای لیگ دهم چه روشی خواهد بود؟

* هر مربی روش و فلسفه‌ی کار خودش را دارد. من هم سعی می‌کنم با آن فلسفه‌ای که دارم از بچه‌های تیم کار بکشم. امیدوارم یک تیم خوب داشته باشیم.

– قبول دارید تیم شاهین تا اندازه‌ای دیر استارت زد؟

* بله قبول دارم. ولی بچه‌ها دارند همت می‌کنند و روز به روز بهتر می‌شوند.

– با این کمبود زمان فکر نمی‌کنید که باید تعداد تمرینات را در روز به بیش از دو جلسه برسانید؟

* اتفاقاً در بعضی روزها سه جلسه تمرین می‌کنیم.

– فشار بیش از حد به بچه‌ها وارد نمی‌شود؟

* نه، ما به صورت علمی کار می‌کنیم که به بچه‌ها فشار وارد نشود.

– امکان دارد نمونه‌ای از تمرینات یک روز سه جلسه‌ای را توضیح دهید؟

* ساعت ۶ صبح تمرین می‌کنیم (به دلیل هوای گرم)، ساعت ۱۰،۳۰ وزنه می‌زنیم و ساعت ۱۸ بعد از ظهر در چمن کار می‌کنیم.

– کارهای هوازی هم انجام داده‌اید؟

* کارهای هوازی را تقریباً در بوشهر انجام داده‌ایم.

– شما سه مرحله اردو در تهران، کرج و کشور ترکیه را در دستور کار دارید؟ برپایی این سه اردو را چه قدر مؤثر می‌دانید؟

* ما به خاطر امکانات و شرایط ویژه‌ای که در این سه مکان وجود دارد، هم می‌توانیم بازی‌های تدارکاتی داشته باشیم و هم شرایط جسمانی که اولین هدف‌مان است را تقویت کنیم، بعد هم به کارهای تاکتیکی بپردازیم.

– چه شد که از استیل‌آذین جدا شدید؟

* قردادم با آنها تمام شد.

– جو آن‌جا چه طور بود؟

* یک‌سال با آنها کار کردم. ما در آن‌جا بازیکنان بزرگی داشتیم، همه‌ی آنها سنگ تمام گذاشتند، اما مثل شاهین تماشاگر خونگرم و خوب و پرشور نداشتیم و در نهایت رتبه‌ی پنجم را به دست آوردیم. در تیم استیل‌آذین هم خاطرات خوب و هم خاطرات بد را تجربه کردیم.

– سعی خواهید کرد با تلاش بیشتر، خاطرات شیرین در بوشهر داشته باشید؟

* تمام سعی‌ام را خواهم کرد که شرمنده‌ی بوشهری‌ها نشوم.

– جناب حمیدخان! فعلاً باد و موج موافق به خصوص هواداران، به سود شما در حال وزیدن است و به قول بوشهری‌ها در یک سفر دریایی باید منتظر توفان هم بود. چه کار خواهید کرد که در سفر لیگ دهم دچار توفان و حاشیه نشوید؟

* این مسأله مسؤولیت ما را سنگین‌تر خواهد کرد. من در پرسپولیس بوده‌ام، اما طرفدارهای آن مثل هواداران شاهین در زمان تمرین و مسابقه شور و حال خاص بوشهری‌ها را ندارند. در حالی که جام جهانی انجام می‌شود، تماشاگران شاهین بازی‌های جام جهانی را رها کرده‌اند و به دیدن تمرینات تیم محبوب خود (شاهین) می‌آیند. این مسأله قطعاً کار ما را سخت خواهد کرد. امیدوارم خوب بازی کنیم و برنده شویم تا همه‌ی آنها را خوشحال کنیم.

– مثل این که شما و آقای مهاجرانی عقیده‌ی خاصی روی تشکیل آکادمی فوتبال دارید؟

* بله از روزی که به بوشهر آمدیم، نظر به تشکیل آکادمی فوتبال داشته و داریم، تا بلکه خدمتی در حق مردم و بازیکنان بومی و بوشهری کرده باشیم.

– در حال حاضر در چه پست‌هایی با کمبود بازیکن مواجه هستید؟

* در شرایط فعلی در خط دفاع به ویژه به دفاع وسط و به یک مهاجم که قدرت سرزنی بالایی داشته باشد، نیازمندیم.



– مثل این‌که برای رفع این نقیصه، قرار است از دو بازیکن خارجی سود ببرید؟

* بله، احتمالاً در خط حمله از یک نیجریه‌ای که سابقه‌ی بازی در اروپا را دارد، استفاده خواهیم کرد و در خط دفاع هم یک مدافع آلمانی را به کار خواهیم گماشت. البته باید اول آنها را تست کنیم.

– نکته‌ی آخر این‌که اولاً مردم بوشهر فوتبال را به خوبی می‌شناسند و از زیر و بم فوتبال آگاهی دارند. دوما در این دیار ورزشی‌نویسانی وجود دارند که با کسی شوخی نداشته و به راحتی هرچه تمام‌تر هدایت‌گر تیم را زیر سؤال می‌برند. شما با این دو مقوله چه برخوردی خواهید داشت؟

* این مسأله همیشه وجود دارد. من در یک تیم بزرگ هم بازی کرده‌ام و هم مربی‌گری. همیشه حاشیه وجود دارد، ولی خدا را شکر همان‌طور که گفتید مردم بوشهر فوتبال‌فهم هستند، ما هم روی همین اصل کاری خواهیم کرد که آنها از ما راضی باشند.

گفت‌وگو با رضا نسترن و مصطفی خاک از بازیکنان قدیمی پاس بوشهر

رضا نسترن: فقط اسم حرفه‌ای‌گری را یدک می‌کشند! مصطفی خاک: حتا تیم ملی هم رشد نداشته، فوتبال بوشهر که جای خود دارد!

اشاره: به بهانه‌ی حضور مصطفی خاک در میان قدیمی‌های پاس در منزل حاج‌رضا نسترن که این جمع پس از ۱۵ سال، آن هم به خاطر دوری مصطفی از وطن برپا گردید، این دو عزیز (خاک و نسترن) را به عنوان میهمان به هفته‌نامه‌ی «نسیم جنوب» دعوت کردیم که حاصل گپ‌وگفت‌مان را در زیر می‌خوانید. به امید این که در زندگی و حیات به یاد خاک‌خورده‌ها و پیشکسوتان عرصه‌ی ورزش باشیم.

– از دو دهه‌ی گذشته تا به حال که شما فوتبال بازی می‌کردید، چه تغییراتی را در فوتبال مشاهده می‌کنید؟

مصطفی خاک: به نظر من فوتبال ایران پیشرفت که نکرده، راکد هم مانده! وقتی بازی‌های عربستان را مشاهده می‌کنید به این حقیقت پی خواهید برد.

رضا نسترن: فوتبال امروز همه‌اش پول است، کسی با عشق فوتبال بازی نمی‌کند. فقط اسم حرفه‌ای‌گری را یدک می‌کشند.

– منهای شاهین بوشهر که تکانی خورده است، فوتبال بوشهر را چگونه می‌بینید؟

مصطفی خاک: با اطلاعات و اخباری که از فوتبال ایران کسب می‌کردم، می‌بینم حتا تیم ملی هم رشد نداشته، فوتبال بوشهر که جای خود دارد. انگار مربیان ما به فوتبال روز نگاه نمی‌کنند. پیشرفتی در کارشان مشاهده نمی‌کنم. در زمان ما آقای شمسا به ما می‌گفت تک‌ضرب بازی کنید، یکی از عوامل موفقیت ما همین بود. باور کنید زمانی که در آلمان با هم‌سن‌های خودم بازی می‌کردم، آنها از بازی تک‌ضرب من خیلی خوش‌شان می‌آمد و می‌گفتند که از کجای ایران آمده‌اید؟

رضا نسترن: در زمان ما فوتبال تعصب و وحدت بود. از زمان قدیم آقای کبگانی بود که استعدادها را پیدا می‌کرد و در ایران مقام می‌آوردیم. پس از آن آقای شمسا روح تازه‌ای در کالبد فوتبال بوشهر دمید، ولی در حال حاضر چیز خاصی دیده نمی‌شود.

– نظرتان در خصوص فوتبال محلات بوشهر چیست؟

مصطفی خاک: در بوشهر استعدادهای خوب و بکری وجود دارد که افرادی مثل آقای شمسا و دیگران باید آنها را کشف کنند.

رضا نسترن: بیشتر بازیکنان خوب بوشهر از دل بازی‌های محلات بیرون آمدند. تیم پاس از محلات رشد کرد، ولی حالا از آن جام‌ها و بازی‌ها خبری نیست.

– آقای خاک! در کشور آلمان آیا بازی‌های محلی هم انجام می‌شود؟

مصطفی خاک: بله، ما در محله‌ای در شهر هانوفر یک مدرسه‌ی فوتبال داریم که من مربیگری رده‌ی ۱۰ و ۱۱ ساله‌های آن را بر عهده دارم. البته سرمربی ما یک روسی‌الاصل و بزرگ شده‌ی آلمان است. در آن‌جا بچه‌ها از ۶ سالگی به فوتبال روی می‌آورند. با هر استعدادی کارشان را شروع می‌کنند، کسی یا فردی را به بلد نبودن فوتبال متهم نمی‌کنند. مثلاً پسر خودم ابتدا مهاجم بود، بعد که دید در آن‌جا موفق نیست، حالا درون دروازه فعالیت می‌کند.

– آقای نسترن شما با این سابقه‌ی خوبی که در فوتبال دارید، چرا مدرسه‌ی فوتبال دایر نمی‌کنید؟

رضا نسترن: در بوشهر حمایت نمی‌کنند. ببینید محمود ابراهیم‌زاده می‌خواست مدرسه‌ی فوتبال پیشرفته‌ای در بوشهر تأسیس کند. چقدر او را اذیت کردند که رفت. حالا هم وقتی بزرگی مثل آقای شمسا خارج از گود فوتبال است، ما که دیگر عددی نیستیم.

– نظر شما در رابطه با شاهین و حضور این تیم در لیگ دهم چیست؟



مصطفی خاک: همه بوشهری‌ها باید دست به دست هم بدهند تا شاهین در لیگ برتر موفق باشد. باید عینک تضاد را از چشم‌ها برداریم. شاهین چه به وسیله‌ی بومی یا غیر بومی هدایت شود، باید مورد حمایت همه‌جانبه قرار گیرد.

رضا نسترن: از مسؤولین و مردم بوشهر می‌خواهم مثل سال قبل شاهین را مورد حمایت خود قرار دهند، چون شاهین آبروی فوتبال بوشهر است.

– به نظر شما در کادر فنی شاهین، جای بزرگان فوتبال بوشهر خالی نیست؟

مصطفی خاک: چرا واقعاً خالی است. به نظرم مربیانی همچون آقایان شمسا، جلال غریب‌زاده و گیشوی می‌توانند برای شاهین مفید باشند. در زمانی که ما بازی می‌کردیم و از آنالیز بازی‌های حریف حرفی نبود، آقای شمسا، تیم حریفان را برای ما به خوبی آنالیز می‌کرد. به عقیده‌ی من باید یک یا دو مربی بومی در کادر فنی شاهین حضور داشته باشند.

رضا نسترن: باور کنید آقای شمسا چون هم جرأت دارد و هم قدرت انتقالش خوب است، می‌تواند برای هر تیمی مفید باشد.

– سطح کیفی و کمی مطبوعات محلی به خصوص بخش ورزشی را چگونه ارزیابی می‌کنید؟

مصطفی خاک: در زمان ما که متأسفانه مطبوعات این چنین پُربار نبود، ولی حالا خوشبختانه سطح کیفی آنها بسیار عالی است و جالب این‌جاست که اکثر آنها به دست انسان‌های بااستعداد اداره می‌شود. به این حرف من ایمان داشته باشید که در بیشتر اوقات مطبوعات از مربیان جلوتر هستند. من در این چندمدت که صفحات ورزشی نشریات بوشهر را مطالعه کردم، واقعاً لذت بردم.

رضا نسترن: باور کنید یکی از عوامل زنده ماندن فوتبال بوشهر همین مطبوعات است. چون مطبوعات (بخش ورزشی) دست فوتبالی‌هاست و من شخصاً به آنها افتخار می‌کنم.

– آقا مصطفی! پس از ۱۵ سال که دوباره به بوشهر برگشتید، مبلمان شهر را چگونه دیدید؟

مصطفی خاک: به نظر من شهر آن‌چنان تغییری نکرده است.

– مگر انتظار غیر از این را داشتید؟

مصطفی خاک: بله، دوست داشتم پس از ۱۵ سال شهرم زیباتر شده باشد. متأسفانه شهر به طرف روستانشینی رفته، یعنی صعودی نداشته است.

– از لحاظ فرهنگی مردم را چگونه مشاهده کردید؟

مصطفی خاک: همین که در هر خانه یک دانشجو وجود دارد، این خودش یک پیشرفت است و بها به علم و تحصیل، خود نقطه‌ی عطفی در زندگی مردم بوشهر است.

– راستی آقای نسترن چه شد که برای آمدن آقای خاک بچه‌های قدیمی را دور هم جمع کردید؟

رضا نسترن: چون ما بوشهری‌ها و به خصوص بازیکنان پاس، آقای مصطفی خاک را دوست داریم، به اتفاق آقایان شمسا و رضا ابراهیمی اکثر بچه‌ها را کمتر از ۲۴ ساعت دور هم جمع کردیم و یک شب به یادماندنی را در کنار آقا مصطفی گذراندیم.

– جناب خاک در این رابطه و حرکت زیبای بچه‌های قدیمی پاس چه حرفی دارید؟

مصطفی خاک: وقتی دوستانی که از بوشهر می‌آمدند و در آلمان با آنها صحبت می‌کردم، اظهار می‌داشتند که بوشهر مثل اول نیست و دیگر صفا و صمیمیت وجود ندارد. وقتی خودم با چشم خودم دیدم، حرف‌های آنها را باور نکردم، چون دیدم بوشهری‌ها مثل قبل خونگرم و رفیق‌باز هستند. به‌خصوص اهالی خبرنگاران ورزشی که در این چندمدت حسابی من را شرمنده‌ی خودشان کردند. باور کنید این حرکت بهترین هدیه‌ی عمرم بود که هیچ قیمتی روی آن نمی‌گذارم.

– نمی‌خواهید از تیم‌های قدیمی محلات بوشهر یاد کنید؟

مصطفی خاک: من از بازی با تیم‌های استقلال و گسار جبری، قدس صلح‌آباد و دارایی سنگی لذت می‌بردم و بعضی وقت‌ها در آلمان به یاد آن روزها اشک می‌ریزم.

رضا نسترن: به نظر من تیم قدس خیلی تیم خوبی بود. دارایی و امید هم خوب بودند. گسار و رهبر هم حرف برای گفتن داشت، چون از دل محله‌های بوشهر بیرون آمده بودند.



تیم پاس بوشهر – بهار سال ۱۳۶۰ – بازی دوستانه مقابل پرسپولیس تهران

– در نوجوانی دوست داشتید جای کدام بازیکن بوشهری می‌بودید؟

مصطفی خاک: سؤال خوبی است. بچه که بودم طرفدار دو آتشه‌ی شاهین بودم و دوست داشتم جای محمود ابراهیم‌زاده باشم، البته از بازی عباس احمدی هم لذت می‌بردم.

رضا نسترن: از بازی عباس احمدی که مثل یک شیر بازی می‌کرد و احمد تورانی کیف می‌کردم.

– گپ پایانی...!

مصطفی خاک: با تشکر از شما که این فرصت را در اختیار ما گذاشتید. به امید این‌که پیشکسوتان فراموش نشوند.

نسترن: با تشکر از شما به امید این‌که ورزش بوشهر قدر شماها را بیشتر بداند.



روی خط شاهین

۱

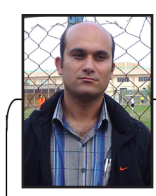

یارگیری شاهین چنگی به دل نمی‌زند!

عباس مهرافشاری پیشکسوت شاهین:با توجه به این‌که وقت چندانی به شروع مسابقات لیگ برتر باقی نمانده، مسؤولین استان باید تلاش بیشتری از خود نشان دهند تا شاهین از بحران مالی خارج شود. درباره‌ی یارگیری هم باید گفت به جز بازیکنان بومی که از لیگ برتر به شاهین آمدند، مابقی چنگی به دل نمی‌زنند؛ مثلا علی سلیمانی که اصلاً نباید به شاهین می‌آوردند. متأسفانه این کار صورت گرفت. امید است مربی جوان شاهین در لیگ دهم برای فوتبال بوشهر و شاهین سنگ تمام بگذارد. با این‌که استیلی مربی جوان و کم تجربه‌ای است، ولی به او امید هست.

۲


وقتی در فوتبال گیر می‌کنیم مسؤولین تازه یاد چاره‌اندیشی می‌افتند!

محمود آرامش پیشکسوت شاهین:به نظر من استیلی گزینه‌ی خوبی برای مربی‌گری شاهین است، چون ایشان با مربیان بزرگی کارکرده و این برای ما خیلی خوب خواهد بود. یک حسن خوب دیگر وی متعهد بودن اوست. امیدوارم یارگیری‌ها با نظر او صورت گرفته باشد تا شرایط مالی باشگاه و تصمیمات مدون باشگاهی! در خصوص همکاری مالی مسؤولین استان باید عرض کنم که وقتی در فوتبال گیر می‌کنیم مسؤولین تازه یاد چاره‌اندیشی می‌افتند و به فکر تزریق پول به تیم می‌شوند، آن‌وقت هم کار از کار گذشته، شاید باور نکنید با حضور شاهین در لیگ برتر، می‌توان در جهات دیگر در رأس اجتماع کشور ابراز وجود کرد، ولی کو گوش شنوا و چشم بینا!

۳


تا کی باید قطره‌چکانی به فوتبال ما بودجه تزریق شود؟!

عبدالرضا کللی مدیر سایت کانون هواداران شاهین:چون استیلی بازیکن با تجربه‌ای در عرصه‌ی ملی و باشگاهی بود و قابلیت‌های خوبی در امر مربی‌گری دارد، می‌تواند شاهین را به سرمنزل مقصود برساند. او باید در امر یارگیری وسواس بیشتری از خودشان دهد، به ویژه در جذب مردان خط دفاعی. باشگاه شاهین هم در حد بضاعت خودش بد یارگیری نکرد و اگر بخواهیم بهتر از این شود باید مسؤولین مثل سال پیش همت عالی داشته باشند. با احترامی که برای همه‌ی مسؤولین استان قایلم، باید مثل نفت آبادان، تهران و پتروشیمی تبریز بودجه‌ای مصوب برای شاهین اختصاص دهند. چون این حق مردم بوشهر است. تا کی ما حسرت داشتن منابع زیرزمینی بخوریم و قطره‌چکانی به فوتبال ما پول داده شود.

۴


مثل سنوات گذشته در فوتبال بوشهر رابطه حاکم است!

رضا خسرویان پیشکسوت فوتبال بوشهر: به نظر من هر بازیکن بزرگی نمی‌تواند مربی بزرگی شود و استیلی نمی‌تواند برای شاهین خوب باشد، چون ایشان در استیل‌آذین با آن بازیکنان بزرگش موفق نبود. به عقیده‌ی من مثل سنوات گذشته در فوتبال بوشهر رابطه حاکم است. سؤال این‌جاست چرا بازیکن قابلی مثل ساندی از شاهین کنار گذاشته شد؟! باید مسؤولین شاهین در این خصوص تفکر نمایند. در پایان باید بگویم اگر مردان شاهین چند مربی جوان و خاک‌خورده را در کنار کادر فنی نگمارند، بی‌شک ضرر خواهند کرد، چون این برای استان یک امر ضروری‌ست.

۵


اگر حشمت مهاجرانی نباشد استیلی هیچ‌کاره است!

کاظم دهبان پیشکسوت فوتبال بوشهر: اگر حشمت مهاجرانی نباشد استیلی هیچ‌کاره است. استیلی با نیروهای بین‌المللی و ملی‌پوش کشور در استیل‌آذین کار شاقی انجام نداد، آیا برای شاهین می‌تواند طبیب خوبی باشد؟ در رابطه با استفاده نکردن مربیان بومی در کنار تهرانی‌ها باید عرض کنم که این کار یک کار خطرناک است که از سوی مسؤولین شاهین دارد صورت می‌گیرد. اگر آنها به این کادر فنی اعتقاد دارند، می‌بایست چندتن از جوانان شایسته را در کنار آنها به خدمت بگیرند تا سرمایه‌های فوتبال بوشهر هدر نرود.